

اقتصاد

اقتصادی، تحلیلی

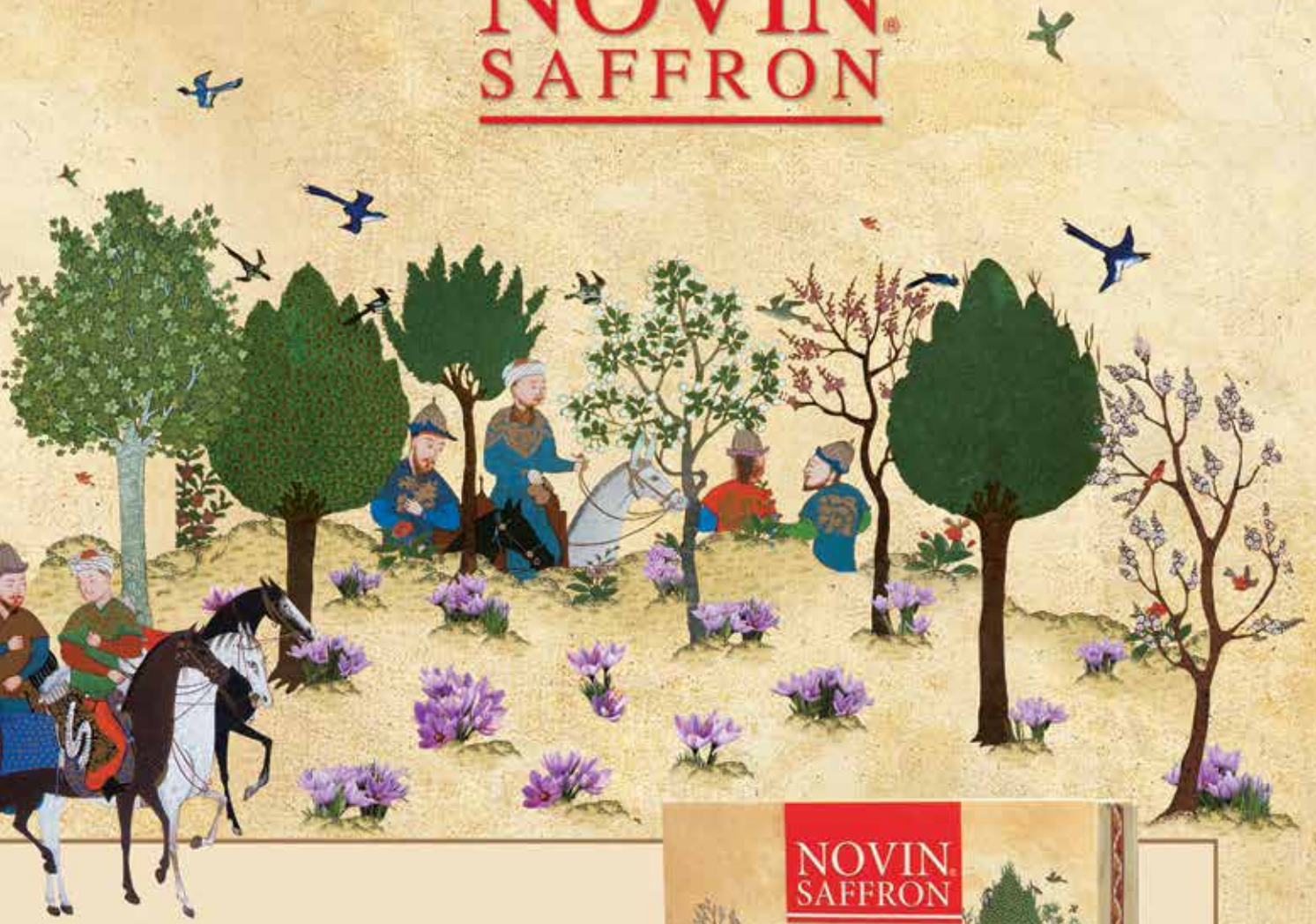
سال سی و یکم - دی ماه ۱۴۰۳ قیمت: ۵۰۰۰ تومان

- ◀ گزارش جامع صنعت گردشگری ایران در سال ۲۰۲۳
- ◀ چالش‌های گردشگری سلامت در ایران
- ◀ موانع کلیدی کسب و کار در استان‌ها
- ◀ تاثیر هوش مصنوعی بر بازار سرمایه
- ◀ هوش مصنوعی و تحول تجارت جهانی

تأثیر هوش مصنوعی
در گردشگری



NOVIN SAFFRON



کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۲۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب بلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰





| | |
|----|---|
| ۲ | یادداشت / ناترازی انرژی، تهدیدی جدی برای تولید و اشتغال |
| ۳ | گزارش جامع صنعت گردشگری ایران در سال ۲۰۲۳ |
| ۷ | چالش‌های گردشگری سلامت در ایران |
| ۱۳ | تأثیر هوش مصنوعی در گردشگری |
| ۱۵ | تورم، مانعی بر سر راه توسعه اقتصادی |
| ۲۲ | موانع کلیدی کسب و کار در استان‌ها |
| ۲۶ | وضعیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری در گواهی سپرده کالایی زعفران |
| ۳۰ | چالش‌ها و موانع اجرای سیاست حداقل دستمزد در ایران |
| ۳۴ | ابری پروژه‌ها |
| ۳۶ | هوش مصنوعی و تحول تجارت جهانی فرصت‌ها و چالش‌ها |
| ۴۲ | تأثیر هوش مصنوعی بر بازار سرمایه |
| ۴۴ | فرصت‌های رشد منطقه منا |
| ۵۰ | دورنمای صنایع پیشتاز جهان |

صاحب امتیاز و مدیر مسول:

مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

سردبیر:

مهندس حسین کوه زاد

خبرنگار:

جلیل فروتن

گروه ترجمه:

زهرا پزشکی

ویراستار:

احمد حسین زاده

طراحی: هدی امیر

عکس:

حسین نظامی

واحد بازرگانی:

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

نشانی:

نشانی: مشهد - خیابان فلسطین

فلسطین ۱ - ساختمان سروش

طبقه تحتانی

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

تهران - شریعتی - خیابان دستگردی

پلاک ۷۴

طبقه دوم - واحد ۵

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۰۹۶۱

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۰۳۲

www.eghtesadasia.ir
eghtesadeasia@gmail.com

چالش‌ها و فرصت‌های توسعه گردشگری در ایران

حسین کوه‌زاد

صنعت گردشگری، با دارا بودن پتانسیل‌های عظیم تاریخی، فرهنگی و طبیعی، می‌تواند نقش محوری در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران ایفا کند. با این حال، این صنعت با چالش‌های متعددی روبرو است که مانع از تحقق این پتانسیل شده است. گردشگری به عنوان یکی از صنایع پرپتانسیل، سهم قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی ایران دارد. در این یادداشت، به بررسی دقیق‌تر چالش‌های پیش روی صنعت گردشگری ایران و ارائه راهکارهایی برای رفع آن‌ها می‌پردازیم.

چالش‌های زیرساختی:

حمل و نقل: کمبود زیرساخت‌های هوایی، ریلی و جاده‌ای، به‌ویژه در مناطق گردشگری، دسترسی گردشگران را دشوار کرده است.
اقامت: کمبود هتل‌ها و اقامتگاه‌های استاندارد با قیمت‌های مناسب، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های گردشگران است.
تاسیسات گردشگری: فقدان امکانات رفاهی، تفریحی و خدماتی باکیفیت، از جمله رستوران‌ها، مراکز خرید و سرویس‌های بهداشتی، تجربه گردشگری را برای گردشگران ناخوشایند می‌کند.

چالش‌های فرهنگی و اجتماعی:

تصویر ایران در رسانه‌های جهانی: ترویج تصویر نادرست از ایران در رسانه‌های بین‌المللی، بر تصمیم‌گیری گردشگران برای سفر به ایران تأثیر منفی گذاشته است.
محدودیت‌های فرهنگی: برخی محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی، آزادی عمل گردشگران را محدود کرده و تجربه گردشگری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
امنیت: نگرانی‌های امنیتی، به‌ویژه در برخی مناطق، باعث کاهش تمایل گردشگران برای سفر به ایران می‌شود.

چالش‌های اقتصادی:

نوسانات نرخ ارز: نوسانات شدید نرخ ارز، هزینه‌های سفر به ایران را برای گردشگران خارجی افزایش داده و برنامه‌ریزی سفر را برای آن‌ها دشوار کرده است.
تحریم‌ها: تحریم‌های اقتصادی، دسترسی ایران به فناوری‌های نوین و سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت گردشگری را محدود کرده است.
مشکلات بانکی: مشکلات بانکی و محدودیت‌های پرداخت‌های بین‌المللی، مبادلات مالی گردشگران را با مشکل مواجه کرده است.

چالش‌های مدیریتی:

کمبود نیروی انسانی متخصص: کمبود نیروی انسانی متخصص در صنعت گردشگری، کیفیت خدمات ارائه شده را کاهش داده است.

ادامه در صفحه ۶

گزارش جامع صنعت گردشگری ایران در سال ۲۰۲۳

«سازمان جهانی گردشگری و سفر» در آخرین گزارش خود، سال ۲۰۲۳ را برای صنعت گردشگری، «قدرتمند» توصیف کرده است. سالی که توانست خطرات تلخ همه‌گیری کرونا را در ذهن فعالان این صنعت کمرنگ‌تر کند. در حالی که صنعت گردشگری جهان با وجود چالش‌های بی‌سابقه روند رو به رشدی دارد، گردشگری ایران هم با تکیه بر گردشگری داخلی قدرتمند و چشم‌انداز رشد امیدوارکننده، مسیر روشنی را طی می‌کند. از سهم ۸۷ درصدی گردشگری داخلی تا پیش‌بینی افزایش ۶ درصدی سهم این صنعت در تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۳۴، آمار و ارقام حکایت از ظرفیت عظیم و نقش کلیدی گردشگری در آینده اقتصاد ایران دارد. اما چگونه این صنعت پس از افت شدید سال ۲۰۲۰، مسیر رشد را از سر گرفته و چه فرصت‌هایی پیش روی آن قرار دارد؟ در این گزارش به بررسی جامع وضعیت کنونی و آینده صنعت گردشگری ایران می‌پردازیم.

کشور را ایجاد کرده بود. اگرچه این رقم در سال ۲۰۲۰ با کاهش ۳۴ درصدی روبرو شد، اما انتظار می‌رود تعداد مشاغل در این بخش تا سال ۲۰۲۴ به ۱,۸۳ میلیون و تا سال ۲۰۳۴ با رشد ۳۶۰ هزار نفری، به ۲,۱۸ میلیون نفر افزایش یابد. با این حال گردشگری ایران در زمینه اشتغال نتوانسته نقص خود را نسبت به پیش از کرونا جبران کند. تعداد شاغلان در گردشگری ایران در سال ۲۰۲۳ هنوز بیش از ۱۷ درصد و در سال ۲۰۲۴ دقیقاً ۶ درصد کمتر از سال ۲۰۱۹ است.

سهم بیشتری گردشگری داخلی نسبت به گردشگری بین‌الملل

یکی از نکات قابل توجه در صنعت گردشگری ایران، سهم بالای گردشگری داخلی است. در سال ۲۰۲۳، ۸۷,۴ درصد از کل هزینه‌کرد گردشگری مربوط به گردشگران داخلی بوده است. به این ترتیب سهم گردشگری خارجی نسبت به سال ۲۰۱۹ تقریباً ۶ درصد کاهش داشته است که این اتفاق خوبی نیست. چراکه هزینه‌کرد گردشگران خارجی در کشور نسبت به ۲۰۱۹ کاهشی بیش از ۳۳ درصدی داشته است. این روند با توجه به نیاز کشور به ورود ارز، شایان رسیدگی است. همچنین هزینه‌کرد گردشگران داخلی نیز که نسبت به ۲۰۱۹ رشدی نزدیک به ۸ درصدی داشته است؛ با لحاظ تورم حاکی از افزایش چشمگیری نیست. (هزینه‌کرد گردشگران داخلی از ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ بیش از ۳۵۵ میلیارد تومان افزایش داشته است).

سهم گردشگری از اقتصاد ایران

صنعت گردشگری ایران در سال‌های اخیر با فراز و نشیب‌های قابل توجهی روبرو بوده است. این صنعت که در سال ۲۰۱۹ سهمی ۵,۵ درصدی از کل اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده بود، در سال ۲۰۲۰ با کاهش چشمگیر ۴۳,۸ درصدی مواجه شد. با این حال، چشم‌انداز آینده این صنعت امیدوارکننده به نظر می‌رسد و پیش‌بینی می‌شود سهم آن تا سال ۲۰۲۴ به ۵,۲ درصد و تا سال ۲۰۳۴ به ۶,۱ درصد افزایش یابد.

اشتغال‌زایی گردشگری در ایران

در زمینه اشتغال‌زایی نیز صنعت گردشگری نقش مهمی در اقتصاد ایران ایفا می‌کند. در سال ۲۰۱۹، این صنعت حدود ۱,۹۵ میلیون شغل، معادل ۸ درصد کل مشاغل

| Iran Key Data | | | | |
|---------------|--|---|---|--|
| 2019 | 5.5% (of Total Economy) IRR 7,472.28TN (USD 177.98BN) | Change in 2020: -43.8% | 1.95 MN =8.0% (Share of Total Jobs) | Change in 2020: -34.0% |
| 2023 | 4.7% IRR 7,409.21TN (USD 176.48BN) | Annual Change: +21.0% (-0.8% vs 2019) Economy Change: +4.4% | 1.60 MN =6.6% | Annual Change: +10.3% (-17.8% vs 2019) |
| 2024 (*) | 5.2% IRR 8,305.56TN (USD 197.88BN) | Annual Change: +12.1% (11.2% vs 2019) | 1.83 MN =7.5% | Annual Change: +14.4% (-6.0% vs 2019) |
| 2034 (*) | 6.1% IRR 12,058.19TN (USD 287.18BN) | CAGR (2024 - 2034): +3.8% Economy CAGR (2024 - 2034): +2.2% | 2.18 MN =8.3% | New Jobs (2034 vs 2024): 0.36 MN |

در حالی که صنعت گردشگری جهان در سال ۲۰۲۰ با کاهش ۴۸٫۴ درصدی مواجه شد، در ایران این رقم نزدیک به ۴۴ درصد بود. همچنین درصد رشد صنعت گردشگری از ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴، در ایران ۰٫۵ درصد و در جهان ۰٫۹ درصد برآورد شده است. با این حال درصد رشد سالانه در ایران و جهان کاملاً برابر است: ۱۲٫۱ درصد.

یک زنگ خطر!

علاوه بر این، سفرهای تفریحی با اختصاص ۹۷٫۷ درصد از کل هزینه‌کرد گردشگری، نقش پررنگ‌تری نسبت به سفرهای تجاری داشته‌اند. به این ترتیب در ۲۰۲۳ میزان سفرهای بیزینسی نیز نسبت به پیش از کرونا کاهش یافته است. باید دانست انحصار صنعت گردشگری یک کشور به مسافران بومی و سفرهای تفریحی، می‌تواند سودآوری این صنعت را شدیداً کاهش دهد. چراکه سفرهای تجاری یا بیزینسی، گران‌تر از سفرهای تفریحی برآورد می‌شوند.

نگاهی به گردشگری بین‌الملل ایران

در بررسی کشورهای مبدأ و مقصد گردشگری ایران در سال ۲۰۲۳، عراق با ۳۷ درصد، ترکیه با ۱۱ درصد و آذربایجان با ۷ درصد، اصلی‌ترین کشورهای مبدأ گردشگران ورودی به ایران بوده‌اند (درصد ورود گردشگران ترکیه‌ای نسبت به سال ۲۰۱۹ افزایش داشته است و با پشت سر گذاشتن جمهوری آذربایجان، در رتبه دوم گردشگران ورودی به ایران ایستاده است). در مقابل، ترکیه با ۵۳ درصد، عراق با ۱۱ درصد و امارات متحده

عربی با ۱۰ درصد، مهم‌ترین مقاصد گردشگران خروجی ایران را تشکیل داده‌اند (ترکیب این کشورها در سال ۲۰۱۹ نیز به همین شکل بوده است). در سال ۲۰۲۳، لبنان هم به فهرست ۵ کشور مسافرفرست به ایران پیوسته است. در سال ۲۰۱۹ به جای لبنان، کشور ارمنستان قرار داشت. در عوض ارمنستان به فهرست دیگری اضافه شده است: پنجمین کشور گردشگری‌پذیر از سمت ایران در سال ۲۰۲۳. در سال ۲۰۱۹ به جای این کشور، جمهوری آذربایجان قرار داشت.

آینده گردشگری ایران

روند رشد صنعت گردشگری ایران در سال‌های آینده نیز امیدوارکننده به نظر می‌رسد. پیش‌بینی می‌شود سهم کل گردشگری در تولید ناخالص داخلی از ۴٫۷ درصد در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۶ درصد در سال ۲۰۳۴ افزایش یابد. در زمینه اشتغال‌زایی مستقیم نیز انتظار می‌رود سهم این صنعت از ۱٫۷ درصد در سال ۲۰۲۱ به حدود ۲٫۷ درصد در سال ۲۰۳۴ برسد، که معادل افزایش از حدود ۴۰۰ هزار شغل به بیش از ۷۰۰ هزار شغل است. سهم مستقیم گردشگری در تولید ناخالص داخلی ایران نیز روندی صعودی دارد و پیش‌بینی می‌شود از ۱ درصد در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۲ درصد در سال ۲۰۳۴ افزایش یابد. این رشد در ارزش از ۱٫۵ میلیون میلیارد ریال به بیش از ۴ میلیون میلیارد ریال خواهد رسید.

در بخش گردشگری خارجی و صادرات، پس از افت شدید در سال ۲۰۲۰، روند صعودی از سر گرفته شده و انتظار می‌رود سهم صادرات مرتبط با گردشگری از کل صادرات کشور از حدود ۲ درصد در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۷ درصد در سال ۲۰۳۴ افزایش یابد. سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری ایران نیز روند روبه‌رشدی را نشان می‌دهد. پیش‌بینی می‌شود حجم سرمایه‌گذاری در این بخش از حدود ۸۰۰ هزار میلیارد

Domestic Spending International Spending



% share of total spending

Leisure Spending Business Spending



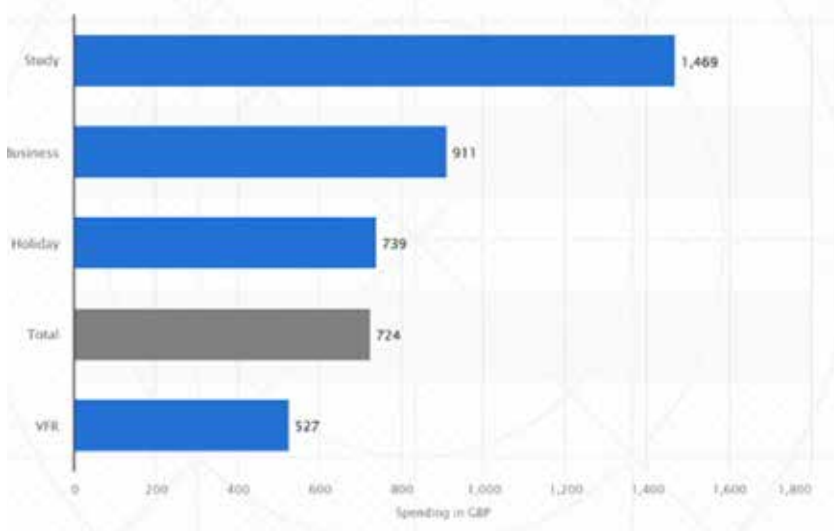
% share of total spending



اقتصادی صنعت گردشگری و سفر فعالیت می‌کند و نقشی کلیدی در شکل‌دهی به سیاست‌های جهانی این حوزه دارد.

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های این شورا، انجام پژوهش‌های گسترده و ارائه آمار و تحلیل‌های دقیق درباره وضعیت صنعت گردشگری در سطح جهانی و منطقه‌ای است. گزارش‌های سالانه این شورا، که شامل داده‌های مربوط به سهم گردشگری در تولید

average overseas tourist spending per visit in London (UK) in 2019, by purpose of trip
GBP



ناخالص داخلی، اشتغال‌زایی و سرمایه‌گذاری است، مرجعی معتبر برای سیاست‌گذاران، پژوهشگران و فعالان صنعت گردشگری در سراسر جهان محسوب می‌شود. شورای جهانی گردشگری و سفر همچنین نقشی مهم در ترویج توسعه پایدار در صنعت گردشگری دارد. این نهاد با همکاری سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی، تلاش

ریال در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۱,۲ میلیون میلیارد ریال در سال ۲۰۳۴ افزایش یابد. همچنین، سهم این سرمایه‌گذاری از کل سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور از حدود ۲ درصد به نزدیک ۳ درصد خواهد رسید. در مقایسه با روند جهانی، صنعت گردشگری ایران عملکرد نسبتاً خوبی داشته است. در حالی که سهم گردشگری از تولید ناخالص داخلی جهان از ۱۰,۴ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۹,۱ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یافته (یعنی کاهش ۱,۳ درصدی)، این رقم برای ایران روند آرام‌تری داشته است (کاهش ۰,۸ درصدی). همچنین، در حالی که صنعت گردشگری جهان در سال ۲۰۲۰ با کاهش ۴۸,۴ درصدی مواجه شد، در ایران این رقم نزدیک به ۴۴ درصد بود. همچنین درصد رشد صنعت گردشگری از ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴، در ایران ۰,۵ درصد و در جهان ۰,۹ درصد برآورد شده است. با این حال درصد رشد سالانه در ایران و جهان کاملاً برابر است: ۱۲,۱ درصد.

نگاهی به شورای جهانی گردشگری و سفر

آمار و ارقامی که در این گزارش به آن اشاره شد، حاصل مطالعات و پژوهش‌های دقیق شورای جهانی گردشگری و سفر است. این شورا که در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد، یکی از معتبرترین نهادهای بین‌المللی در زمینه صنعت گردشگری به شمار می‌رود. شورای جهانی گردشگری و سفر متشکل از مدیران ارشد بیش از ۲۰۰ شرکت پیشرو در صنعت گردشگری جهان است. این نهاد با هدف ارتقای آگاهی درباره اهمیت

| Inbound Arrivals ³ : | |
|---------------------------------|-------------------|
| 2019 | 2023 |
| 1. Iraq 34% | 1. Iraq 37% |
| 2. Azerbaijan 22% | 2. Türkiye 11% |
| 3. Türkiye 12% | 3. Azerbaijan 7% |
| 4. Pakistan 5% | 4. Pakistan 6% |
| 5. Armenia 2% | 5. Lebanon 3% |
| Rest of world 25% | Rest of world 34% |

| Outbound Departures ³ : | |
|------------------------------------|-----------------------------|
| 2019 | 2023 |
| 1. Türkiye 44% | 1. Türkiye 53% |
| 2. Iraq 20% | 2. Iraq 11% |
| 3. United Arab Emirates 7% | 3. United Arab Emirates 10% |
| 4. Syria 4% | 4. Syria 4% |
| 5. Azerbaijan 4% | 5. Armenia 3% |
| Rest of world 21% | Rest of world 18% |

یادداشت / چالش‌ها و فرصت‌های ...

عدم هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف: عدم هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی در روند صدور ویزا، تبلیغات و تسهیل سفر گردشگران، باعث اتلاف وقت و هزینه شده است.

کمبود سرمایه‌گذاری: کمبود سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت گردشگری، مانع از توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی شده است.

فرصت‌های گردشگری ایران:

تنوع جاذبه‌های گردشگری: ایران با دارا بودن جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی، طبیعی و مذهبی متنوع، می‌تواند سلیقه‌های مختلف گردشگران را پوشش دهد.

گردشگری سلامت: ایران با برخورداری از منابع طبیعی و دانش پزشکی، پتانسیل بالایی برای توسعه گردشگری سلامت دارد.

گردشگری روستایی: توسعه گردشگری روستایی می‌تواند به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم محلی کمک کرده و اشتغال‌زایی در روستاها را افزایش دهد.

راهکارهای پیشنهادی:

توسعه زیرساخت‌ها: سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، اقامت، تاسیسات گردشگری و ارتباطات

ترویج فرهنگ گردشگری: ایجاد کمپین‌های تبلیغاتی مؤثر برای معرفی جاذبه‌های گردشگری ایران و تغییر تصویر ایران در رسانه‌های جهانی

تسهیل صدور ویزا: ساده‌سازی روند صدور ویزا و ایجاد تسهیلات برای ورود گردشگران

آموزش نیروی انسانی: برگزاری دوره‌های آموزشی برای ارتقای سطح دانش و مهارت نیروی انسانی در صنعت گردشگری

حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی: ایجاد تسهیلات و مشوق‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت گردشگری

همکاری بین‌بخشی: ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف دولتی برای بهبود عملکرد صنعت گردشگری

توسعه گردشگری پایدار: توجه به جنبه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی در توسعه صنعت گردشگری

بهره‌گیری از فناوری‌های نوین: استفاده از فناوری‌های نوین در حوزه گردشگری، مانند سامانه‌های رزرواسیون آنلاین و اپلیکیشن‌های موبایلی

نتیجه‌گیری:

توسعه صنعت گردشگری در ایران نیازمند تلاش همه‌جانبه و همکاری تمامی دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی است. با رفع چالش‌های موجود و اجرای راهکارهای پیشنهادی، می‌توان صنعت گردشگری ایران را به یکی از مهم‌ترین منابع درآمد کشور تبدیل کرد و از مزایای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن بهره‌مند شد.

می‌کند تا اهداف توسعه پایدار را در صنعت گردشگری پیاده‌سازی کند و به حفظ محیط زیست و میراث فرهنگی جوامع میزبان کمک نماید.

با توجه به اعتبار و جایگاه ویژه شورای جهانی گردشگری و سفر، داده‌ها و پیش‌بینی‌های ارائه شده توسط این نهاد می‌تواند راهنمای مناسبی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در صنعت گردشگری ایران نیز باشد. بهره‌گیری از تجربیات جهانی و الگوهای موفق معرفی شده توسط این شورا می‌تواند به توسعه پایدار و رونق بیشتر صنعت گردشگری کشورمان کمک شایانی کند.

کلام آخر

طبق آخرین گزارش شورای جهانی سفر و گردشگری، گردشگری ایران توانسته همپای گردشگری جهان، هرچه بیشتر از شرایط کرونایی فاصله گرفته و به دوران پیش از کرونا نزدیک شود. این یعنی در مجموع، صنعت گردشگری ایران علی‌رغم چالش‌های موجود، از ظرفیت قابل توجهی برای رشد و توسعه برخوردار است و می‌تواند نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا کند. با این حال، برای بهره‌برداری کامل از این ظرفیت، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق، سرمایه‌گذاری مناسب و بهبود زیرساخت‌های گردشگری وجود دارد. توجه ویژه به گردشگری داخلی که سهم عمده‌ای از درآمدهای این صنعت را به خود اختصاص داده، می‌تواند یکی از راهکارهای مهم در توسعه این صنعت باشد. آخرین گزارش شورای جهانی سفر و گردشگری وضعیت صنعت گردشگری در ایران و جهان را در سال ۲۰۲۳ بیان می‌کند؛ آن را با سال ۲۰۱۹ مقایسه می‌کند و سپس به پیش‌بینی وضعیت آن در سال ۲۰۲۴ و ۲۰۳۴ می‌پردازد. برای مثال سهم گردشگری از اقتصاد ایران در ۲۰۱۹ برابر با ۵,۵ درصد بود. این رقم در ۲۰۲۴ به ۵,۲ و در ۲۰۳۴ به ۶,۱ درصد می‌رسد.

منابع:

TRAVEL & TOURISM ECONOMIC
IMPACT 2024



چالش‌های گردشگری سلامت در ایران

گردشگری سلامت یکی از شاخه‌های نوظهور و رو به رشد در صنعت گردشگری است که در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی کشورهای تبدیل شده است. این نوع گردشگری شامل سفرهایی است که با هدف دریافت خدمات درمانی، بهداشتی یا پیشگیری از بیماری‌ها انجام می‌شود. گردشگران سلامت اغلب به دنبال خدماتی هستند که از نظر کیفیت بالا و هزینه مقرون به صرفه باشند. از جراحی‌های پیچیده و درمان‌های تخصصی تا خدمات زیبایی، آب‌درمانی و طب سنتی، تنوع خدمات در این حوزه، گردشگری سلامت را به صنعتی پررونق و جذاب برای سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است. اهمیت گردشگری سلامت نه تنها به دلایل اقتصادی بلکه به دلایل اجتماعی و فرهنگی نیز برجسته است. این صنعت به انتقال دانش پزشکی، ارتقای کیفیت خدمات درمانی محلی، و تعامل فرهنگی میان ملت‌ها کمک می‌کند. از سوی دیگر، دسترسی آسان‌تر به فناوری‌های پیشرفته پزشکی و نیروی متخصص با مهارت، نقش کلیدی در جذب گردشگران سلامت به مقاصد خاص دارد. به همین خاطر، برای بررسی عمیق‌تر ابعاد مختلف گردشگری سلامت و چالش‌ها و فرصت‌های پیشروی آن، به گفت‌وگو با محمد جهانگیری رئیس انجمن گردشگری سلامت پرداخته‌ایم.

است. این کار پسندیده و خوبی است و بسیاری از کشورها روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. اما اگر مفهوم تجارت بین‌الملل را مطرح کنید، صادرات تنها جزئی از آن است. شما می‌توانید در قالب تجارت بین‌الملل، اقدام به کشت فرا سرزمینی کنید. مثلاً در یکی از مناطق قفقاز یا آمریکای لاتین کشت انجام دهید و محصولات آن را به کشور دیگری ارسال کنید، حتی اگر به ایران وارد نشود. سود حاصل از این اقدام در ایران به کار گرفته می‌شود. به این فرایند تجارت بین‌الملل می‌گویند.

جهانگیری همچنین به سرمایه‌گذاری در صنایع دیگر اشاره کرد: به عنوان مثال، اگر در خودروسازی یک کشور سرمایه‌گذاری کنید، ممکن است خودروها به ایران صادر نشوند و در همان کشور مصرف یا به کشورهای دیگر صادر شوند. این نیز بخشی از تجارت بین‌الملل است که می‌تواند با صادرات متقابل به همان کشور همراه باشد.

سلامت امروز مرز نمی‌شناسد

امروز سلامت واقعاً مرز نمی‌شناسد، به‌ویژه بعد از شیوع کرونا که این موضوع برای همه ثابت شد. دیگر مرزی بین کشورها وجود ندارد و همه باید به یاری یکدیگر بشتابیم. رئیس انجمن گردشگری سلامت با تأکید بر اهمیت خدمات بین‌المللی سلامت اظهار داشت: امروز سلامت واقعاً مرز نمی‌شناسد، به‌ویژه بعد از شیوع کرونا که این موضوع برای همه ثابت شد. دیگر مرزی بین کشورها وجود ندارد و همه باید به یاری یکدیگر بشتابیم. در این میان، ابزارهایی مانند ارتباطات، فضای مجازی، هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین نقش مهمی ایفا می‌کنند. پلتفرم‌ها یا همان سکوها موجود نشان می‌دهند که موضوع خدمات سلامت بین‌المللی فراتر از یک حوزه یا دانشگاه خاص است. این

محمد جهانگیری رئیس انجمن گردشگری سلامت در مورد خدمات بین‌المللی سلامت گفت: این موضوع، مقوله‌ای فراگیر و جامع است که شامل چندین حوزه می‌شود. یکی از این حوزه‌ها، توریسم سلامت یا گردشگری سلامت است. حوزه دیگر، پزشکی از راه دور یا تله‌مدیسن است. سومین موضوع به حوزه پژوهش، هماهنگی‌های آموزشی و ارتقای توانمندسازی مرتبط است. چهارمین حوزه، تجارت سلامت و خدمات سلامت و همچنین تجهیزات و مباحث مختلف این حوزه است. پنجمین موضوع نیز بحث همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در حوزه بهداشت، درمان و سایر حوزه‌های مرتبط است. بنابراین، این حوزه بسیار گسترده و جامع است.

وی افزود: ما مفهومی به نام صادرات داریم. وقتی تعریفی برای آن ارائه می‌کنید، به معنای صادر کردن یک کالا یا خدمت



غیر این صورت به شهر یا کشور دیگری سفر می‌کنند. مولفه‌هایی وجود دارند که تعیین می‌کنند آیا افراد برای دریافت خدمات سلامت سفر کنند یا خیر. برخلاف گذشته که دریافت خدمات پزشکی صرفاً به صورت حضوری انجام می‌شد، امروزه بسیاری از خدمات به صورت مجازی قابل ارائه هستند. حتی خدمات پزشکی می‌تواند ترکیبی از خدمات حضوری و مجازی باشند و این موضوع نیاز به سفر را در برخی موارد کاهش می‌دهد.

رئیس انجمن گردشگری سلامت افزود: بر اساس برخی آمارها، حدود ۱۰ میلیون نفر در سال خدمات سلامت را از کشورهایی به غیر از کشور خود دریافت می‌کنند. در مورد ایران، آمارهای متفاوتی وجود دارد. منطقه‌ای با جمعیت ۲۵۰ میلیون نفر در اطراف ایران وجود دارد که به خدمات پزشکی ایران نیازمند است و ایران می‌تواند سهم قابل توجهی از این بازار را در اختیار بگیرد.

وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش به آمارهای جهانی اشاره کرد و گفت: از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵، رشد قابل توجهی در حوزه‌های مختلف سلامت پیش‌بینی شده است. تمامی مباحث مرتبط با سلامت، از بهبود سلامت عمومی گرفته تا حوزه‌های مرتبط با غذا، زیبایی و خدمات پزشکی، به عنوان بازاری چند تریلیون دلاری شناخته می‌شوند. ارزش این بازار در سال ۲۰۲۰ حدود ۴.۵ تریلیون دلار بود و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۷ به ۷ تریلیون دلار برسد. در این میان، یکی از حوزه‌هایی که رشد محسوسی داشته است، ونس توریسم (Wellness Tourism) یا گردشگری سلامت با هدف ارتقای سلامت است. بر اساس آمارهای جهانی، این حوزه در مدت مذکور رشدی حدود ۲۹ درصد خواهد داشت که بیشترین رشد در میان حوزه‌های مرتبط با سلامت است. این میزان رشد با رشد ۶ درصدی بهداشت عمومی قابل مقایسه است و علاقه مردم به سلامت فردی و بهبود کیفیت زندگی باعث این رشد چشمگیر شده است.

جهانگیری خاطر نشان کرد: خود مقوله سفر نیز می‌تواند تأثیر مثبتی بر سلامت جسمی، روحی و روانی افراد داشته باشد چون افراد بیشتر به سلامتی خود فکر می‌کنند و برای سلامت همدیگر ایستادگی نمی‌کنند و از این رو، سفرهای مرتبط با سلامت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌اند. این حوزه علاوه بر خدمات پزشکی، ابعاد دیگری مانند سلامت روانی، تغذیه و زیبایی را نیز در بر می‌گیرد که همه این‌ها موجب رشد قابل توجه بازار گردشگری سلامت شده است.

وی از آمار قابل توجه ورود گردشگران سلامت به ایران خبر داد و گفت: گردشگری سلامت شامل بخش‌های مختلفی از جمله توریسم پزشکی است. در این حوزه، آمارها نشان‌دهنده رشد مناسب این صنعت در کشور است. در سال گذشته بیش از یک میلیون نفر برای دریافت خدمات سلامت به ایران سفر کرده‌اند. این افراد عمدتاً از مناطق مرزی و شهرهای مختلف وارد کشور شده‌اند و بخشی از آن‌ها خدمات بستری دریافت کرده‌اند،

خدمات می‌توانند از یک کشور به کشور دیگر ارائه شوند و حتی فردی در یک کشور دیگر نیز می‌تواند از این خدمات بهره‌مند شود. این همان چیزی است که ما از آن به عنوان خدمات بین‌المللی سلامت یاد می‌کنیم.

جهانگیری با اشاره به ظرفیت‌های ایران در این حوزه تصریح کرد: ما سالیان سال روی این موضوع تحقیق کرده‌ایم و به همین دلیل ترجیح می‌دهیم به جای تمرکز صرف بر گردشگری سلامت، از مفهوم گسترده‌تر خدمات بین‌المللی سلامت صحبت کنیم. ایران این ظرفیت را دارد که در منطقه به عنوان محور خدمات بین‌المللی سلامت شناخته شود و در ارتقای سلامت کشورهای همسایه، توسعه خدمات، صادرات خدمات فنی، پزشکی، بهداشتی و فناوری نوین کمک کند.

وی همچنین به توانمندی‌های ایران در حوزه‌های نوین علمی اشاره کرد و گفت: در زمینه سلول‌های بنیادی، ایران یکی از سرآمدهای منطقه است. همچنین در حوزه پیوندهای مختلف و تولید داروها و فناوری‌های پزشکی می‌توانیم منشأ خدمات برای کشورهای اطراف باشیم و به توسعه آن‌ها کمک کنیم. گردشگری سلامت بخشی از خدمات بین‌المللی سلامت است که می‌تواند در این چارچوب تعریف شود. اما این خدمات گسترده‌تر از گردشگری سلامت بوده و شامل جنبه‌های متنوعی از فناوری‌ها، علوم و داروها می‌شود که امکان توسعه آن‌ها در کشورهای منطقه وجود دارد.

گردشگری سلامت در مسیر رشد جهانی؛ ایران، قطب خدمات پزشکی منطقه

جهانگیری در خصوص وضعیت جذب توریست سلامت در ایران اظهار کرد: گردشگری سلامت به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در حوزه پزشکی و سلامت در دنیا شناخته می‌شود. سلامت و پزشکی مرز نمی‌شناسد و افراد برای حفظ یا ارتقای سلامت خود اقدام می‌کنند. اگر خدمات مورد نیاز در نزدیکی محل زندگی‌شان در دسترس باشد، به آنجا مراجعه می‌کنند؛ در

در حالی که آمار مراجعه‌کنندگان سرپایی بسیار بالاتر است.

جهانگیری همچنین تأکید کرد: بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۱۸ تا ۲۰ درصد از گردشگران ورودی به ایران، معادل حدود یک میلیون نفر، با هدف دریافت خدمات سلامت به کشور آمده‌اند. با توجه به آمار کلی گردشگران ایران که حدود ۵ تا ۶ میلیون نفر در سال گذشته بوده، این رقم نشان‌دهنده اهمیت و رشد بخش سلامت در حوزه گردشگری است. خدمات ارائه‌شده در حوزه سلامت نقش کلیدی در جذب گردشگران خارجی به ایران داشته و این صنعت می‌تواند به‌عنوان یکی از محورهای توسعه اقتصادی کشور مورد توجه قرار گیرد.

ارتقای جایگاه ایران در گردشگری سلامت با توسعه زیرساخت‌ها و پذیرش علمی

رئیس انجمن گردشگری سلامت اعلام کرد: این صنعت علاوه بر ایجاد درآمد، باعث ارتقای شاخص‌های علمی، پژوهشی و فناوری در کشور می‌شود. اعتماد بیماران خارجی به نظام سلامت و پزشکان ایران، نقش اساسی در رشد این صنعت دارد. امروز به دلیل پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه سلامت، بسیاری از بیماران خارجی ایران را به‌عنوان مقصد درمانی خود انتخاب می‌کنند. این امر نشان‌دهنده اعتماد جهانی به دانش پزشکی و کیفیت خدمات درمانی کشور است.

وی همچنین بر لزوم توسعه زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی تأکید کرد و خاطر نشان ساخت: بیمارستان‌ها و کلینیک‌های ایران، به ویژه در بخش دولتی، از لحاظ تجهیزات پزشکی در سطح بالایی قرار دارند و پزشکان ایرانی به‌عنوان دانشمندان برجسته در مرزهای علم فعالیت می‌کنند. این پیشرفت‌ها ایران را به یکی از مقاصد اصلی گردشگری سلامت در منطقه تبدیل کرده است.

توریسم سلامت فرصتی برای بهبود اقتصاد، روابط منطقه‌ای و خدمات به

مردم

جهانگیری، در اظهاراتی به اهمیت توسعه صنعت توریسم سلامت و تأثیرات مثبت آن بر اقتصاد و روابط بین‌المللی کشور پرداخت.

رئیس انجمن گردشگری سلامت با اشاره به ضرورت بهره‌گیری از این فرصت گفت: ساخت بیمارستان‌های باکیفیت و استاندارد، علاوه بر خدمت‌رسانی به مردم داخل کشور، می‌تواند ظرفیت قابل توجهی را برای جذب بیماران خارجی فراهم کند. در این میان، حداکثر ۳۰ تا ۴۰ درصد ظرفیت بیمارستان‌های مدرن به بیماران خارجی اختصاص می‌یابد و ۶۰ تا ۷۰ درصد باقی‌مانده در خدمت مردم کشورمان خواهد بود. بنابراین، بزرگ‌ترین بهره‌برداران از این ظرفیت همچنان مردم خودمان هستند. اگر به این صنعت با دیدی بلندمدت و حرفه‌ای نگاه کنیم و آن را به‌عنوان بخشی از خدمات بین‌المللی گسترش دهیم، نه تنها نظام سلامت ما بهبود می‌یابد، بلکه فواید قابل توجهی به مردم و کشور خواهد رسید. از سوی دیگر، حضور بیماران خارجی می‌تواند اعتماد میان کشورهای همسایه و منطقه به ایران را تقویت کند. وقتی این بیماران برای درمان به ایران می‌آیند و بهبودی می‌یابند، این تجربه به بهبود روابط حسن همجواری و ایجاد تصورات مثبت در میان مردم منطقه منجر خواهد شد. همچنین بسیاری از ابهامات و ذهنیت‌های منفی که ممکن است نسبت به کشور وجود داشته باشد، از بین می‌رود.

وی در بخش دیگری از سخنانش به مزایای اقتصادی این صنعت اشاره کرد و افزود: توریسم سلامت یکی از مهم‌ترین راه‌های ارزآوری برای کشور است. این ارزآوری نه تنها به بخش پزشکی محدود نمی‌شود، بلکه در کل جامعه توزیع می‌شود. بیماران خارجی که برای درمان به ایران سفر می‌کنند، علاوه بر پرداخت هزینه‌های درمان، از هتل‌ها، ناوگان حمل و نقل، رستوران‌ها و صنایع غذایی استفاده می‌کنند. همچنین خرید سوغات و استفاده از دیگر خدمات گردشگری نیز به رونق اقتصادی کمک می‌کند.

طبق برآوردها، یک توریست سلامت سه برابر بیشتر از یک توریست عادی هزینه می‌کند.

این تفاوت می‌تواند تأثیر چشمگیری بر اقتصاد کشور داشته باشد

جهانگیری با اشاره به تفاوت هزینه‌ها میان توریسم سلامت و توریسم عادی گفت: طبق برآوردها، یک توریست سلامت سه برابر بیشتر از یک توریست عادی هزینه می‌کند. این تفاوت می‌تواند تأثیر چشمگیری بر اقتصاد کشور داشته باشد. البته در برخی موارد این رقم حتی بیشتر از سه برابر نیز گزارش شده است. این نشان می‌دهد که توسعه این صنعت علاوه بر ارزآوری، پتانسیل زیادی برای ایجاد اشتغال و رونق سایر صنایع وابسته دارد.

رئیس انجمن گردشگری سلامت تأکید کرد: توریسم سلامت فرصتی برای تقویت جایگاه ایران در منطقه و جهان است. این صنعت نه تنها به نفع مردم کشور خواهد بود، بلکه به افزایش تعاملات مثبت بین‌المللی و ایجاد روابط پایدارتر با کشورهای همسایه نیز کمک خواهد کرد. برای دستیابی به این اهداف، لازم است با برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری مناسب، زیرساخت‌های لازم برای گسترش این صنعت را فراهم کنیم.

ظرفیت عظیم گردشگری سلامت در ایران؛ فرصتی برای جایگزینی درآمدهای نفتی

جهانگیری، با بیان اهمیت این صنعت در اقتصاد جهانی و ایران، گفت: سهم کنونی ایران از گردشگری سلامت جهانی بسیار ناچیز است، در حالی که این صنعت می‌تواند نقشی کلیدی در جایگزینی درآمدهای نفتی و بهبود اقتصاد کشور ایفا کنونی با استناد به آمارهای بین‌المللی افزود: پیش‌بینی می‌شود حجم بازار گردشگری سلامت تا سال ۲۰۲۵ به ۱.۱ تریلیون دلار برسد. از این مقدار، سهم بالقوه ایران حداقل ۱۱ میلیارد دلار است، اما در حال حاضر کشور تنها حدود ۱.۲ میلیارد دلار از این ظرفیت را بالفعل کرده است. این آمار نشان می‌دهد که برای دستیابی به هدف ۶ میلیارد یورویی تعریف‌شده در برنامه هفتم توسعه، نیاز به رشدی معادل ۵۰۰ درصد داریم، و برای رسیدن به سهم واقعی ایران، این میزان باید حدود ۹۰۰ درصد افزایش یابد.



خواهد کرد.

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها می‌تواند منشأ تحولات بزرگ در کشور

رئیس انجمن گردشگری سلامت با اشاره به اهمیت تقویت زیرساخت‌ها در بخش‌های مختلف کشور، بر لزوم سرمایه‌گذاری در حوزه‌های حمل و نقل، اقامتگاه‌ها و بخش‌های مرتبط با صنعت تأکید کرد و گفت: ظرفیت‌های اضافی بخش خصوصی نیز به کار گرفته شده و حتی با تسهیلات گران‌قیمت نیز فعالیت‌هایی انجام شده است. اما اگر امروز برای توسعه این زیرساخت‌ها کمک کنیم، می‌توانیم شاهد تحولات مثبت در این صنایع باشیم. سرمایه‌گذاری در ناوگان حمل و نقل داخلی و خارجی، به‌ویژه حمل و نقل ریلی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین در حوزه اقامتگاه‌ها نیز باید اقدامات جدی صورت گیرد تا تحولات مثبتی در این بخش‌ها رقم بخورد. توسعه زیرساخت‌ها نه تنها به رشد صنعت کمک می‌کند، بلکه می‌تواند منشأ تحولات بزرگ در کشور باشد.

چالش‌ها و فرصت‌های حوزه سلامت

جهانگیری، یکی از مسئولان حوزه سلامت، در سخنانی به بررسی چالش‌ها و موانع موجود در این بخش پرداخت و تأکید کرد: حوزه سلامت با مسائل متعددی در سطح بین‌المللی و داخلی روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تحریم‌های بین‌المللی است که نه تنها مردم ایران بلکه بسیاری از افرادی که نیازمند خدمات درمانی در ایران هستند، تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند. ایران از لحاظ سوق‌الجیشی و دسترسی برای کشورهای همسایه بهترین مقصد برای دریافت خدمات درمانی با کیفیت و قیمت مناسب است. با این حال، این تحریم‌ها به بیماران خارجی نیز آسیب زده و امکان دسترسی آن‌ها به خدمات درمانی ارزان در ایران را محدود کرده است.

وی همچنین به تبلیغات منفی که علیه نظام سلامت ایران در برخی کشورها صورت می‌گیرد، اشاره کرد و افزود: این مسئله نیازمند راهکارهای مؤثر و برنامه‌ریزی دقیق است. این مقام مسئول یکی دیگر از چالش‌های جدی را کمبود سرمایه‌گذاری در بخش سلامت دانست و گفت: بحث سرمایه‌گذاری نیاز به حمایت جدی از سوی قانون‌های بالادستی دارد. در قانون برنامه هفتم توسعه، ماده ۷۲ وزارت بهداشت و سایر نهادها را مکلف به اجرای اقداماتی در این زمینه کرده است، اما این قوانین نیاز به تقویت دارند. در حال حاضر، حمل و نقل، نظام بانکی و نقل و انتقال پول از مهم‌ترین معضلات بیماران خارجی هستند. برای رفع این مسائل باید اقدامات جدی انجام شود. خوشبختانه در موضوع روادید پیشرفت‌های خوبی حاصل شده و وزارت امور خارجه نیز تلاش‌های مؤثری

رئیس انجمن گردشگری سلامت با مقایسه درآمدهای این حوزه و صنعت نفت تصریح کرد: یک بیمار خارجی که برای دریافت خدمات درمانی به ایران سفر می‌کند، به‌طور متوسط بین ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ دلار هزینه می‌کند. این مبلغ معادل ارزش صادرات ۵۰ بشکه نفت با قیمت ۷۰ دلار است. در حالی که برای تولید و صادرات ۵۰ بشکه نفت هزینه‌های بالایی صرف زیرساخت‌ها و تأسیسات می‌شود، در حوزه گردشگری سلامت عمده سرمایه‌گذاری‌ها توسط بخش خصوصی انجام شده و دولت هزینه‌ای برای زیرساخت‌ها متحمل نشده است.

جهانگیری با اشاره به ظرفیت‌های بالقوه ایران در این صنعت، گفت: ایران از نظر امکانات پزشکی، نیروی انسانی متخصص، و هزینه‌های پایین درمانی در مقایسه با بسیاری از کشورها، مزیت‌های رقابتی قابل توجهی دارد. با این حال، تاکنون سرمایه‌گذاری مؤثری در زیرساخت‌های گردشگری سلامت، از جمله مراکز اقامتی، تبلیغات بین‌المللی، و خدمات رفاهی، انجام نشده است. دولت می‌تواند با ارائه خطوط اعتباری و حمایت‌های مالی از سرمایه‌گذاران خصوصی، زمینه توسعه این صنعت را فراهم کند. گردشگری سلامت علاوه بر مزایای اقتصادی، می‌تواند تصویری مثبت از ایران در عرصه بین‌المللی ایجاد کند و به توسعه پایدار مناطق مختلف کشور کمک کند.

نیاز به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مؤثر

وی در خصوص توسعه این صنعت تأکید کرد: توسعه این صنعت مستلزم برنامه‌ریزی دقیق، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، و حمایت‌های دولتی است. با فعال‌سازی ظرفیت‌های بالقوه، گردشگری سلامت می‌تواند نه تنها خلاءهای اقتصادی کشور را پر کند، بلکه به منبعی پایدار برای ارزآوری تبدیل شود و حتی نقش نفت را در اقتصاد کشور کمرنگ کند. در صورت بی‌توجهی به این فرصت طلایی، ایران از بازار جهانی گردشگری سلامت عقب خواهد ماند و سهم خود را به رقبای واگذار

در این زمینه انجام داده است. برای رفع این موانع همکاری و هماهنگی بیشتر نهادهای داخلی و بین‌المللی نیاز است.

ضرورت سرمایه‌گذاری در بازاریابی و مقابله با ایران‌هراسی

رئیس انجمن گردشگری سلامت، بر اهمیت بازاریابی مؤثر و مقابله با تبلیغات منفی علیه ایران تأکید کرد و اظهار داشت: در شرایطی که برخی رقبا یا مخالفان تلاش می‌کنند با ترویج ایران‌هراسی و طرح مسائل غیرواقعی، وجهه کشور را خدشه‌دار کنند، ما باید به تبلیغات گسترده و مؤثر در حوزه گردشگری سلامت بپردازیم. هر فردی که به ایران سفر کرده باشد، متوجه می‌شود که بسیاری از ادعاهای منفی درباره ایران صحت ندارند. بنابراین، ضروری است که در این زمینه سرمایه‌گذاری جدی صورت گیرد. رقبای ما در این حوزه فعالیت‌های گسترده‌ای انجام می‌دهند و برای رقابت با آن‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف هستیم. بخش خصوصی به‌تنهایی نمی‌تواند در این عرصه موفق عمل کند و لازم است که دولت وارد عمل شود.

جهانگیری نقش سازمان‌های دولتی و بخش‌های مختلف را در پیشبرد این اهداف برجسته دانست و تصریح کرد: سازمان توسعه تجارت و وزارت امور خارجه وظایف مهمی در این زمینه دارند. همچنین، اتاق‌های بازرگانی مشترک باید اقدامات موثرتری انجام دهند. هرچند برخی اقدامات تاکنون انجام شده است، اما همچنان نیازمند تلاش بیشتری در این حوزه هستیم.

عدم وجود سیستم منسجم دلیل اصلی مشکلات حوزه دلالی است

وی با اشاره به چالش‌های مربوط به دلالی در این صنعت گفت: دلیل اینکه چرا با دلالی‌ها مقابله نمی‌شود، این است که ما هنوز یک ساختار و سیستم منسجم و درست در کشور ایجاد نکرده‌ایم. متأسفانه تاکنون اقدامی با محوریت بخش خصوصی برای این مسئله صورت نگرفته است و باید در نظر داشت که برخوردهای

صرفاً سلبی در هیچ حوزه‌ای نتیجه‌بخش نخواهد بود. برای موفقیت، باید رویکردی ایجابی اتخاذ شود.

رئیس انجمن گردشگری سلامت با بیان اینکه واسطه‌ها و بروکرها نقش مهمی در توسعه صنایع دارند، گفت: بروکرها در تمام دنیا وجود دارند و بخشی از رشد صنعت در هر حوزه‌ای به همین افراد وابسته است. در واقع، یکی از بخش‌های اصلی هر بیزینسی، فعالیت‌های بازاریابی و بروکری است. اما مشکل زمانی پیش می‌آید که این افراد از قواعد و قوانین پیروی نمی‌کنند.

جهانگیری به اقدامات انجام‌شده از سوی نهادهای مختلف اشاره کرد و افزود: وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، وزارت بهداشت و حتی وزارت امور خارجه، هر کدام به صورت جداگانه اقداماتی انجام داده‌اند. به عنوان مثال، وزارت امور خارجه اعلام کرده که بدون همکاری با شرکت‌های مشخص و یزاصادر نمی‌کند. اما این اقدامات کافی نیست. ما باید یک سیستم منسجم طراحی کنیم تا بستر ارائه خدمات به گونه‌ای باشد که بیمار با اطمینان در این مسیر حرکت کند، خدمات خود را دریافت کند و به سلامت بازگردد. متأسفانه به دلیل مشکلات اقتصادی در کشور و عدم نظارت‌های کافی، حتی اگر قوانین متعددی هم تصویب شوند، به دلیل نبود نظارت بر اجرای آن‌ها، مشکلات همچنان باقی خواهند ماند. ما نمی‌توانیم با نظارت بر تک‌تک افراد، مشکلات را حل کنیم. همان‌طور که در رانندگی هم تنها با جریمه و برخوردهای فردی نتوانسته‌ایم مشکلات را به طور کامل برطرف کنیم. اگر به همین شیوه ادامه دهیم، حتی در سالیان آینده نیز پلیس نخواهد توانست با این تفکر موفق شود.

وی تأکید کرد: باید رویکردی سیستماتیک در پیش گرفت. در حوزه نظارت بر بروکرها و مسائل مرتبط نیز همین موضوع صدق می‌کند. شاید در برخی موارد، رانندگی در کشور ما بهتر شده باشد، اما تا زمانی که سیستم‌ها و زیرساخت‌ها اصلاح نشوند، مشکلات باقی خواهند ماند. برای رفع این معضل، باید قوانین و قواعد مشخصی طراحی و اجرایی شوند و اطلاع‌رسانی کافی نیز صورت گیرد. اگر نظارت تنها بر افراد متمرکز باشد و سیستم جامعی وجود نداشته باشد، نمی‌توان انتظار موفقیت داشت. باید سیستمی طراحی شود که همه افراد در آن چارچوب فعالیت کنند و از آن تبعیت کنند.

لزوم سامان‌دهی و شناسنامه‌دار کردن فعالیت دلالان در حوزه گردشگری سلامت

رئیس انجمن گردشگری سلامت، با اشاره به مشکلات ناشی از فعالیت‌های غیرمجاز دلالان در این حوزه، تأکید کرد: برخی از این افراد خدمات با کیفیت پایین و هزینه‌های بالا ارائه داده‌اند و در مراکزی که مطابق استانداردهای وزارت بهداشت یا دانشگاه‌های علوم پزشکی نیستند، خدمات پزشکی و اقامتی عرضه کرده‌اند. این اقدامات آسیب‌های جدی به صنعت گردشگری سلامت وارد کرده است.

جهانگیری بر اهمیت سامان‌دهی و شناسنامه‌دار کردن فعالیت این افراد تأکید کرد و اظهار داشت: با اجرای این فرآیند، امکان ارائه خدمات استاندارد و با کیفیت در مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت و وزارت میراث فرهنگی فراهم خواهد شد و گام‌های مثبتی در این حوزه برداشته می‌شود.

قوانین جذب توریسم سلامت نیازمند اصلاح است

وی با اشاره به چالش‌های موجود در جذب توریسم سلامت، مطرح کرد: این حوزه با مشکلات متعددی روبه‌روست و نیازمند اصلاح قوانین، برند سازی و بازاریابی حرفه‌ای است. در دنیا استانداردهایی وجود دارد که ما نیز باید آن‌ها را رعایت کنیم. برای موفقیت در جذب توریسم سلامت، چه در بخش پزشکی و چه در حوزه سلامت، نخستین نیاز، بازاریابی حرفه‌ای است. برای این کار، باید در رویدادهای بین‌المللی شرکت کنیم و توانمندی‌هایمان را به نمایش بگذاریم. اما به دلیل مشکلات مالی و هزینه‌های بالا، این



نظامی قوی برای مدیریت مشکلات و تقویت برند ملی در حوزه سلامت داشته باشیم. ایران ظرفیت‌های گسترده‌ای دارد، اما لازم است با سرمایه‌گذاری بیشتر در بازاریابی و برند سازی، این ظرفیت‌ها را به جهانیان نشان دهیم.

ظرفیت‌های موجود در گردشگری سلامت به دلیل نبود رسانه حرفه‌ای استفاده نشده‌اند

جهانگیری با اشاره به ظرفیت‌های بالقوه این حوزه گفت: ما ظرفیت‌های بسیار خوبی در حوزه گردشگری سلامت داریم، از جمله اتاق‌های مشترک بازرگانی، دفاتر خصوصی در کشورهای دیگر، و همکاری‌های مشترک با سفارتخانه‌ها. اما متأسفانه نتوانسته‌ایم به خوبی از این امکانات استفاده کنیم. دلیل این مسئله اطلاع‌رسانی مناسب و ارائه محتوای حرفه‌ای در این حوزه است. گردشگری سلامت پتانسیل بالایی برای ایجاد بازارهای جدید و پویایی اقتصادی دارد. ما می‌توانیم با سرمایه‌گذاری و اطلاع‌رسانی مناسب، این صنعت را به یکی از محورهای اصلی رشد اقتصادی تبدیل کنیم. این هدف نیازمند همکاری و هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف و مشارکت همه فعالان مرتبط است.

وی با بیان اینکه رسانه‌ها نقش کلیدی در توسعه گردشگری سلامت دارند، تأکید کرد: ما نیاز داریم که رسانه‌های مختلف، از خبرگزاری‌ها گرفته تا صداوسیما و شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک و اینستاگرام، در این حوزه سرمایه‌گذاری کنند و محتوای فاخر و حرفه‌ای تولید کنند. این مسئله به‌ویژه در دنیای امروز که شبکه‌های اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. اطلاع‌رسانی حرفه‌ای نیاز به سرمایه‌گذاری و تخصص دارد، و این وظیفه فقط بر عهده جامعه پزشکی نیست. پزشکان باید بر کار تخصصی خود متمرکز باشند و سایر افراد و نهادهای مرتبط در صنعت گردشگری سلامت باید نقش خود را ایفا کنند.

رئیس انجمن گردشگری سلامت با تأکید بر بین‌رشته‌ای بودن گردشگری سلامت، افزود: این صنعت می‌تواند دستگاه‌ها و تخصص‌های مختلفی را درگیر کند و زمینه‌ساز همکاری‌های گسترده‌ای شود. در این صورت، هر فرد و نهادی در این حوزه می‌تواند به اندازه سهم خود سود ببرد و به پیشرفت آن کمک کند. گردشگری سلامت یک صنعت میان‌رشته‌ای است که می‌تواند محور درآمدزایی و رشد اقتصادی کشور شود. جامعه پزشکی کشور سرمایه بزرگی است. چرا نباید اقتصاد این صنعت به گونه‌ای باشد که یک پزشک بتواند سالانه یک میلیارد تومان مالیات پرداخت کند؟ این مسئله نشان می‌دهد که باید شرایطی فراهم شود که پزشکان درآمدهای بالایی داشته باشند و در نتیجه سهم بیشتری در چرخه اقتصادی کشور ایفا کنند. این درآمدها نه تنها به سود پزشکان، بلکه به نفع کل اقتصاد کشور خواهد بود. /مهر

اتفاق به‌خوبی عملی نمی‌شود. جهانگیری با بیان تجربه حضور ایران در نمایشگاه «عمان هلت» اظهار داشت: در دوره‌های ابتدایی حضور در این نمایشگاه، بازدهی چندانی نداشتیم، اما در دوره چهارم، بزرگ‌ترین پویون متعلق به ایران بود. این حضور حرفه‌ای باعث شد تفاهم‌نامه‌ای با دولت عمان امضا کنیم که بر اساس آن، بیماران این کشور به صورت سیستماتیک به ایران ارجاع داده شوند. این روند، بازاریابی حرفه‌ای و هدفمند را نشان می‌دهد که تأثیر بسزایی در شناساندن ظرفیت‌های کشور داشت.

این مقام مسئول همچنین به اهمیت برند سازی در حوزه سلامت اشاره کرد و افزود: یکی از مشکلات اصلی ما در این حوزه، کم‌توجهی به برند سازی است. ما سرمایه‌گذاری کافی برای ساخت برند در حوزه سلامت انجام نداده‌ایم. در حالی که در کشورهای رقیب، خدمات پزشکی و بیمارستانی به بهترین شکل تبلیغ و ارائه می‌شوند، در ایران این اقدامات کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، اگر از مردم بخواهید نام ۱۰ بیمارستان برتر ایران را بگویند، احتمالاً نمی‌توانند. این در حالی است که ایران ظرفیت‌های فراوانی در این زمینه دارد.

یکی از دلایل ضعف در برند سازی، تمرکز بیش از حد بر مسائل منفی مانند خطاهای پزشکی است

رئیس انجمن گردشگری سلامت در ادامه تصریح کرد: یکی از دلایل ضعف در برند سازی، تمرکز بیش از حد بر مسائل منفی مانند خطاهای پزشکی است.

وی گفت: خطای پزشکی در تمام دنیا وجود دارد و گاهی ممکن است عملی باشد که جرم سنگینی دارد، اما اغلب سهوی است و به دلیل مسائل تکنیکی رخ می‌دهد. با این حال، در ایران این موارد بیش از حد برجسته می‌شود، در حالی که کشورهای رقیب این مسائل را در درون نظام‌های خود حل کرده و خدمات پزشکی‌شان را به بهترین شکل معرفی می‌کنند. برای پیشرفت در این حوزه، باید



تأثیر هوش مصنوعی در گردشگری

مصنوعی قرار نیست جایگزین انسان‌ها باشد بلکه باید توانایی‌های انسانی را افزایش دهد.

هوش مصنوعی در صنعت گردشگری نقش عظیمی ایجاد کرده است و اغلب حوزه‌های صنعت گردشگری می‌توانند از این فناوری در راستای بهبود خدمات استفاده کنند. با توجه به افزایش تقاضای گردشگران سراسر جهان برای سفر، ابزارها و امکاناتی که فناوری‌های نوین در اختیار گردشگران در این دوران برای معرفی جاذبه‌های گردشگری و جذب گردشگران قرار می‌دهند، در رونق گردشگری تأثیر زیادی دارد. هوش مصنوعی در گردشگری قرار است روند همه کارها را آسان‌تر کند و کارایی را افزایش دهد؛ نه اینکه صرفاً جایگزین انسان‌ها شود و همه‌چیز را مجازی کند.

این تکنولوژی نوظهور قابلیت این را دارد که در کمترین زمان ممکن افراد بسیاری را ترغیب به سفر کند و هر فرآیندی را در صنعت گردشگری ساده می‌کند. هوش مصنوعی توانسته به خوبی قابلیت‌های صنعت گردشگری را شناسایی کند، و علاوه بر گردشگران مزیت‌های زیادی هم برای فعالان این حوزه دارد و در مدت کوتاهی توانسته رونق اقتصادی را به خصوص پس از کرونا به این صنعت بازگرداند.

گردشگری برای رونق گرفتن بسیاری از اقتصادها در سراسر جهان حیاتی است و هوش مصنوعی هم در این بین نقش کلیدی دارد. به همین دلیل است که اغلب فعالان در صنعت گردشگری بسیار راغب هستند که از جدیدترین فناوری‌ها در زمینه هوش مصنوعی برای بهبود کسب‌وکار خود استفاده کنند. در واقع به کمک بشر آمده تا فعالان این حوزه بهتر بتوانند جاذبه‌های گردشگری و امکانات مختلفی که در این صنعت به مسافران ارائه می‌شود را پیش از سفر و یا در حین سفر به آن‌ها معرفی کنند.

هوش مصنوعی در گردشگری می‌تواند بر اساس داده‌های موجود و آموخته‌های گذشته خود، زمینه‌های پر ریسک را شناسایی کند و با کاهش هزینه، افزایش کارایی و کمترین میزان خطا چراغ راه کسب‌وکارهای گردشگری باشد.

هوش مصنوعی با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل حجم زیادی از داده‌های مشتریان، که به‌طور رایگان در دسترس شرکت‌های مسافرتی قرار دارد، اطلاعاتی را در اختیار آن‌ها می‌گذارد که اغلب دور از چشم باقی می‌مانند. با استفاده از همین اطلاعات، هوش

تکنولوژی‌های جدید فرصت ایده آلی را برای گسترش و رونق صنعت گردشگری در جهان فراهم کرده‌اند، هوش مصنوعی یکی از مهم‌ترین تکنولوژی‌های تأثیرگذار در صنعت گردشگری است که توانسته در مدت‌زمان کوتاهی این صنعت پول‌ساز را دست‌خوش تحول کند و بسیاری از رؤیاهای بشر را در زمینه سفر و گردشگری محقق سازد.

مریم تاجداری، کارشناس ارشد گردشگری و بازاریابی در یادداشتی نوشت: هوش مصنوعی (AI) شبیه‌سازی هوش انسان در ماشین‌هایی است که برنامه‌ریزی شده‌اند تا مانند انسان فکر کنند و با اطلاعاتی که جمع‌آوری می‌کنند، مدام خود را بهبود ببخشند. این اصطلاح، درباره هر ماشینی که ویژگی‌های انسانی مانند یادگیری و حل مسئله را داشته باشد به کار می‌رود، به عبارتی هوش مصنوعی به ماشین‌ها قدرت فکر کردن و یادگیری می‌دهد.

هوش مصنوعی (AI) بر یک اصل استوار است: هوش انسان را می‌توان به گونه‌ای تعریف کرد که یک ماشین بتواند آن را تقلید کند و از ساده‌ترین کارها گرفته تا پیچیده‌ترینشان را انجام دهد. هوش



مهم‌ترین دستاوردهای هوش مصنوعی برای صنعت گردشگری می‌باشد که افراد در زمان سفر با استفاده از قابلیت‌های مختلف این پلتفرم‌ها می‌توانند به راحتی به زبان مردم در کشور مقصد صحبت کنند.

همچنین بسیاری از کسب‌وکارهای گردشگری با استفاده از هوش مصنوعی، انواع داده‌های مالی و تجاری خود را پردازش و تحلیل کرده و بر اساس نتایج حاصله، اقدام به بخش‌بندی مشتریان، قیمت‌گذاری انعطاف‌پذیر، و تدوین استراتژی‌های کسب‌وکار می‌کنند.

هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین مستقیم انسان در صنعت گردشگری شود، ابزارهای مجهز به هوش مصنوعی می‌توانند بسیاری از وظایفی را که به طور سنتی توسط کارکنان انجام می‌شده است را به راحتی و در زمان کمتری انجام دهند. بسیاری از کارهای پشتیبان را می‌توان خودکار کرد، خطای انسانی را کاهش داد و در عین کارایی را بالا برد.

هوش مصنوعی در آینده یار جدایی‌ناپذیر صنعت گردشگری در ایران و جهان خواهد بود و تحولی بنیادین در شیوه فعالیت کسب‌وکارهای گردشگری ایجاد خواهد کرد. ظرفیت‌ها و امکانات هوش مصنوعی در بخش‌های مختلف صنعت گردشگری نظیر میراث فرهنگی، سیستم‌های رزرواسیون، تورگردانی، گردشگری سلامت، اکوتوریسم، اینترنت اشیا، شهرهای هوشمند، و گردشگری مجازی و همچنین شخصی‌سازی تجربه سفر، هوشمندسازی پلتفرم‌های رتبه‌بندی و پیشنهادات گردشگری، طراحی هوشمندانه بسته‌های تور و تجربه، ایجاد دستیار هوشمند سفر، ارائه چت‌بات، بهبود خدمات مشتریان، و طراحی سیستم‌های قیمت‌دهی انعطاف‌پذیر، بی‌حدومرز است و به همین دلیل فعالان این صنعت باید هرچه سریع‌تر خود را به دانش لازم در این زمینه مجهز کنند.



مصنوعی فرصت مناسبی را برای برندهای مسافرتی فراهم می‌کند تا بازاریابی و خدمات مشتری را هدفمندتر اجرا کنند.

هوش مصنوعی (AI) توانسته بر تمامی بخش‌های صنعت گردشگری همچون آژانس‌های مسافرتی، هواپیماها، قطارها، هتل‌ها و مکان‌های تفریحی تأثیر بگذارد.

فناوری واقعیت مجازی یکی از قابلیت‌های هوش مصنوعی در صنعت گردشگری است. این قابلیت موجب توجه بیشتر گردشگران به جاذبه‌های طبیعی و تاریخی در زمان سفر شده و امکان به اشتراک گذاشتن تصاویر و فیلم‌های کاملاً شبیه‌سازی‌شده با دنیای واقعی به مخاطب و همچنین برای معرفی جاذبه‌های گردشگری در اختیار فعالان این صنعت گذاشته است تا مخاطبان بیشتری را جذب کنند. از فناوری واقعیت مجازی در ایران هم برای شبیه‌سازی بسیاری از آثار تاریخی همچون تخت جمشید و میدان آزادی استفاده شده است تا گردشگران داخلی و خارجی بتوانند جزئیات مربوط به این بناهای تاریخی را بهتر لمس کنند.

هوش مصنوعی می‌تواند برای برقراری ارتباط با مشتریان، آموزش و یادگیری و مواردی مشابه، به کسب و کارها کمک کند. همچنین با استفاده از این هوش در کسب و کارها می‌توان تجزیه و تحلیل داده‌ها، محاسبات و حل مسئله‌ها را در کمترین زمان با حداقل هزینه انجام داد، که در صنعت گردشگری برای متولیان این صنعت مثل ایرلاین‌ها، هتلداران و... بسیار ارزشمند است.

هوش مصنوعی در زمینه مسیریابی در سفر هم نقش مهمی ایفا کرده است، به نحوی اغلب افراد فقط با استفاده از اپلیکیشن‌های راهنمای مسیر بدون نیاز به هیچ فرد دیگری می‌توانند مسیر خود را حتی در دل کویر و یا در کوهستان هم پیدا کنند و در اسرع وقت از کوتاه‌ترین مسیر خود را به مقصد برسانند.

پلتفرم‌های مترجم که به صورت سایت و یا اپلیکیشن طراحی شده است، جزو



تورم، مانعی بر سر راه توسعه اقتصادی

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در گزارشی با عنوان «تورم و راهکارهای مهار آن» هشدار داد که تورم، همچون سرطانی در سیستم اقتصادی، توانایی تخریب زیرساخت‌های توسعه و کارایی اقتصادی را دارد. در این گزارش تأکید شده است که تورم نه تنها به افزایش فعالیت‌های سوداگرانه، فرار سرمایه، گسترش فقر و بیکاری دامن می‌زند، بلکه با نابودی تولید و سرمایه‌گذاری، زمینه‌ساز بحران‌های عمیق اقتصادی می‌شود. مرکز پژوهش‌ها همچنین خاطر نشان کرد که اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته، به ویژه در دو دهه اخیر، به‌طور مداوم با نرخ‌های بالای تورم دست و پنجه نرم کرده است؛ مسئله‌ای که ضرورت تدوین و اجرای سیاست‌های مؤثر برای کنترل این پدیده مخرب را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

تورم ۴۴ ساله ایران؛ بحرانی فراتر از نقدینگی

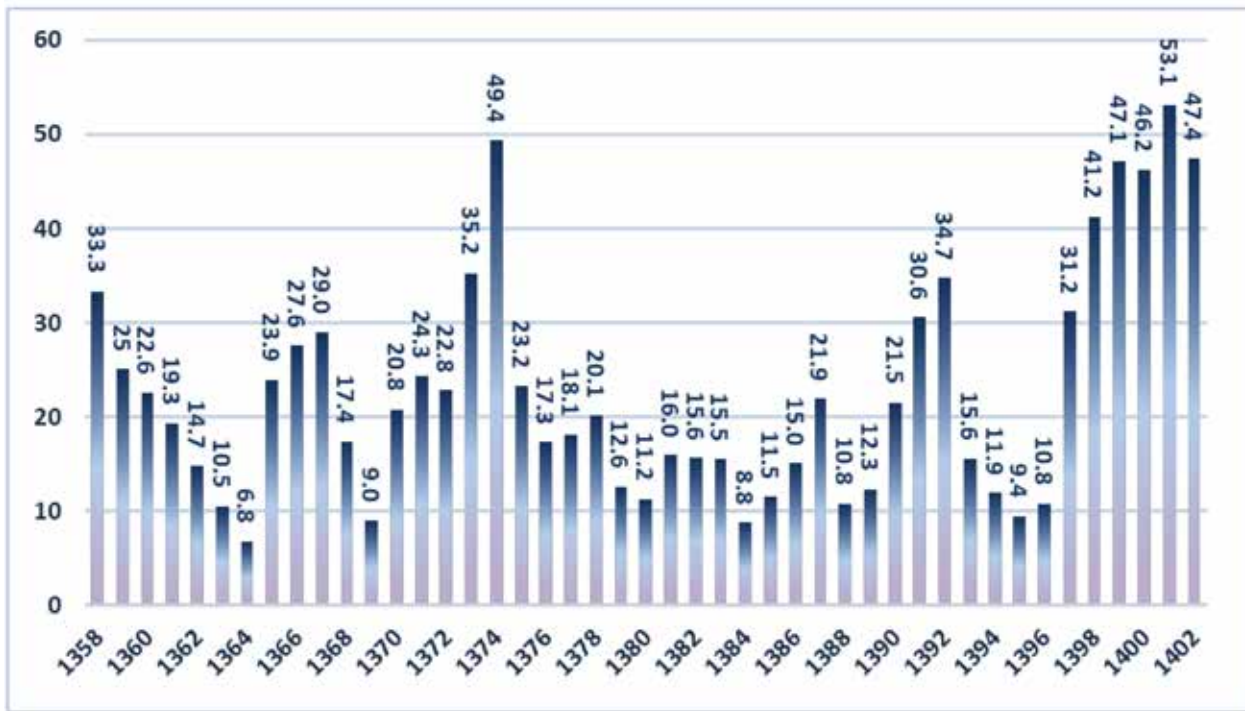
میزان تورم در ایران طی ۴۴ سال گذشته، به‌طور میانگین حدود ۲۰ درصد بوده است. بنابراین در اقتصادهایی با تورم ۲۰ درصد، صحبت کردن از تولید، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و... عملاً بیهوده و نامتعارف است. در اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۶ آمار جمعیت زیر خط فقر (فقر غذایی) بر اساس برآوردهای وزارت رفاه در حدود ۱۸ میلیون نفر بوده اما به دلیل تورم و شوک‌های سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ این آمار به بیشتر از ۲۶ میلیون در انتهای سال ۱۳۹۸ رسیده است. مطابق با آخرین آمار موجود تا پایان سال ۱۴۰۰ در حدود ۳۲ میلیون نفر در زیر خط فقر (فقر غذایی) قرار دارند و این روند همچنان به واسطه تورم شدید چند سال اخیر به سرعت در حال گسترش است. در چنین فضایی صحبت از اهداف سرمایه‌گذاری و تولید و همچنین کنترل فقر و نابرابری خیالی بیش نخواهد بود.

درباره رابطه بین نقدینگی و تورم، تصور اکثر اقتصاددانان بر این است که تورم ایران یک پدیده پولی است و با کنترل عرضه پول می‌توان تورم را مهار کرد. به‌هیچ‌وجه نمی‌توان تورم را بدون پول را منکر شد اما هر همبستگی بین عرضه پول و تورم به‌معنای علت بودن پول برای تورم نیست بلکه عوامل دیگری جز پول نیز مؤثر است. منحصر کردن علت تورم فعلی ایران به رشد نقدینگی، دادن آدرس غلط به مخاطب است و اشارات سیاستی آن بسیار پر مخاطره خواهد بود.

با وجود اینکه همه تورم ایران به‌خصوص در شرایط فعلی را نمی‌توان با نقدینگی تشریح کرد اما به‌هر حال بخشی از تورم مزمن و پایدار اقتصاد ایران مربوط به رشد نقدینگی است که ریشه این رشد را باید در بزرگ بودن دولت و تحمیل هزینه‌های بی‌شمار بر بودجه دولت، تأمین مالی کسری‌های بودجه ساختاری از طریق مکانیسم خلق پول، نبود یک نظام بودجه‌ریزی کارا مبتنی بر قواعد مشخص و شفاف، سلطه مالی و عدم استقلال بانک مرکزی و... جست‌وجو کرد.

در شرایط فعلی اقتصاد ایران این پرسش‌های بی‌سابقه نرخ ارز است که موتور محرکه تورم‌های لجام‌گسیخته اخیر بوده است. چنانچه نرخ رشد دلار را در کنار نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی قرار دهیم همبستگی بالای افزایش نرخ ارز و تورم به‌خصوص برای سال‌های توأمان با بی‌ثباتی سیاسی... اقتصادی و تحریم قابل مشاهده است. تحت این شرایط متناسب با تغییرات نرخ ارز، قیمت‌ها بالا می‌رود و عرضه پول و پایه پولی به تناسب آن رشد می‌کند. در واقع جهت‌گیری به‌جای اینکه از پایه پولی و نقدینگی به تورم باشد از نرخ ارز به تورم و از تورم به نقدینگی و سپس پایه پولی است. تحلیل رایج در مورد شکل‌گیری انتظارات عقلایی آن است که انتظارات نسبت به متغیرهای اثرگذار بر قیمت در طرف عرضه و تقاضا به‌خصوص نقدینگی است که انتظارات قیمتی و تورم را شکل می‌دهد و شوک‌های تصادفی عرضه و تقاضا جایگاه خاصی در شکل‌دهی انتظارات نداشته چون تصادفی بوده و میانگین انتظاری آنها

نمودار ۱- میزان تورم ایران در طی ۴۴ سال گذشته



مدیریت تورم و ثبات تورم، تولید را به حرکت در آورد.

در شرایط فعلی اجرای سیاست‌های پولی و مالی باید ثبات تورم و نه چندان کاهش تورم را در اولویت قرار دهد و نمی‌توان انتظار داشت با اجرای برخی سیاست‌های پولی و مالی تورم کاهش قابل توجهی را تجربه کند. اگر تحریم‌ها رفع شود سیاست‌های پیشنهادی مذکور می‌تواند تورم بلندمدت و ماندگار کشور را کاهش داده و آن را به سطوح تک‌رقمی سوق دهد. اما اگر تحریم‌ها رفع نشود سیاست‌های مذکور بدون کاهش چندان در تورم بر تولید و سرمایه‌گذاری فشار وارد نموده و کشور هم تورم و هم رکود را تجربه خواهد کرد. بنابراین بهتر است در این شرایط روی رشد اقتصادی و مدیریت و ثبات بخشی به تورم تمرکز کرد تا سیاست‌های انقباضی شدید و تحمیل رکود.

اهم سیاست‌هایی که می‌توان در شرایط فعلی با شدت کم و بعد از رفع تحریم‌ها با شدت زیاد دنبال کرد به شرح زیر هستند. سیاست‌های مذکور اگر چه می‌تواند تورم پایدار اقتصاد ایران که در شرایط غیر تحریمی نیز برقرار بوده را کنترل و کاهش دهد ولی در شرایط فعلی در بهترین حالت اندکی (در نهایت بین ۵ تا ۱۰ درصد) می‌تواند تورم را کاهش دهد و اصرار بیش از حد بر آنها می‌تواند رکود را بر بخش تولید و سرمایه‌گذاری غالب می‌کند. در شرایط غیر تحریمی سیاست‌های مذکور می‌تواند میانگین تورم بلندمدت اقتصاد ایران را کاهش دهد و سطح تورم پایدار تک‌رقمی را برای اقتصاد ایران به ارمغان بیاورد.

در این گزارش به دو دیدگاه پولی و تأثیرات نرخ ارز بر تورم اشاره شده است. در دیدگاهی که پول را علت‌العلل می‌دانند استدلال می‌کنند که عرضه پول به دنبال خود افزایش قیمت ارز و تورم را دارد و با کنترل نقدینگی می‌توان حتی بر شوک‌های ارزی غلبه کرد. اما دیدگاه دوم پول را معلول نرخ ارز و سایر شوک‌ها دانسته و استدلال می‌کند که در شرایط بی‌ثباتی ارزی و شوک‌های منفی عرضه، بانک مرکزی مجبور به چاپ پول می‌شود و پول همراهی می‌کند.

پول و تورم

در ادبیات اقتصادی نظریات تورم در سه طبقه دسته‌بندی می‌شوند که عبارتند از: فشار تقاضا، نظریه پولی تورم، نظریه فشار هزینه و نظریه ساختاری. نظریه پولی علت تورم را در فشار تقاضا و به خصوص در پول می‌داند چنانکه از نظر میلتون فریدمن، تورم صرفاً یک پدیده پولی است و سایر عوامل اثری کوتاه‌مدت و گذرا دارند. نظریه فشار هزینه علت تورم را در

صفر است. اما اگر عوامل اقتصادی همواره در انتظار شوک‌های منفی طرف عرضه باشند و آن را در تحلیل‌های خود وارد کنند شوک‌های عرضه و تقاضا دیگر تصادفی تلقی نشده و انتظارات تورمی ناشی از شوک‌های عرضه و تقاضا در کنار انتظارات عرضه پول بر تورم اثرگذار خواهد بود. با توجه به مطالب فوق دیگر نمی‌توان به راحتی گفت با کنترل نقدینگی می‌توان تورم را کنترل کرد. چون در شرایط بی‌ثباتی ارزی، خود نقدینگی معلول و نه علت است. در باب برنامه هفتم و مساله تورم باید گفت: اگر چه در ظاهر این برنامه به مساله تورم پرداخته است اما نگاه حاکم بر آن نگاه پولی به مساله تورم است. در واقع فرض بر این است که با مدیریت نقدینگی و برخی اصلاحات در نظام بانکی و بودجه دولت، نقدینگی و به تبع آن تورم را کنترل کرد. این در حالی است که تورم فعلی ایران چندان ریشه پولی ندارد و کنترل انتظارات و نرخ ارز مهم‌ترین چالش کاهش تورم است. با توجه به فشارهای وارده بر اقتصاد ایران به واسطه تحریم و انتظارات منفی و آسیب شدید تولید و سرمایه‌گذاری و از طرفی توفیق‌ناچندان موفق سیاست‌های کنترل نقدینگی بهتر است در شرایط تحریم چندان روی سیاست‌های انقباضی شدید به خصوص در مورد اعتبارات و تسهیلات تمرکز نکرد و سعی نمود به جای آن با

نمودار ۲- مقایسه میانگین نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی در چهار دوره مختلف



منبع: بانک مرکزی ج.ا.

پانتظارات تورمی، انتظارات تطبیقی و انتظارات عقلایی

انتظارات تطبیقی که از ایده‌های فریدمن گرفته شده است گذشته‌نگر بوده و انتظارات را تابعی از قیمت‌های گذشته می‌داند بنابراین میانگینی از قیمت‌های گذشته را در تصمیم‌گیری‌ها دخیل کرده و به اطلاعات آینده توجه چندانی نمی‌شود. این ایده فریدمن روی کاغذ و در یک اقتصاد پایدار قابل پذیرش است اما در اقتصادی که به صورت مداوم چرخه‌های تجاری را تجربه می‌کند و با شوک‌های اقتصادی مواجه است (اقتصاد غیر پایدار)، قابل استفاده نیست. برخلاف انتظارات تطبیقی انتظارات عقلایی آینده‌نگر است و بیان می‌کند که عوامل و کنشگران اقتصادی از همه اطلاعات گذشته و حال برای پیش‌بینی قیمت استفاده می‌کنند. برخلاف انتظارات تطبیقی که انتظارات قیمتی را مطابق با قیمت‌های قبلی می‌دهد مطابق با نظریه انتظارات عقلایی قیمت عمل‌مناصب با انتظارات عوامل اقتصادی شکل می‌گیرد. نکته کلیدی در نظریه انتظارات عقلایی آن است که قیمت از انتظارات عوامل اقتصادی شکل می‌گیرد و قیمت آنچه خواهد شد که عوامل اقتصادی انتظار دارند.

انتظارات تورمی و عملکرد اقتصادی

تحلیل رایج در مورد شکل‌گیری انتظارات عقلایی آن است که انتظارات نسبت به متغیرهای اثرگذار بر قیمت به خصوص رشد پول و نقدینگی است که انتظارات قیمتی را شکل می‌دهد و شوک‌های عرضه و تقاضا حالت تصادفی داشته و تاثیری به شکل دهی انتظارات قیمتی و به تبع آن تورم ندارند. اما اگر شوک‌های عرضه و تقاضا قابل پیش‌بینی باشند و تداوم داشته باشند دیگر تصادفی نبوده و به عنوان یک متغیر توضیحی در شکل‌دهی انتظارات نقش بازی می‌کنند بنابراین عوامل اقتصادی برای تحلیل پیش‌بینی تورم شوک‌های طرف عرضه و تقاضا را نیز در کنار سیاست‌های عرضه پول در نظر می‌گیرند و همه این مولفه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. بنابراین انتظارات قیمتی تابعی مثبت از انتظارات عرضه پول و شوک‌های تقاضا تابعی منفی از شوک‌های طرف عرضه است. بنابراین اگر عوامل اقتصادی همواره در انتظار شوک‌های منفی طرف عرضه باشند و آن را در تحلیل‌های خود وارد کنند انتظارات تورمی آنها بزرگ‌تر از انتظارات عرضه پول خواهد بود. در اقتصادهای پیشرفته که شوک‌های طرف عرضه و تقاضا وجود ندارد یا بسیار کم و ناچیز هستند می‌توان این شوک‌ها را نادیده گرفت که در این صورت انتظارات تورمی با انتظارات عرضه پول برابر خواهد شد. اما در اقتصاد ایران که همواره شوک‌های شدید طرف عرضه و تقاضا وجود دارد نباید تاثیرات این شوک‌ها را نادیده گرفت. در اقتصاد ایران و در طی دو دهه اخیر شاهد چندین شوک اقتصادی بوده‌ایم. شوک قیمتی سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷، شوک قیمتی سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ و شوک قیمتی سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲. پس لازم است که تاثیرات این شوک‌ها در مدل لحاظ شود.

شوک‌های انرژی و شوک‌های منفی طرف عرضه بررسی می‌کند. در نظریه ساختاری نیز ویژگی‌های ساختاری اقتصاد (از قبیل قدرت قیمت‌گذاری انحصار، ساختار بودجه و...) عامل اصلی در ایجاد تورم مطرح می‌شوند.

در کنار بررسی نظریات تورم، موضوع برون‌زایی و درون‌زایی پول نیز اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. برون‌زایی پول به این معناست که کنترل عرضه پول در اختیار بانک مرکزی است و بانک مرکزی با کنترل پایه پولی یا پارامترهای ضریب تکاثر پولی می‌تواند در شرایط متفاوت عرضه پول را کاهش یا افزایش دهد. مطابق با نظریات تورمی مبتنی بر برون‌زایی پول که معروف‌ترین آنها نظریه پولی فریدمن است پول عامل اصلی در تغییرات تولید قیمت و تورم است. از دید نظریه درون‌زایی پول که تاریخچه آن به دوره اقتصاددانان کلاسیک (قبل از کینز و فریدمن) و کلاسیک جدید (مکتب چرخه‌های حقیقی تجاری) برمی‌گردد پول به صورت درون‌زا تغییر می‌کند و نظام پولی و بانک مرکزی همراهی و دنباله‌روی می‌کنند. ایشان تاکید دارند که تورم و تغییرات قیمت منجر به ورود بیشتر پول به چرخه اقتصاد می‌شود و عملاً پول به صورت درون‌زا و متناسب با تحولات اقتصادی تغییر می‌کند. بنابراین پول به صورت درون‌زا تغییرات قیمت و تورم را پوشش می‌دهد.

انتظارات و عملکرد اقتصادی

تصور اکثر اقتصاددانان بر این است که تورم ایران یک پدیده پولی است و با کنترل عرضه پول می‌توان تورم را مهار کرد. کسی منکر تورم‌زا بودن پول نیست اما هر همبستگی بین عرضه پول و تورم به معنای علت بودن پول برای تورم نیست بلکه عوامل دیگری جز پول نیز موثر بوده و علت از سمت تورم به پول را منتج می‌شود. بنابراین باید تمام جوانب و ابعاد این موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. همواره بین اقتصاددانان یکی از مهم‌ترین مباحثی که مطرح بوده نحوه شکل‌گیری انتظارات تورمی و اثرگذاری سیاست‌های تحت آن بوده است. در ادامه این موضوع با جزئیات بررسی می‌شود.

اکنون سوال مهمی که مطرح می شود این است که اگر شوک های عرضه و تقاضا منجر به تورم می شوند نقدینگی پوشش دهنده آن چگونه تامین می شود؟ پاسخ این است که درون زایی پول این مهم را تحقق می بخشد.

پدیده تورم در ایران و چرایی آن

قبل از ارائه پیشنهادات در خصوص کنترل هر پدیده منفی اقتصادی باید درک درستی از عوامل ایجادکننده آن داشت چون در غیر این صورت راهکارهایی مطرح می شود که تناسبی با ماهیت آن پدیده نداشته و در نهایت بهبوسه جزئی با تسلاوم آن پدیده و چه بسا بدتر شدن آن را موجب می شود. تصور اکثر اقتصاددانان بر این است که تورم ایران یک پدیده پولی است و با کنترل عرضه پول می توان تورم را مهار کرد. به هیچ وجه نمی توان تورم را بدون پول را منکر شد اما هر همبستگی بین عرضه پول و تورم به معنای علت بودن پول برای تورم نیست بلکه عوامل دیگری جز پول نیز موثر بوده و علت از سمت تورم به پول را منتج می شود. بنابراین باید تمام جوانب و ابعاد این موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

نقدینگی و تورم

مکتب پولی، تورم را عمدتاً یا منحصر

پولی توصیف می کند و معتقد است وقتی نقدینگی و پول افزایش می یابد نسبت به قبل پول های بیشتری در دست آحاد جامعه قرار می گیرد به طوری که موجودی پولی شان از موجودی بهینه قبلی بیشتر می شود و برای اینکه از این مازاد پول خلاص شوند کالا تقاضا می کنند. از آنجا که طبق فرض آنها اقتصاد در اشتغال کامل قرار دارد و کالای مازادی نیست که به مردم فروخته شود متناسب با افزایش پول و به تبع آن افزایش تقاضا قیمت ها افزایش می یابد. طبق این نظریه پول برون زاست و سرعت گردش پول ثابت و تقاضای پول هم باثبات است. اما بحث ما در مورد اقتصاد ایران این است که به سرعت گردش پول ثابت است نه تقاضای پول باثبات است و جنبه درون زایی پول هم در سال های گذشته تقویت و تشدید شده است (شاکری ۱۴۰۲). علاوه بر این ۸۰ درصد نقدینگی ماسپرده های پس اندازی شبه پول است و تنها ۲۰ درصد آن پول است و ۷۴ درصد این سپرده ها مربوط به یک درصد سپرده گذاران است. آیا با این وضعیت وقتی هر سال مقدار زیادی به نقدینگی کشور اضافه می شود این مقدار اضافی به طور متناسب در دستان عامه مردم قرار می گیرد که موج تقاضا ایجاد کند؟ از این گذشته در شش سال گذشته تولید ناخالص ملی حقیقی تقریباً ثابت بوده اما قدرت خرید مردم به شدت کاهش یافته است. وقتی طی این سال ها کاهش قدرت خرید مردم انباشت شده است و حقوق و دستمزدها متناسب با تورم بالا نرفته است تورم جاذبه تقاضا موضوعیت ندارد.

گفتنی است اگر دوره ۱۴۰۱-۱۳۸۰ به چهار دوره (سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲) تقسیم گردد مشاهده می شود که در طی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ که تحریمی علیه ایران وضع نشده بود نرخ رشد نقدینگی بیش از دو برابر رشد تورم بوده است. همچنین در طی سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ که تحریم های اعمال شده علیه ایران لغو شدند نرخ رشد نقدینگی بیش از دو برابر رشد تورم بوده است. این در حالی است که همبستگی بین نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم در طی سال های ۱۳۹۲-۱۳۹۰ و ۱۴۰۲-۱۳۹۷ بسیار بیشتر از دو دوره فوق است. این امر نشان می دهد که تغییرات تورم تنها ناشی از تغییرات عرضه پول نبوده و عوامل دیگری نیز در این امر دخیل هستند.

برخی استدلال می کنند که علت این شکاف زمان بر بودن اثر گذاری عرضه پول است و تاثیرات عرضه پول پس از چند سال و به صورت فنر فشرده شده آزاد می شود. در پاسخ به این استدلال باید گفت: اگر چه تخلیه اثرات عرضه پول در روندهای اقتصادی چند دوره (دوره های فصلی) طول می کشد اما نه چند سال و بنابراین این گفته که تاثیرات عرضه پول پس از چند

نمودار ۴- مقایسه نرخ تورم، رشد اقتصادی، و نرخ رشد دلار



منبع: جلالی نائینی (۱۴۰۲)، تورم در اقتصاد ایران، ویژگی ها و عوامل ایجاد کننده

سال و به صورت فتر فشرده شده آزاد می شود صحیح و منطقی نیست و علت شکاف را باید در جای دیگر جست.

با وجود اینکه همه تورم ایران به خصوص در شرایط فعلی را نمی توان با نقدینگی تشریح کرد اما به هر حال بخشی از تورم مزمن و پایدار اقتصاد ایران مربوط به رشد نقدینگی است که ریشه این رشد را باید در مواردی چون بزرگ بودن دولت و تحمیل هزینه های بی شمار بودجه دولت، وابستگی دولت به درآمدهای ارزی نفت و عدم توانایی فروش ارزهای نفتی توسط بانک مرکزی، تعریف و وظایف بیش از حد توان دولت در ایران، تامین مالی کسری های بودجه ساختاری از طریق مکانیسم خلق پول یا به عبارتی پولی کردن کسری بودجه، نبود یک نظام بودجه ریزی کارا مبتنی بر قواعد مشخص و شفاف، سلطه مالی و عدم استقلال بانک مرکزی، ضابطه مند نبودن استفاده از ذخایر بانک مرکزی توسط بانک ها و رفع ناترازی ها با تکیه بر منابع بانک مرکزی، قابلیت خلق درون زایی پول اعتباری توسط بانک ها، تعامل و همراهی بانک ها با بخش های نامولد اقتصاد و فقدان الگوی نظارتی کارا جست و جو کرد.

نرخ ارز و تورم

همان طور که در بخش قبل تشریح شد منحصر کردن علت تورم فعلی ایران به رشد نقدینگی دادن آدرس غلط به مخاطب است و اشارات سیاسی آن بسیار پر مخاطره خواهد بود. برای خلاص شدن از تورم بالا باید علل واقعی آن را رفع کرد. متأسفانه آنچه در بعضی محافل علمی عنوان می شود و آنچه به زبان سیاستگذاران و دست اندر کاران جاری است کسری بودجه و نقدینگی علل واقعی تورم نیست بلکه معلول هایی است که در کنار خود تورم نتیجه و حاصل پرش های ارزی است.

این پرش های بی سابقه نرخ ارز است که موتور محرکه تورم های لجام گسیخته اخیر بوده است. این کاملاً بدیهی، مشهود و غیر قابل خدشه است. بنابراین اینکه به صورت انحصاری و یک جانبه گفته می شود که این تنها نقدینگی است که موجب

تورم می شود و رشد نقدینگی هم تنها معلول کسری بودجه دولت است بسیار تامل برانگیز است. توضیح اینکه رشد نقدینگی در سال های گذشته به طور متوسط شبیه وضعیت سه دهه قبل بوده است. بدهی دولت به بانک مرکزی نسبت به بدهی بانک ها نقش بسیار محدودی داشته است و عمدتاً بانک هایی که بدهی بالا به بانک مرکزی دارند آنها نیستند که به دولت قرض داده اند. پس نقدینگی و ترکیب آن نسبت به قبل تغییرات چندانی نداشته است و نمی تواند این جهش تورم را توضیح دهد. در اینجا بحث بر سر تایید رشد نقدینگی و وجود کسری بودجه نیست بلکه باید توجه داشت در مقام علت یابی تورم این نرخ ارز است که وقتی پرش می کند تورم و بنابراین نقدینگی و حتی کسری بودجه دولت را به شدت افزایش می دهد و سبب تقویت پویایی های تورم می شود. بنابراین نقدینگی کسری بودجه و تورم همگی تا حد قابل ملاحظه ای در جایگاه معلول قرار دارند و علت و این نرخ ارز است که همه اینها را تشدید و بی ثبات می کند.

موضوع مهم این است که اگر تغییرات تورم را صرفاً ناشی از تغییرات عرضه پول بدانیم آنگاه سوالی که پیش می آید این است که چرا در دوره های ثبات نسبی اقتصاد مانند سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ یا سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ رابطه یک به یک مذکور برقرار نبوده، در حالی که در دوره های بی ثباتی این رابطه برقرار است؟ پس اگر تورم یک پدیده پولی است بنابراین باید این رابطه همواره و در همه دوره ها برقرار باشد. در زمانی که به دلیل تحریم های اقتصادی و شوک های ارزی نرخ رشد کم و اقتصاد دچار رکود نسبی بوده است سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ و سال های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ همبستگی بسیار بالایی بین نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم وجود داشته به خصوص که ضریب همبستگی در سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ در حدود یک بر آورد شده است. میانگین نرخ تورم ۲/۸ و میانگین تورم تولیدکننده ۳۳/۷ است. اما در سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ چون میانگین نرخ تورم در حدود ۱۱/۸ و میانگین تورم تولیدکننده در حدود ۷/۶ بوده بنابراین ضریب همبستگی کمتری را نشان داده است. همچنین همبستگی منفی بین نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم در طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ وجود داشته بنابراین شوک های منفی عرضه و تقاضا بر انتظارات اثر گذار بوده و عرضه پول و قیمت ها با هم افزایش یافته اند. از طرفی فاصله گرفتن نرخ تورم از متوسط بلندمدت خود و جهش آن ماهیت ضد چرخه ای داشته و مصادف با اعمال تحریم ها و اصابت تکانه های ارزی و همزمان با جهش های نرخ ارز و بروز رکودهای تورمی بوده است.

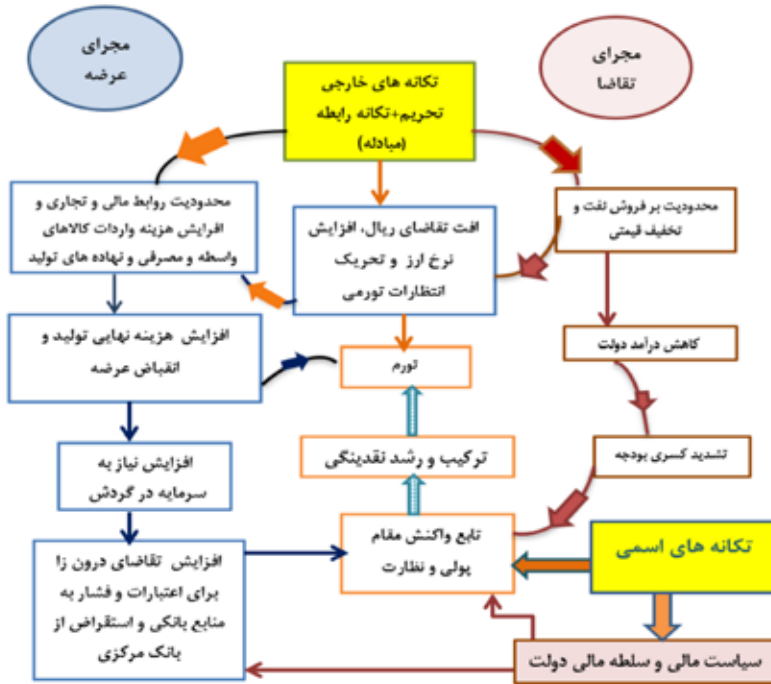
نتایج بیان می کند که همه تورم ایران از وجود نقدینگی زیاد نیست و شوک های عرضه و تقاضا و شوک های سیاسی در شکل گیری انتظارات و تورم اثر گذار هستند. بنابراین اگر عرضه پول در یک طرف و قیمت ها در طرف دیگر قرار داده شوند و از مساوی بودن آنها این برداشت شود که «عرضه پول علت و قیمت معلول است» تفسیر غلط از وضعیت اقتصادی کشور است. همین برداشت اشتباه سبب شده است که در همه دولت هایی که با ادعای کنترل تورم از طریق کنترل نقدینگی به خصوص در شرایط تحریم سعی در مهار تورم داشته اند وضعیت اقتصادی بدتر شود. در واقع عملکرد دولت هادر کنترل نقدینگی به شدت ضعیف بوده و حتی با وجود ادعای کنترل نقدینگی از سوی آنها وضعیت اقتصادی قابل پذیرش و مطلوب نبوده است. چرا که باید توجه داشت زمانی کنترل نقدینگی محقق خواهد شد که نقدینگی بیرون زایی باشد. حتی بر اساس برخی مکاتب کلاسیک از جمله مکتب چرخه های حقیقی تجاری RBC شوک های عرضه پول را به دنبال خواهد داشت و بنابراین بانک مرکزی تنها نقش همراهی کننده و هم سازی را بازی خواهد کرد.

تکانه های خارجی... ارزی از مجرای بودجه دولت تراز نامه بانک مرکزی و شبکه بانکی و همچنین هزینه تولید اختلال در زنجیره تامین کالا بر تورم اثر گذار است. جدا از اثر مستقیم انتظارات آثار تکانه های اسمی و ارزی از درگاه تراز نامه بانک مرکزی و شبکه بانکی به کل اقتصاد تسری می یابد

شوکی عرضه و انتظارات تورمی

تحلیل رایج در مورد شکل گیری انتظارات عقلایی آن است که انتظارات نسبت به متغیر های اثر گذار بر قیمت در طرف عرضه و تقاضا به خصوص نقدینگی است که انتظارات قیمتی و تورم را شکل می دهد و شوک های تصادفی عرضه و تقاضا جایگاه خاصی در شکل دهی انتظارات نداشته

شکل ۱- مکانیسم اثرگذاری تحریم و شوک‌های ارزی بر تورم



منبع: جلالی نائینی (۱۴۰۲)، تورم در اقتصاد ایران، ویژگی‌ها و عوامل ایجاد کننده

نتیجه بخش بودن سیاست‌های اقتصادی همواره در اذهان فعالان اقتصادی در صدی تورم برای هر سال نهادینه شده است. این نه تنها تورم را به دنبال دارد بلکه کاهش نرخ تورم را بسیار پرهزینه تر و دشوار تر خواهد کرد.

تورم ساختاری

جدای از بحث نقش شوک‌های اقتصادی و نقدینگی در تورم نباید از نقش عوامل ساختاری و نهادی معیوب در ایجاد تورم و به دنبال آن همراهی پولی غافل شد. وجه غالب بازارهای ما بازارهای انحصاری است و بازار رقابت بسیار محدود است. در ساختار انحصاری موجود قیمت گذاری‌های دلخواه در شرایط بی ثباتی بسیار گسترده است. عامه افراد جامعه و حتی مسوولان دولتی پذیرفته‌اند که تعدادی از افراد به عنوان کنترل کننده بازارهای مختلف هستند کم‌اینکه هر روز شاهد صحبت از سلطان فولاد، سلطان دلار، سلطان پتر و شیمی و موارد بینچینی هستیم از طرفی در حوزه‌های مختلف اقتصادی انحصارات گوناگونی نظیر انحصار خودرو و فولاد و... وجود دارد.

راهکارهای مهار تورم

با توجه به نکات فوق به خصوص در مورد علل تورم دیگر نمی توان به راحتی گفت که با کنترل نقدینگی می توان تورم را کنترل کرد چون در شرایط بی ثباتی ارزی خود نقدینگی معلول و نه علت است. می توان تورم ایران را با توجه به نیروهای اثرگذار بر آن به ترتیب به سه بخش تورم مبتنی بر فشار هزینه، تورم مبتنی بر جاذبه تقاضا و تورم ساختاری تقسیم کرد و پیشنهادها را نیز متناسب با آن ارائه کرد. نکته قابل ذکر این است که با توجه به فشارهای وارده بر اقتصاد ایران به واسطه تحریم و انتظارات منفی و آسیب شدید تولید و سرمایه گذاری و از طرفی توفیق نه چندان موفق سیاست‌های کنترل نقدینگی و تبعیت بیشتر تورم از فشارهای وارده بر بخش عرضه بهتر است در شرایط تحریم چندان روی سیاست‌های انقباضی شدید به خصوص در مورد اعتبارات و تسهیلات تمرکز نکرده و سعی کرد به جای آن با مدیریت تورم و تبعات تورم تولید را به حرکت درآورد.

سیاست‌های پیشنهادی که در ادامه می آید اگر چه می تواند تورم پایدار اقتصاد ایران که در شرایط غیر تحریمی نیز برقرار بوده را کنترل و کاهش دهد اما در شرایط فعلی در بهترین حالت اندکی

چون تصادفی بوده و میانگین انتظاری آنها صفر است. اما عوامل اقتصادی برای تحلیل پیش بینی تورم شوک‌های طرف عرضه و تقاضا را نیز در کنار عرضه پول در نظر می گیرند و همه این مولفه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند به خصوص وقتی شوک‌ها پایدار و پرتکرار است. در واقع تحت این شرایط شوک‌ها دیگر تصادفی نبوده و به عنوان متغیر توضیحی اصلی در تحلیل‌ها و برآوردها استفاده می شود. بنابراین انتظارات قیمتی تابعی مثبت از انتظارات عرضه پول و شوک‌های تقاضا تابعی منفی از شوک‌های طرف عرضه است. بنابراین اگر عوامل اقتصادی همواره در انتظار شوک‌های منفی طرف عرضه باشند و آن را در تحلیل‌های خود وارد کنند انتظارات تورمی ناشی از شوک‌های عرضه و تقاضا در کنار انتظارات عرضه پول بر تورم اثر گذار خواهد بود.

می توان اینگونه استدلال کرد که در اقتصاد تورمی ایران شوک‌های طرف عرضه و تقاضا در شکل گیری انتظارات بسیار اثر گذار است و قیمت تنها تابع انتظارات قیمتی ناشی از رشد پولی و خطای پیش بینی آن نبوده و تابعی از انتظارات و شوک‌های عرضه و تقاضاست. شوک مثبت تقاضا و شوک منفی عرضه موجب افزایش قیمت می شوند بنابراین در یک اقتصاد بابتی ثباتی‌های فراوان و شوک‌های پیاپی سیاسی اقتصادی انتظارات تنها تابع عرضه پول و تورم نیز تنها تابع عرضه پول نیست. نکته اینکه انتظارات تورمی می تواند به صورت خودتاییدی یا خودتحقق یابنده عمل کند. به این معنا که اگر مردم انتظار افزایش قیمت‌ها را داشته باشند رفتارهای اقتصادی شان مانند افزایش تقاضا و ذخیره سازی کالاها می تواند به تحقق این انتظارات و افزایش تورم منجر شود. این موضوع در شرایط بی ثباتی سیاسی و اقتصادی اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد.

در ارتباط با انتظارات تورمی و نرخ ارز باید توجه داشت که تغییرات نرخ ارز از آن جهت که به صورت تاریخی لنگر انتظارات تورمی در اقتصاد ایران است نقش محوری در شکل دهی به انتظارات تورمی دارد. که خود منجر به تغییرات نرخ تورم در کوتاه مدت می شود. علاوه بر این استدلال می شود که انتظارات تورمی در ایران به نوعی نهادینه شده است. در واقع با توجه به پایداری تورم و عدم

پولی بر اساس شناسایی تکانه‌های اصابت‌شده و مشروط به شرایط است. اگر حکمرانی اقتصادی ضعیف و نارسا و محیط اقتصادی... سیاسی برای ایجاد ثبات نامساعد باشد ابزارهای سنتی سیاست پولی کارآیی بالایی برای مقابله با تورم ناشی از تحریم‌ها و مختل شدن زنجیره تامین کالا ندارند.

کنترل پول و نقدینگی

در مطالب فوق اشاره شد که تورم فعلی اقتصاد ایران ناشی از منازعات سیاسی و تحریم است و حل آن نیز از این دریچه امکان‌پذیر است اما اگر امکان حل وجود نداشته باشد بابرخی سیاست‌های کنترلی می‌توان از فشار وارده کاست و تورم را تا حدودی مدیریت کرد که در بهترین حالت تورم را بین ۵ تا ۱۰ درصد کاهش خواهد داد. البته در متن نیز اشاره شد که بخشی از تورم کشور به شرایط تحریمی فعلی بر نمی‌گردد و از دیرباز به دلیل برخی مشکلات در نظام پولی و مالی کشور تحقق می‌یابد که بابرخی سیاست‌هایی می‌توان این بخش از تورم را مدیریت کرد.

اصلاحات ساختاری

همان‌طور که در پیش اشاره شد بخشی از تورم ایران ریشه ساختاری دارد که یا به نظام مالی و بانکی برمی‌گردد یا به سایر ویژگی‌های اقتصادی. اهم این اصلاحات به شرح زیر است. البته به‌مجدد باید متذکر شد که این‌ها نمی‌تواند تورم فعلی کشور را چندان حل کند اما برای ثبات بخشی بلندمدت و کاهش نسبی تورم مفید خواهد بود. تورم فعلی نخست ریشه در تحریم و شوک‌های ارزی دارد.

اصلاح نظام بانکی

- * اصلاحات نهادی در جهت استقلال بیشتر بانک مرکزی
- * تصمیم‌گیری جدی در خصوص فعالیت بانک‌های شدیداً ناسالم
- * کنترل و نظارت بر موسسه‌های مالی غیر بانکی
- * اعمال رتبه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی در اعطای اعتبارات
- * اصلاح ساختار بودجه
- * کوچک‌سازی واقعی دولت
- * اصلاح نظام بودجه‌ریزی و ایجاد هماهنگی بین منابع و مصارف و تامین انضباط و شفافیت بودجه
- * اصلاح نظام مالیاتی با تاکید بر گسترش پایه مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی و حذف
- * معافیت‌های موقت مالیاتی و اجتناب از بخشودگی‌های غیر منطقی و غیر بهینه مالیاتی
- * افزایش انضباط مالی در شرکت‌های دولتی و تعطیل کردن بنگاه‌های دولتی ناکارآمد
- * اصلاح ناترازی صندوق‌های بازنشستگی
- * صرف درآمدهای نفتی و سایر درآمدهای منابع طبیعی در اختیار دولت برای امور زیرساختی و برنامه‌ها

رفع انحصارات

- * رفع انحصارات در بازارهای مختلف از جمله خودرو و...
- * مدیریت واردات برای کنترل و شکستن انحصارات جلوگیری از شوک درماني‌ها
- جدای از اینکه قیمت حامل‌های انرژی یا ارز مناسب و منطقی هست یا خیر در این شرایط تورمی پرهیز از شوک درماني‌ها اهمیت زیادی دارد زیرا می‌تواند منجر به ابرتورم شود. در حال حاضر بدون شوک درماني‌ها تورم رقم قابل توجهی دارد و حال آنکه شوک درماني‌ها می‌تواند جهش‌های قابل توجه را ایجاد کند و نرخ تورم را به فراتر از نرخ موجود ببرد بنابراین آنچه باید انجام داد عبارت است از:
- * ممانعت از افزایش قیمت حامل‌های انرژی تا زمان برقراری ثبات نسبی قیمتی
- * ممانعت از تغییرات قابل توجه نرخ ارز.

(در نهایت بین ۵ تا ۱۰ درصد) می‌تواند تورم را کاهش دهد و اصرار بیش از حد بر آن‌ها می‌تواند رکود را بر بخش تولید و سرمایه‌گذاری غالب کند و این در حالی است که تحمل تورم برای عوامل اقتصادی و به‌خصوص قشر ضعیف جامعه راحت‌تر از تحمل بیکاری است. در شرایط غیر تحریمی سیاست‌هایی که در ادامه می‌آید می‌تواند میانگین تورم بلندمدت اقتصاد ایران را کاهش دهد و سطح تورم پایدار تک‌رقمی را برای اقتصاد ایران به‌ارمغان بیاورد.

مدیریت انتظارات و نرخ ارز

مدیریت انتظارات از اهمیت بالایی در کنترل تورم برخوردار است به‌خصوص برای مدیریت شوک‌های ارزی زیرا اولین جایی که شوک‌های اقتصادی-سیاسی در آن تخلیه می‌شود قیمت ارز است. سیاست‌گذاران یک هدف مشخص را طراحی و دنبال می‌کنند اما انتظارات تورمی به‌سوی دیگری می‌رود و آنچه در نهایت برنده می‌شود همان انتظارات تورمی است.

کنترل انتظارات تورمی مهم‌تر از کنترل تورم است. برای مهار تورم اقداماتی مانند کنترل نقدینگی لازم است اما کافی نیست. جهت حل ریشه‌های مساله تورم قطعاً باید فضای سیاسی تغییر کند تا تورم ۴۰ درصدی در اقتصاد ایران به زیر ۱۰ درصد کاهش یابد. اما اگر بنا به هر دلیلی فضای سیاسی و روابط بین‌المللی کشور بدون تغییر باشد انتظارات موازی با همان متغیرهای سیاسی پیش خواهد رفت. به‌عنوان مثال اخبار خوب و مثبت حول بهبود روابط ایران با عربستان سعودی، عضویت ایران در بریکس، آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده و... در روند شکل‌گیری انتظارات مثبت اثرگذار بوده است. البته چنین اخبار مثبتی چون با اصل حل و فصل مسائل سیاسی کشور به‌خصوص تحریم‌های بین‌المللی فاصله دارند، اثرگذاری کوتاه‌مدت داشته و صرفاً برای چند روز قیمت دلار را مدیریت می‌کنند.

کاهش نوسانات ارزی منوط و محدود به مداخلات بانک مرکزی نیست بلکه رفع تحریم‌ها و کاهش نااطمینانی‌های اقتصادی-سیاسی نقش مهم‌تری در ثبات نسبی نرخ ارز در میان‌مدت و بلندمدت دارد. اتخاذ سیاست

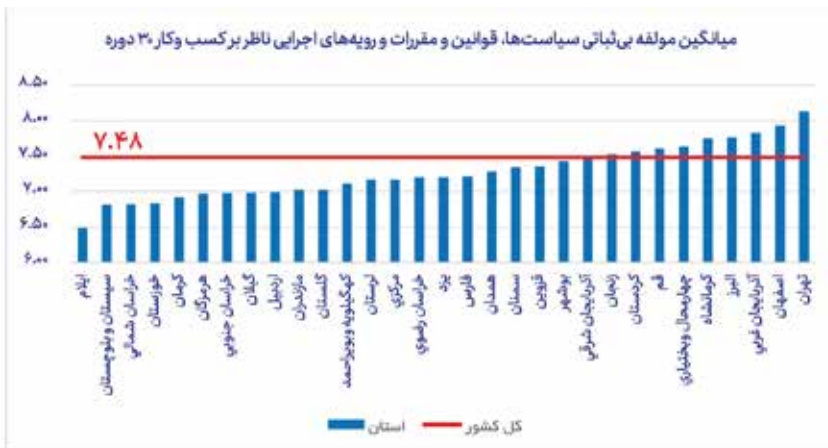
موانع کلیدی کسب‌وکار در استان‌ها؛ از بی‌ثباتی قیمت‌ها تا دشواری تأمین مالی

گزارش تحقیقی «سیمای استان‌ها در بهبود کسب‌وکار» موسسه عالی آموزش و برنامه‌ریزی نشان می‌دهد بی‌ثباتی قیمت مواد اولیه و محصولات و دشواری تأمین مالی از بانک‌ها، مهم‌ترین موانع محیط کسب‌وکار در ایران هستند. با میانگین شاخص کل حدود ۶، کسب‌وکارها در سطح ملی نمره مردودی گرفته‌اند. تحلیل‌های استانی نیز تفاوت‌های قابل توجهی در این شاخص‌ها و تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی را آشکار می‌سازد.

با میانگین شاخص کل پایش در بخش پیمایشی آن در ادوار مختلف اجرای طرح (حدود عدد ۶) داشته است. بنابراین بی‌ثباتی قیمت‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر سایر مولفه‌های کسب‌وکار و در نهایت بر شاخص کل محیط کسب‌وکار نیز اثر منفی می‌گذارد. در این میان بررسی وضعیت استان‌ها در این مولفه در طول ادوار مختلف اجرای طرح نیز نشان از وجود الگوی مشخص بین استان‌ها دارد.

شاخص بی‌ثباتی قیمت‌ها

بر اساس آمارها و نظر فعالان اقتصادی شرکت‌کننده در این طرح، ۱۳ استان کشور در شاخص بی‌ثباتی قیمت‌ها دارای میانگین بالاتر از متوسط کشوری و ۱۸ استان نیز دارای میانگین پایین‌تر از متوسط کشور بوده‌اند. همچنین ۵ استان چهارمحال و بختیاری، آذربایجان غربی، اصفهان، زنجان و کرمانشاه به ترتیب دارای بیشترین عدد این شاخص



ماخذ: یافته گزارش بر اساس داده‌های طرح پایش ملی محیط کسب‌وکار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

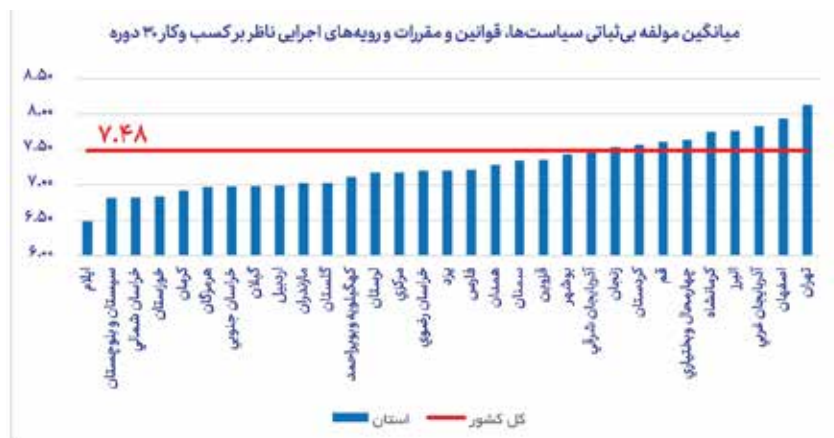
معاونت بهبود کسب‌وکار موسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی اقدام به انتشار مجموعه گزارش‌های با موضوع «سیمای استان‌ها در بهبود کسب‌وکار» پرداخته است. در این گزارش‌ها، ۲۸ مولفه پیمایشی و آماری محیط کسب‌وکار در ۳۰ دوره گذشته بررسی شده‌اند. در محاسبه شاخص بهبود کسب‌وکار به بدترین وضعیت عدد ۱۰ و به بهترین وضعیت عدد ۱ نسبت داده شده است. بر اساس آمارهای اعلامی، میانگین شاخص کل پایش در ادوار مختلف حدود ۶ است که نشانگر نمره مردود کشوری شاخص بهبود کسب‌وکار است. در میان مولفه‌ها، مولفه «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» در ۲۰ دوره از اجرای طرح، به عنوان اولین و مهم‌ترین مانع در برابر کسب‌وکارها با میانگین رقم شاخص در طول دوره‌های اجرا معادل ۸،۲۶ ارزیابی شده است.

بررسی اجمالی این عدد نشان می‌دهد که این عامل مهم‌ترین مانع پیش روی کسب‌وکارهاست؛ زیرا بیشترین فاصله را

| استان | میانگین ۲۶ دوره اجرا |
|---------------------|----------------------|
| آذربایجان شرقی | ۵.۹۹ |
| آذربایجان غربی | ۵.۹۹ |
| اردبیل | ۵.۸۱ |
| اصفهان | ۵.۷۶ |
| البرز | ۵.۹۵ |
| ایلام | ۵.۹۰ |
| بوشهر | ۵.۷۹ |
| تهران | ۶.۰۳ |
| چهارمحال و بختیاری | ۶.۰۰ |
| خراسان جنوبی | ۵.۸۰ |
| خراسان رضوی | ۵.۹۳ |
| خراسان شمالی | ۵.۷۶ |
| خوزستان | ۶.۰۰ |
| زنجان | ۵.۹۸ |
| سمنان | ۵.۷۱ |
| سیستان و بلوچستان | ۶.۰۹ |
| فارس | ۵.۸۹ |
| قزوین | ۵.۸۰ |
| قم | ۵.۸۶ |
| کردستان | ۶.۰۰ |
| کرمان | ۵.۷۲ |
| کرمانشاه | ۶.۰۴ |
| کهگیلویه و بویراحمد | ۶.۰۸ |
| گلستان | ۵.۵۳ |
| گیلان | ۵.۹۹ |
| لرستان | ۶.۰۰ |
| مازندران | ۵.۶۶ |
| مرکزی | ۵.۸۰ |
| هرمزگان | ۵.۷۱ |
| همدان | ۵.۸۵ |
| یزد | ۵.۵۷ |

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مرکزی و زنجان به ترتیب دارای کمترین عدد شاخص (وضعیت بهتر نسبت به سایر استان‌ها) ارزیابی شده‌اند. شاخص‌های «رویه ناعادلانه مالیات‌ستانی» و «بی‌ثباتی سیاست‌ها



مأخذ: یافته گزارش بر اساس داده‌های طرح پایش ملی محیط کسب و کار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

طبق آمارها ۱۱ استان کشور دارای میانگین بالاتر از متوسط کشوری و ۲۰ استان نیز دارای میانگین پایین‌تر از متوسط کشور بوده‌اند. همچنین استان‌های اردبیل، کرمانشاه، آذربایجان غربی، کردستان و ایلام به ترتیب دارای بیشترین عدد شاخص (وضعیت بدتر نسبت به سایر استان‌ها) و استان‌های گیلان، خراسان جنوبی، سمنان، مرکزی و زنجان به ترتیب دارای کمترین عدد شاخص (وضعیت بهتر نسبت به سایر استان‌ها) ارزیابی شده‌اند

(وضعیت بدتر نسبت به سایر استان‌ها) و ۵ استان خراسان شمالی، کرمان، اردبیل، قزوین و خراسان رضوی به ترتیب دارای کمترین عدد این شاخص (وضعیت بهتر نسبت به سایر استان‌ها) ارزیابی شده‌اند.

سایر شاخص‌های موثر

مولفه «دشواری تامین مالی از بانک‌ها» یکی از مولفه‌هایی است که از ابتدای آغاز طرح به صورت مستمر مورد پرسش قرار گرفته و در ۲۰ دوره از اجرای طرح، به عنوان اولین یا دومین مانع در برابر کسب و کارها با میانگین رقم شاخص در طول دوره‌های اجرا معادل ۷,۴۶ ارزیابی شده است. بررسی اجمالی این عدد نشان می‌دهد که این عامل دومین مانع پیش روی کسب و کارهاست، زیرا بیشترین فاصله را با میانگین شاخص کل پایش در بخش پیمایشی آن در ادوار مختلف اجرای طرح (حدود عدد ۶) پس از شاخص بی‌ثباتی قیمت‌ها داشته است. بنابراین دشواری تامین مالی از بانک‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر سایر مولفه‌های کسب و کار و در نهایت بر شاخص کل محیط کسب و کار نیز اثر منفی می‌گذارد.

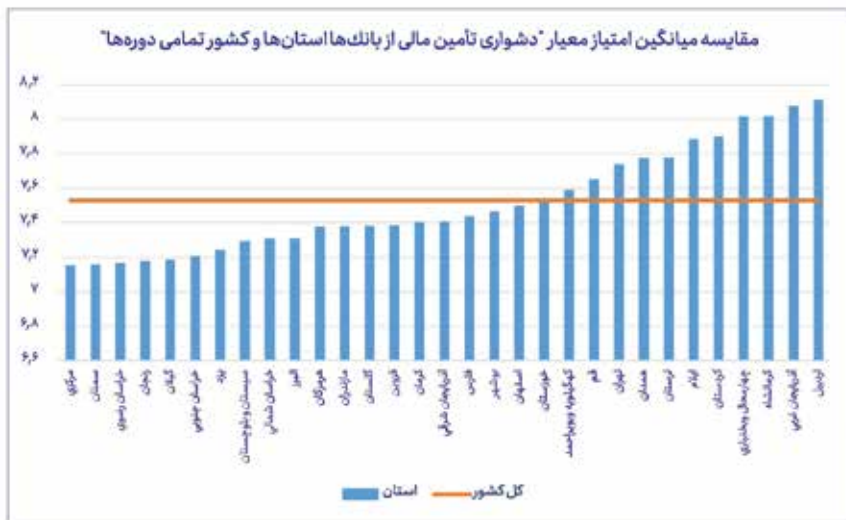
طبق آمارها ۱۱ استان کشور دارای میانگین بالاتر از متوسط کشوری و ۲۰ استان نیز دارای میانگین پایین‌تر از متوسط کشور بوده‌اند. همچنین استان‌های اردبیل، کرمانشاه، آذربایجان غربی، کردستان و ایلام به ترتیب دارای بیشترین عدد شاخص (وضعیت بدتر نسبت به سایر استان‌ها) و استان‌های گیلان، خراسان جنوبی، سمنان،

و قوانین» در رده‌های بعدی مهم‌ترین موانع کسب‌وکار براساس این ارزیابی هستند. جزئیات مربوط به این شاخص‌ها در گزارش‌های بعد «دنیای اقتصاد» منتشر خواهد شد.

عوامل کلان موثر بر شاخص بهبود کسب‌وکار

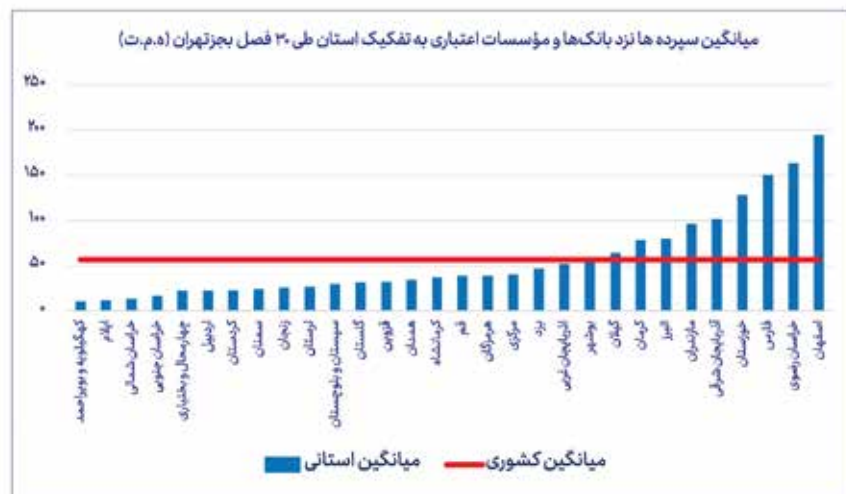
عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، زیست‌محیطی و فناوری وجود دارند که بر محیط کلان کسب‌وکار بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی کشور اثرگذاری دارند. از این بین، اثرگذاری برخی عوامل بیشتر در سطح ملی و برخی نیز بیشتر در سطح استانی است و مجموعه‌ای نیز در دو سطح ملی و استانی قابل پایش و تحلیل هستند. براساس ماده ۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار مصوب سال ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی، اتاق‌های بازرگانی و تعاون کشور موظف شدند به منظور اطلاع سیاستگذاران از وضعیت محیط کسب‌وکار در کشور، شاخص‌های ملی محیط کسب‌وکار در ایران را تدوین و به‌طور سالانه و فصلی حسب مورد به تفکیک استان‌ها، بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی سنجش و اعلام کنند.

در همین راستا، گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار از سال ۱۳۹۵ با ارزیابی ۷۰ مولفه پیمایشی و آماری در هر فصل توسط اتاق‌ها منتشر می‌شود که حاوی نکات ارزشمندی در زمینه محیط کسب‌وکار به‌ویژه در سطح استانی است که تاکنون مورد توجه جدی تحلیلگران قرار نگرفته است. اداره کل بهبود فضای کسب‌وکار موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی بنا دارد در قالب سلسله گزارش‌هایی در زمینه بررسی تحلیلی مولفه‌های پیمایشی و آماری محیط کسب‌وکار در استان‌ها طی ۷ سال گذشته اقدام و ضمن تهیه گزارش‌های مقایسه‌ای بین استان‌ها، با بررسی میزان اثرگذاری ملی و استانی مولفه موردنظر در بهبود وضعیت محیط کسب‌وکار استان، توصیه‌های سیاسی و مدیریتی در این خصوص ارائه کند.



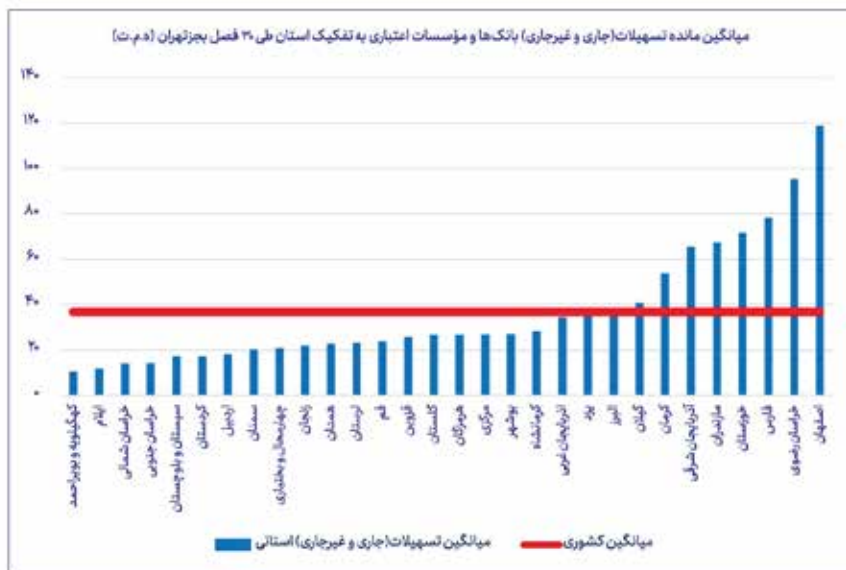
مأخذ: یافته‌های گزارش بر اساس داده‌های طرح پایش ملی محیط کسب‌وکار اتاق بازرگانی-صنایع، معادن و کشاورزی ایران

نمودار ۲. میانگین کل سپرده‌های بانک‌ها در استان‌های کشور در ۳۰ دوره اجرای طرح



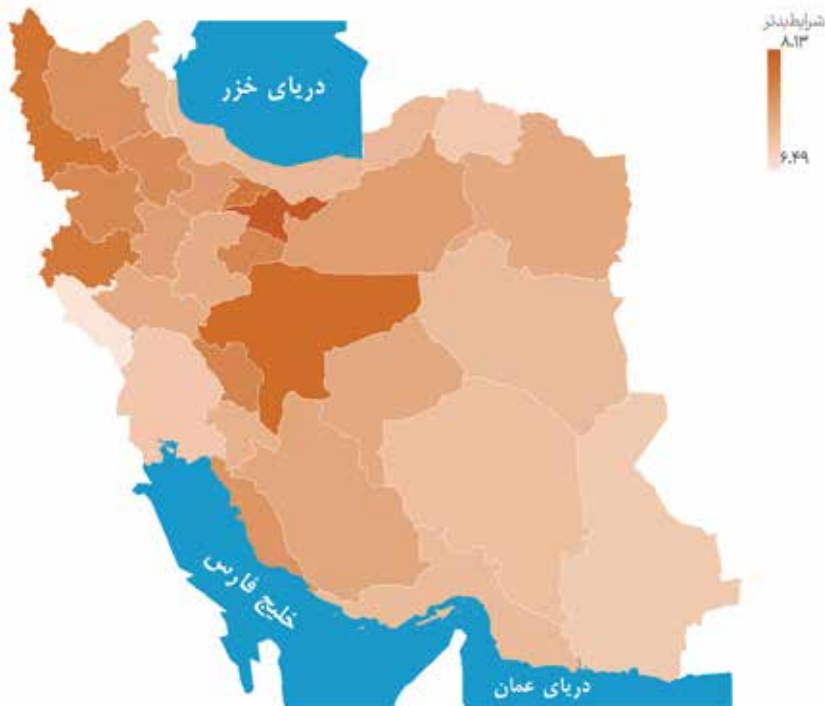
مأخذ: یافته‌های گزارش بر مبنای داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی

نمودار ۳. استان‌های ایران به ترتیب میانگین مانده تسهیلات اعطایی در ۳۰ دوره اجرای طرح (همت)



مأخذ: یافته‌های پژوهش با استفاده از داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی

شکل ۱- وضعیت استان‌های کشور در مورد بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب و کار در ۳ دوره اجرای طرح پایش



نسبت خانوارهای شهری و روستایی در استان‌ها، اثرگذاری سایر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مانند نرخ بیکاری و میزان درآمد متوسط و سطح فقر در استان‌ها می‌توانند از جمله عوامل بروز اختلاف در میزان تورم و بی‌ثباتی قیمت‌ها در استان‌های کشور باشند.

مساله خالص مهاجرت

یکی از عواملی که اثر قابل توجهی بر سطح عمومی قیمت‌ها در استان‌های مختلف دارد میزان مهاجرپذیری استان است که از دو جنبه میزان فشار بر تقاضای مسکن و دیگری میزان مصرف خانوارها بر سبد کالای مصرفی خانوارهای استان اثرگذار است. با توجه به اینکه وزن هزینه اجاره مسکن در سبد مصرفی خانوارها زیاد است و از طرف دیگر نسبت خانوارهای شهری و روستایی در استان پس از قبول مهاجران در استان نیز بر سبد مصرفی خانوارها اثر می‌گذارد،

بنابراین بررسی این موضوع می‌تواند در فهمیدن چرایی تفاوت میزان این مولفه در استان‌های مختلف مفید باشد. بر اساس آخرین اطلاعات موجود در خصوص میزان خالص مهاجرپذیری استان‌ها که از نتایج اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ به دست آمده است، ۵ استان سمنان، البرز، یزد، قم و تهران دارای بیشترین مقدار مهاجرپذیری (نسبت به هزار نفر جمعیت استان) و استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، همدان و خراسان شمالی بیشترین میزان مهاجرفرستی را در بین استان‌های کشور داشته‌اند. در بین استان‌های دارای بیشترین مقدار تورم دوره‌ای مانند استان یزد، استان‌های با نرخ مهاجرپذیری بالا بیشتر به چشم می‌خورند. / توس اکو

به نظر می‌رسد علل بروز بی‌ثباتی قیمت‌ها در سطح ملی عامل تا حد زیادی (حدود ۹۰ درصد بر اساس نظر خبرگان) متأثر از وجود مشکلات کلان کشور در سطح ملی باشد. اقتصاددانان عمدتاً دلایل ساختاری و مدیریتی همچون ناترازی بودجه‌ای، ناترازی بانکی، کسری تجاری غیرنفتی، کسری حساب سرمایه، وجود شکاف تولید، کاهش ارزش پول ملی، کاهش بهره‌وری و وجود انتظارات تورمی را به‌عنوان علل وجود تورم بالا در کشور معرفی می‌کنند. شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد بروز این عوامل در سطح ملی می‌تواند به بی‌ثباتی قیمت‌ها بینجامد و اتخاذ سیاست‌های استانی اثر بسیار کمتری در به وجود آوردن این پدیده دارد. از سوی دیگر، هیچ متغیر اقتصادی دیگری مانند تورم نمی‌تواند بر شرایط عمومی محیط کسب و کار کشور اثرگذار بوده و اعتماد در ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به شدت کاهش دهد.

نتایج پایش ملی محیط کسب و کار طی سال‌های اخیر نیز تایید می‌کند که با افزایش تکانه‌های قیمتی در دوره‌های مختلف، میزان اثرگذاری منفی آن بر محیط کسب و کار به‌رغم انجام اقدامات موثر در بهبود وضعیت سایر عوامل، بسیار جدی بوده است.

به‌رغم موارد ذکرشده در سطح ملی با پدیده اختلاف معنادار در کمیت مولفه «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» در طرح پایش ملی محیط کسب و کار و همچنین میزان تورم رسمی اعلامی در استان‌های کشور مواجه هستیم که نشان می‌دهد برخی عوامل استانی (با حدود ۱۰ درصد اثرگذاری بر اساس نظر خبرگان) همچون اختلاف در سبد مصرفی خانوارهای استان‌ها، میزان مهاجرپذیری استان‌ها و سهم قیمت اجاره‌ها در سبد هزینه خانوارها، کمیت و کیفیت نظارت نهادهای استانی مرتبط با تنظیم بازار و توزیع کالاها و خدمات، میزان گستردگی جغرافیایی و کیفیت زیرساخت‌های حمل و نقل در استان‌ها، مشکل در شبکه توزیع، ترکیب متفاوت



وضعیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری در گواهی سپرده کالایی زعفران

طلای سرخ بازار سرمایه

صندوق‌های سرمایه‌گذاری زعفران، ابزاری نوین در بازار سرمایه ایران هستند که به علاقه‌مندان این فرصت را می‌دهند تا بدون ورود به پیچیدگی‌های کشت، نگهداری و صادرات زعفران، از نوسانات قیمتی این محصول ارزشمند بهره‌مند شوند. این صندوق‌ها با تکیه بر گواهی سپرده کالایی، امنیت، شفافیت و مدیریت حرفه‌ای، راهی مطمئن برای سرمایه‌گذاری در بازار طلای سرخ ارائه کرده‌اند.

گواهی را از طریق کارگزاری‌های بورس به فروش رسانده یا در صورت تمایل تا مدت مشخصی در انبار نگهداری کنند.

در حال حاضر، دو صندوق زعفران فعال در بورس ایران عبارتند از:

صندوق سرمایه‌گذاری گروه زعفران سحرخیز (نماد: سحرخیز)

این صندوق از دی ماه ۱۳۹۹ تحت نظارت گروه زعفران سحرخیز آغاز به کار کرده و به دلیل سابقه فعالیت و عملکرد قابل قبول، یکی از گزینه‌های مورد توجه سرمایه‌گذاران است.

صندوق سرمایه‌گذاری طلای سرخ نویرا (نماد: نهال)

این صندوق از مرداد ماه ۱۳۹۰ تحت نظارت شرکت سبذگردان نویرا فعالیت خود را شروع کرده و به عنوان یکی از قدیمی‌ترین صندوق‌های زعفران در بازار شناخته می‌شود.

با اینکه این دو صندوق تفاوت‌هایی در زمان شروع به کار دارند، بازدهی آنها از زمان تاسیس تاکنون نزدیک به هم بوده است. علاوه بر این، هر دو صندوق علاوه بر زعفران،

صندوق‌های سرمایه‌گذاری زعفران از جمله ابزارهای مالی پر بازده در بازار سرمایه ایران هستند. زعفران به عنوان یکی از مهم‌ترین کالاهای صادراتی کشور، سهم قابل توجهی در بازار جهانی دارد و حدود ۹۰ درصد از تولیدات آن به کشورهای دیگر صادر می‌شود. این محصول ارزشمند به دلیل وابستگی به نرخ ارز، همواره تحت تاثیر نوسانات قیمتی قرار دارد. با توجه به اینکه بسیاری از افراد به دنبال راه‌هایی برای کشت، نگهداری و صادرات زعفران هستند، این مسیر به دلیل چالش‌های خاص خود برای همه افراد قابل دسترس نیست. از همین رو، ابزارهایی در بازار سرمایه طراحی شده‌اند تا علاقه‌مندان بتوانند بدون ورود مستقیم به فرآیندهای پیچیده کشت و صادرات، با خرید و فروش اوراق بهادار مبتنی بر زعفران از نوسانات قیمتی این محصول بهره‌مند شوند. یکی از این ابزارها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری زعفران هستند که امکان سرمایه‌گذاری آسان و مدیریت شده در این حوزه را فراهم کرده‌اند. این صندوق‌ها نه تنها سرمایه‌گذاری در زعفران را ساده‌تر کرده‌اند، بلکه بستری امن برای کسب سود از نوسانات قیمتی طلای سرخ به شمار می‌روند. در حال حاضر، دو صندوق زعفران فعال در بورس ایران با نام‌های «نهال» و «سحرخیز» فعالیت می‌کنند که به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

صندوق سرمایه‌گذاری زعفران، یک نوع صندوق کالایی قابل معامله در بورس (ETF) است که دارایی پایه آن گواهی سپرده کالایی زعفران محسوب می‌شود. این صندوق پها به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا به جای خرید و فروش زعفران به صورت فیزیکی، که با ریسک‌ها و پیچیدگی‌های خاصی همراه است، از طریق سرمایه‌گذاری در صندوق‌های زعفران به این بازار ورود کنند. گواهی سپرده کالایی زعفران به عنوان سند مالکیت تضمین می‌کند که سرمایه‌گذار مالک مقدار مشخصی زعفران است و این مقدار را می‌توان در هر زمان از انبارهای بورس کالا تحویل گرفت یا آن را بدون دریافت فیزیکی کالا به فروش رساند. دارندگان زعفران نیز می‌توانند محصول خود را با استانداردهای مشخص به انبارهای پذیرش شده توسط بورس بسپارند و در قبال آن گواهی سپرده کالایی دریافت کنند، سپس این

به صورت چند کالایی (Multi Commodity) فعالیت کرده و محصولات دیگری مانند پسته و برنج را نیز عرضه می‌کنند. این تنوع در دارایی پایه باعث شده صندوق‌های زعفران بتوانند مخاطبان بیشتری را جذب کنند و گزینه‌های سرمایه‌گذاری متنوع‌تری را ارائه دهند.

در مجموع، سرمایه‌گذاری در صندوق‌های زعفران نه تنها فرصتی مناسب برای مشارکت در بازارهای کالایی است، بلکه بستری امن و کم‌ریسک‌تر برای حمایت از کشاورزان ایرانی و بهره‌برداری از نوسانات قیمتی زعفران ایجاد کرده است. در مقایسه دو صندوق سرمایه‌گذاری زعفران سحرخیز و نهال، می‌توان عملکرد و ویژگی‌های این دو صندوق را به صورت دقیق‌تر تحلیل کرد. یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی صندوق‌ها، بازدهی از زمان شروع فعالیت است. صندوق سحرخیز توانسته بازدهی ۲۸۹ درصد را به ثبت برساند که نسبت به بازدهی ۲۷۶ درصدی صندوق نهال اندکی بالاتر است. این نشان‌دهنده مدیریت موفق‌تر و بهره‌گیری بهتر از نوسانات بازار زعفران توسط صندوق سحرخیز است. البته

این اختلاف اندک بوده و عملکرد هر دو صندوق در ایجاد بازدهی برای سرمایه‌گذاران چشمگیر است.

از منظر کل ارزش خالص دارایی‌ها، تفاوت قابل توجهی بین این دو صندوق وجود دارد. صندوق نهال با ارزش دارایی ۶۶۷ میلیارد تومان، نسبت به صندوق سحرخیز که دارایی‌های آن ۲۳۷ میلیارد تومان بوده، حجم سرمایه بیشتری را جذب کرده است. این اختلاف ممکن است ناشی از قدمت بیشتر صندوق نهال باشد چراکه فعالیت آن از مرداد ۱۳۹۰ آغاز شده، در حالی که صندوق سحرخیز از دی ۱۳۹۹ وارد بازار شده است. این تفاوت در میزان دارایی‌ها نشان‌دهنده اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران به صندوق نهال در طولانی مدت است.

از نظر مدیریت بازارگردانی، صندوق سحرخیز تحت نظارت شرکت گسترش نو ویرا قرار دارد و صندوق نهال توسط شرکت تدبیرگران فرادامدیریت می‌شود. نقش بازارگردان در ایجاد تعادل در معاملات و نقدشوندگی صندوق‌ها بسیار مهم است و اعتبار این شرکت‌ها می‌تواند اثر مستقیمی بر عملکرد صندوق‌ها داشته باشد.

صندوق زعفران نهال در مقایسه با رقیب خود، صندوق زعفران سحرخیز، از نظر حجم دارایی بزرگ‌تر است، اما در بازدهی بلندمدت نسبت به سحرخیز عملکرد ضعیف‌تری داشته است. با این حال، باید به دو نکته مهم توجه کرد: بازدهی بالاتر در گذشته به هیچ وجه تضمین‌کننده عملکرد بهتر و سودآوری بیشتر در آینده نیست.

سرمایه‌گذاری در صندوق‌های زعفران یک نوع سرمایه‌گذاری غیرمستقیم است و معمولاً بازدهی آن نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم در کالای فیزیکی زعفران کمتر خواهد بود. یکی دیگر از عوامل مهم در مقایسه این دو صندوق، ترکیب دارایی‌های آنهاست. در ادامه جزئیات ترکیب دارایی‌های هر دو صندوق ارائه شده است که می‌تواند دیدگاه دقیق‌تری درباره استراتژی‌های مدیریتی و ریسک‌های مرتبط با هر یک از آنها فراهم کند.

بررسی ترکیب دارایی دو صندوق

در بررسی ترکیب دارایی‌های دو صندوق زعفران نهال و سحرخیز، تفاوت‌های قابل توجهی





برای سرمایه گذاران با اهداف و ترجیحات متفاوت، معیار تصمیم گیری باشد.

گواهی سپرده کالایی زعفران و نقش آن در صندوق های سرمایه گذاری گواهی سپرده کالایی زعفران بخش عمده ای از ترکیب دارایی های هر دو صندوق سحر خیز و نهال را تشکیل می دهد و بیشترین وزن را به خود اختصاص داده است. نکته قابل توجه این است که صندوق نهال حدود ۲۰ درصد از دارایی های خود را به سپرده های بانکی اختصاص داده است. این موضوع نیازمند بررسی دقیق تری است، زیرا اگر سود حاصل از سپرده های بانکی کمتر از نرخ تورم باشد، این نوع سرمایه گذاری ممکن است جذابیت کمتری برای سرمایه گذاران داشته باشد. در چنین شرایطی، صندوق سحر خیز با تمرکز بیشتر بر گواهی سپرده کالایی زعفران می تواند گزینه ای مناسب تر باشد.

بهترین زمان خرید صندوق های زعفران

زمان مناسب برای خرید واحدهای صندوق های زعفران، زمانی است که قیمت این واحدها در پایین ترین حد خود قرار دارند و چشم انداز افزایش قیمت زعفران در آینده امیدوار کننده باشد. برای دستیابی به چنین دید گاهی، لازم است عوامل موثر بر قیمت زعفران را بررسی کنیم. مهم ترین این عوامل عبارتند از:

نرخ ارز

زعفران به عنوان کالایی صادراتی، مستقیماً تحت تاثیر نرخ ارز قرار دارد. هر گونه افزایش در نرخ دلار منجر به افزایش قیمت زعفران می شود چرا که این محصول در بازارهای جهانی با ارزهای خارجی معامله می شود.

میزان تولید و عرضه

ایران به عنوان بزرگترین تولیدکننده زعفران در جهان، بیش از ۹۰ درصد تولید جهانی را به خود اختصاص داده است. هر گونه کاهش در تولید زعفران، به دلیل شرایط آب و هوایی یا مشکلات کشاورزی، می تواند عرضه را کاهش دهد و به افزایش قیمت زعفران در بازارهای داخلی و بین المللی منجر شود.

میزان تقاضا

تقاضا در بازارهای داخلی و جهانی یکی دیگر از عوامل کلیدی در تعیین قیمت زعفران است. هر گاه میزان تقاضا افزایش یابد، قیمت این محصول نیز افزایش خواهد یافت. تغییرات

در نحوه تخصیص دارایی ها مشاهده می شود. سهم گواهی سپرده کالایی به عنوان بخش اصلی دارایی ها در هر دو صندوق متفاوت است. در صندوق زعفران سحر خیز، گواهی سپرده کالایی سهم عمده ای معادل ۹۰/۹۱ درصد از دارایی ها را تشکیل می دهد، در حالی که این سهم در صندوق نهال به میزان ۷۱/۷۴ درصد است. این تفاوت نشان می دهد که صندوق سحر خیز تمرکز بیشتری بر دارایی های مرتبط با کالای زعفران دارد.

سپرده های بانکی نیز سهم قابل توجهی در ترکیب دارایی صندوق نهال دارند و ۱۹/۲۸ درصد از کل دارایی ها را تشکیل می دهند، در حالی که این سهم در صندوق سحر خیز تنها ۴/۷۳ درصد است. این موضوع حاکی از رویکرد محتاطانه تر صندوق نهال در نگهداری بخشی از دارایی ها به صورت نقدینگی امن بانکی است.

در بخش سهام، هر دو صندوق سهم بسیار کوچکی به این بخش اختصاص داده اند، به طوری که سهم سهام در صندوق سحر خیز ۰/۰۳ درصد و در صندوق نهال ۰/۰۳ درصد بوده که نشان دهنده عدم تمرکز هر دو صندوق بر بازار سهام است.

اوراق مشارکت نیز در ترکیب دارایی صندوق نهال نقش بیشتری ایفا می کند و ۶۲/۲۸ درصد از کل دارایی ها را شامل می شود، در حالی که این مقدار در صندوق سحر خیز تنها ۰/۴۶ درصد است. وجه نقد در صندوق نهال ۱/۳۹ درصد از دارایی ها را تشکیل می دهد، در حالی که در صندوق سحر خیز این مقدار به ۰/۰۸ درصد محدود می شود.

واحدهای صندوق و سایر دارایی های انبساطی سهمی بسیار کوچک در ترکیب دارایی های هر دو صندوق دارند که نشان دهنده تمرکز اصلی بر دارایی های کلیدی مانند گواهی سپرده کالایی و سپرده های بانکی است.

در مجموع، ترکیب دارایی صندوق نهال تنوع بیشتری دارد و شامل بخش هایی مانند سپرده های بانکی و اوراق مشارکت است که امنیت و ثبات بیشتری برای سرمایه گذاران فراهم می کند. در مقابل، صندوق سحر خیز تمرکز بیشتری بر گواهی سپرده کالایی دارد که نشان دهنده رویکرد تخصصی تر آن در بازار زعفران است. این تفاوت ها می تواند

در نیازهای بازارهای بین‌المللی یا مصرف داخلی می‌تواند تاثیر مستقیمی بر قیمت زعفران داشته باشد.

هزینه‌های تولید

افزایش هزینه‌های تولید زعفران، شامل هزینه‌های ثابت مانند زمین و تجهیزات و هزینه‌های متغیر مانند آبیاری، برداشت و فرآوری، از دیگر عواملی است که به افزایش قیمت زعفران منجر می‌شود. نرخ تورم نقش مهمی در افزایش این هزینه‌ها ایفا کرده و به صورت غیرمستقیم قیمت نهایی زعفران را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

صادرات زعفران و ارتباط آن با زمان مناسب خرید

صادرات زعفران ایران در سال ۱۴۰۲ با وجود افزایش قیمت‌ها و کاهش تولید، به ۲۲۱ تن رسید که در مقایسه با صادرات ۲۱۷ تنی سال ۱۴۰۱، رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد. این افزایش صادرات با شرایط خاص بازار زعفران، از جمله افزایش قیمت و کاهش برداشت، ارتباط مستقیم دارد. در حالی که کل برداشت زعفران در سال زراعی ۱۴۰۲ کمتر از ۱۵۰ تن بوده، تنها در نیمه دوم سال، ۱۲۳ تن از این محصول به کشورهای خارجی صادر شده است. ادامه این روند صادراتی می‌تواند فشار تقاضا را در بازار داخلی زعفران افزایش دهد و منجر به رشد بیشتر قیمت‌ها شود. تحلیل این نوع داده‌ها می‌تواند به سرمایه‌گذاران کمک کند تا چشم‌انداز بهتری از زمان مناسب برای سرمایه‌گذاری در زعفران و صندوق‌های مرتبط با آن داشته باشند.

مزایای سرمایه‌گذاری در صندوق زعفران پتانسیل سودآوری: افزایش قیمت زعفران به دلایلی مانند کاهش عرضه یا افزایش تقاضا می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای کسب سود ایجاد کند.

امنیت و شفافیت: صندوق‌های زعفران تحت نظارت بورس کالا فعالیت کرده و اطلاعات کاملی درباره اساسنامه، امیدنامه و ترکیب دارایی‌های خود را به صورت عمومی منتشر می‌کنند. این شفافیت باعث افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران می‌شود.

حمایت از تولید داخلی: سرمایه‌گذاری در

این صندوق‌ها نه تنها به کسب سود کمک می‌کند، بلکه به طور غیرمستقیم باعث حمایت از تولیدکنندگان زعفران و پایداری این صنعت می‌شود.

سرمایه‌گذاری با مبلغ کم: خرید زمین و کاشت زعفران برای بسیاری از افراد ممکن نیست، اما صندوق‌های زعفران امکان سرمایه‌گذاری غیرمستقیم با مبلغ کوچک‌تر فراهم می‌کنند.

عدم نیاز به نظارت مداوم: مدیریت حرفه‌ای این صندوق‌ها به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد بدون نیاز به نظارت دائمی بر بازار، بازدهی مناسبی کسب کنند.

ریسک متوسط: ریسک سرمایه‌گذاری در صندوق‌های زعفران معمولاً کمتر از خرید سهام است و برای سرمایه‌گذارانی که به دنبال ریسک پایین‌تر هستند گزینه‌ای مناسب به شمار می‌رود.

نقدشوندگی بالا: دارایی‌های صندوق‌های زعفران هر لحظه قابل فروش هستند که این ویژگی به سرمایه‌گذاران امکان نقد کردن سریع دارایی‌ها را می‌دهد.

معایب سرمایه‌گذاری در صندوق زعفران

نوسانات قیمتی: زعفران به شدت تحت تاثیر شرایط محیطی مانند آب و هوا قرار دارد و این موضوع می‌تواند منجر به نوسانات پیش‌بینی نشده در قیمت آن شود.

بازدهی کمتر نسبت به سهام: صندوق‌های زعفران به طور میانگین بازدهی کمتری نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم در سهام دارند البته سرمایه‌گذاری در سهام نیازمند دانش و مهارت کافی است.

هزینه‌های مدیریت صندوق: یکی از نقاط ضعف این نوع سرمایه‌گذاری، هزینه‌های مدیریت صندوق است که از دارایی‌های آن کسر می‌شود و در نهایت بازدهی خالص سرمایه‌گذار را کاهش می‌دهد.

سایر روش‌های سرمایه‌گذاری در زعفران

صندوق سرمایه‌گذاری زعفران تنها روشی است که از طریق آن می‌توان به صورت غیرمستقیم در بورس روی این کالای گرانبها سرمایه‌گذاری کرد. علاوه بر این، چندین روش دیگر نیز برای سرمایه‌گذاری در زعفران وجود دارد که عبارتند از:

گواهی سپرده کالایی زعفران: در این روش سرمایه‌گذاران می‌توانند با خرید گواهی سپرده، به شکل مستقیم زعفران را از بورس خریداری کرده و آن را به صورت فیزیکی (بیش از ۵۰۰ گرم) تحویل بگیرند. می‌توان بدون ورود به فرآیند تحویل فیزیکی، از طریق خرید و فروش این گواهی‌ها، از نوسانات قیمت زعفران سود برد.

قرارداد آتی زعفران: این ابزار مالی به صورت دوطرفه عمل می‌کند؛ به این معنا که سرمایه‌گذاران می‌توانند قرارداد آتی خرید زعفران یا قرارداد آتی فروش زعفران را خریداری کنند. به این ترتیب، امکان کسب سود هم در شرایط کاهش قیمت و هم در شرایط افزایش قیمت وجود دارد. علاوه بر این، برای ورود به این نوع قراردادها نیازی به پرداخت کل ارزش قرارداد نیست و تنها پرداخت درصدی از ارزش قرارداد به عنوان وجه تضمین اولیه کافی است.

قرارداد اختیار معامله زعفران: در این روش نیز معامله‌گران می‌توانند از قراردادهای دوطرفه بهره‌مند شوند. خریداران قرارداد اختیار معامله زعفران (اختیار خرید و اختیار فروش) این حق را دارند که در زمان سررسید، مقدار معینی از زعفران را با قیمت توافق شده خریداری کنند یا بفروشند. این قراردادها برای خریداران تعهدی ایجاد نمی‌کنند، اما فروشندگان هر دو نوع اختیار خرید و اختیار فروش ملزم به تبعیت از تصمیم خریداران هستند. / جهان صنعت

مرکز پژوهش‌های مجلس بررسی کرد

چالش‌ها و موانع اجرای سیاست حداقل دستمزد در ایران

اجرای سیاست حداقل دستمزد بر اساس صنایع، علی‌رغم پتانسیل‌های قانونی موجود در ایران، به دلیل نبود نقشه راه توسعه صنعتی، ضعف ضمانت‌های اجرایی، و موانع ساختاری، همچنان غیرممکن به نظر می‌رسد. در شرایطی که سهم اشتغال غیررسمی بالاست و توان حمایتی دولت محدود است، تحقق این سیاست نیازمند اصلاحات اساسی در نظام تقنینی، تقویت نظارت و تدوین استراتژی‌های مکمل است.

سیاست با سایر سیاست‌های حمایتی مکمل آن در ایران نیز ظرفیت تقنینی تعیین حداقل دستمزد بر اساس صنایع در ماده (۴۱) قانون کار وجود دارد. بر اساس این ماده قانونی می‌توان در حمایت از رسته فعالیت خاص یا کارگرانی خاص حداقل دستمزد صنایع را اجرا کرد. اما تجربه اجرای این سیاست در دنیای نشان داده است که اجرای موثر و هدفمند آن مستلزم شناسایی درست گروه‌های هدف و فراهم‌سازی الزامات اجرایی آن و توجه به رویکرد توسعه‌ای در کنار رویکرد حمایتی است. در این میان، دشواری و پیچیدگی تعیین درست رسته فعالیت‌ها به عنوان گروه هدف در این سیاست، ضرورت وجود نقشه راه یا استراتژی توسعه صنعتی را در کشور نشان می‌دهد.

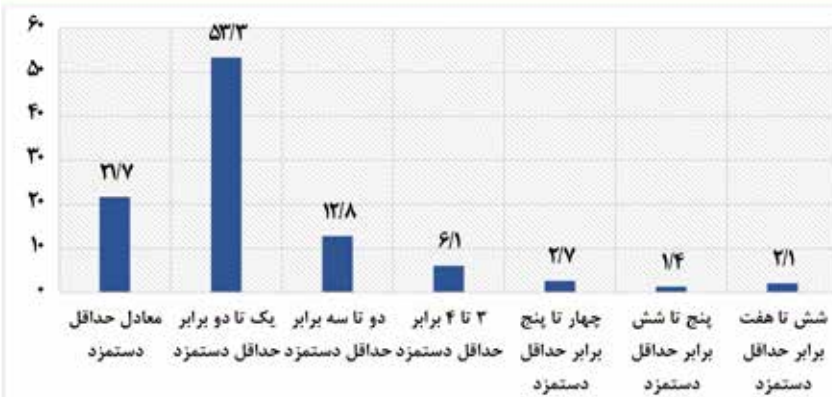
مشاغل سخت بدون دستمزد خاص

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، بررسی‌ها در خصوص اجرای حداقل دستمزد صنایع برای کارگران مشاغل سخت نیز نشان می‌دهد به رغم پتانسیل تقنینی موجود برای این دست از مشاغل نظیر قانون تامین اجتماعی، قانون کار و قانون جدید و اصلاحی بازنشستگی مشاغل سخت و

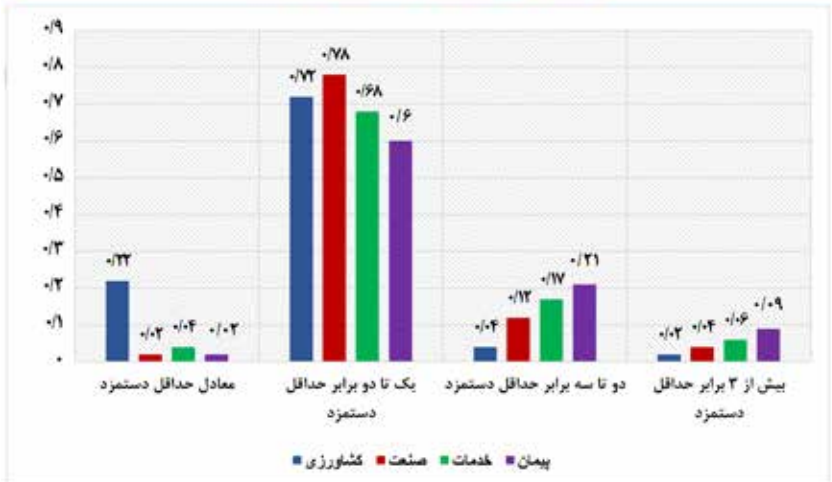
حمایت از کارگران و بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی از طریق تعیین حداقل دستمزد برای نیروی کار صنعتی از سویی، با نبود الزامات اجرایی مواجه است و از سوی دیگر، موانع و چالش‌های متعددی نیز پیش رو دارد. از این رو، بازوی پژوهشی مجلس تصریح کرده که در حال حاضر اجرای این سیاست غیرممکن است.

آنگونه که مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش کرده، با وجود ظرفیت تقنینی ماده (۴۱) قانون کار در تعیین حداقل دستمزد صنایع در ایران اما به دلیل دشواری و پیچیدگی تعیین گروه هدف، نبود نقشه راه و استراتژی توسعه صنعتی، عدم عزم و اراده دولت در تقویت نقش حمایتی و تعریف بسته‌های مکمل، عدم ظرفیت تقنینی و اجرایی برای تامین مالی آن، مشکلات معیشتی کارگران در شرایط کنونی، سهم بالای اشتغال غیررسمی و ضمانت اجرایی پایین و ساختار شکننده و آسیب‌پذیر تولید الزامات اجرایی این سیاست در کشور فراهم نیست و موانع و محدودیت‌های متعدد قانونی و ساختاری پیش روی اجرای آن وجود دارد که به مراتب، شرایط را برای اجرای این سیاست دشوارتر می‌کند و در نهایت به دلیل کم‌رنگ بودن منافع حاصل از اجرای این سیاست در مقابل هزینه‌ها و محدودیت‌های آن اجرای این سیاست در شرایط فعلی توصیه نمی‌شود. اما پیشنهاد می‌شود تهیه و تدوین استراتژی توسعه صنعتی، تقویت نقش حمایتی دولت، رسمی‌سازی اشتغال غیررسمی و افزایش تعداد ذی‌نفعان و افزایش ضمانت اجرایی این سیاست در کنار رفع محدودیت‌ها و موانع بر شمرده در دستور کار دولت قرار گیرد. بر اساس نتایج سازمان جهانی کار حداقل دستمزد با توجه به صنایع، یکی از انواع حداقل دستمزد در دنیا است که رویکرد کلی آن حمایت از کارگران یا بنگاه‌های کوچک آسیب‌دیده است. در این شیوه بر اساس اندازه بنگاه یا رسته فعالیت خاص دستمزد متفاوت تعیین می‌شود. در این روش مبنای تعیین دستمزد چانه‌زنی بین تشکل‌ها در بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی است یا اینکه در صورت عدم تشکل‌ها، دولت تعیین می‌کند. بیشترین پراکندگی اجرای این سیاست در کشورهای در حال توسعه بوده که اثر بخشی چندانی هم نداشته است. از مهم‌ترین دلایل آن عبارتند از: تمرکز صرف بر رویکرد حمایتی، عدم دقت در تشخیص گروه هدف، پیچیدگی روش، سهم بالای اشتغال غیررسمی و ضمانت اجرایی پایین، فقدان نهادهای اجرایی و نظارتی قوی، فقدان تشکل‌های قوی در سطح بخش‌ها و زیربخش‌ها، عدم هم‌زمانی این

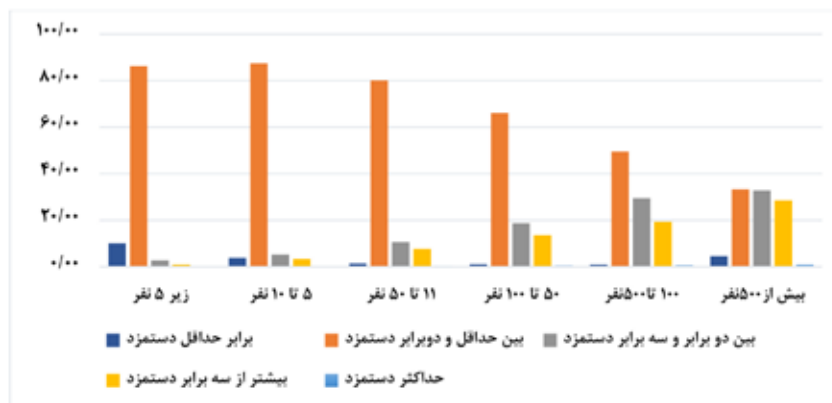
شکل ۱. نمودار سهم گروه‌های مختلف دستمزدی از کل بیمه‌شدگان (درصد) [۱۲]



شکل ۲. نمودار سهم رده دستمزدی به تفکیک بخش (درصد) [۱۲]



شکل ۳. نمودار توزیع دستمزد بر اساس سائز بنگاه [۱۲]



جدول ۱. بنگاه‌ها به تفکیک سائز بنگاه در سال ۱۴۰۱ [۱۲]

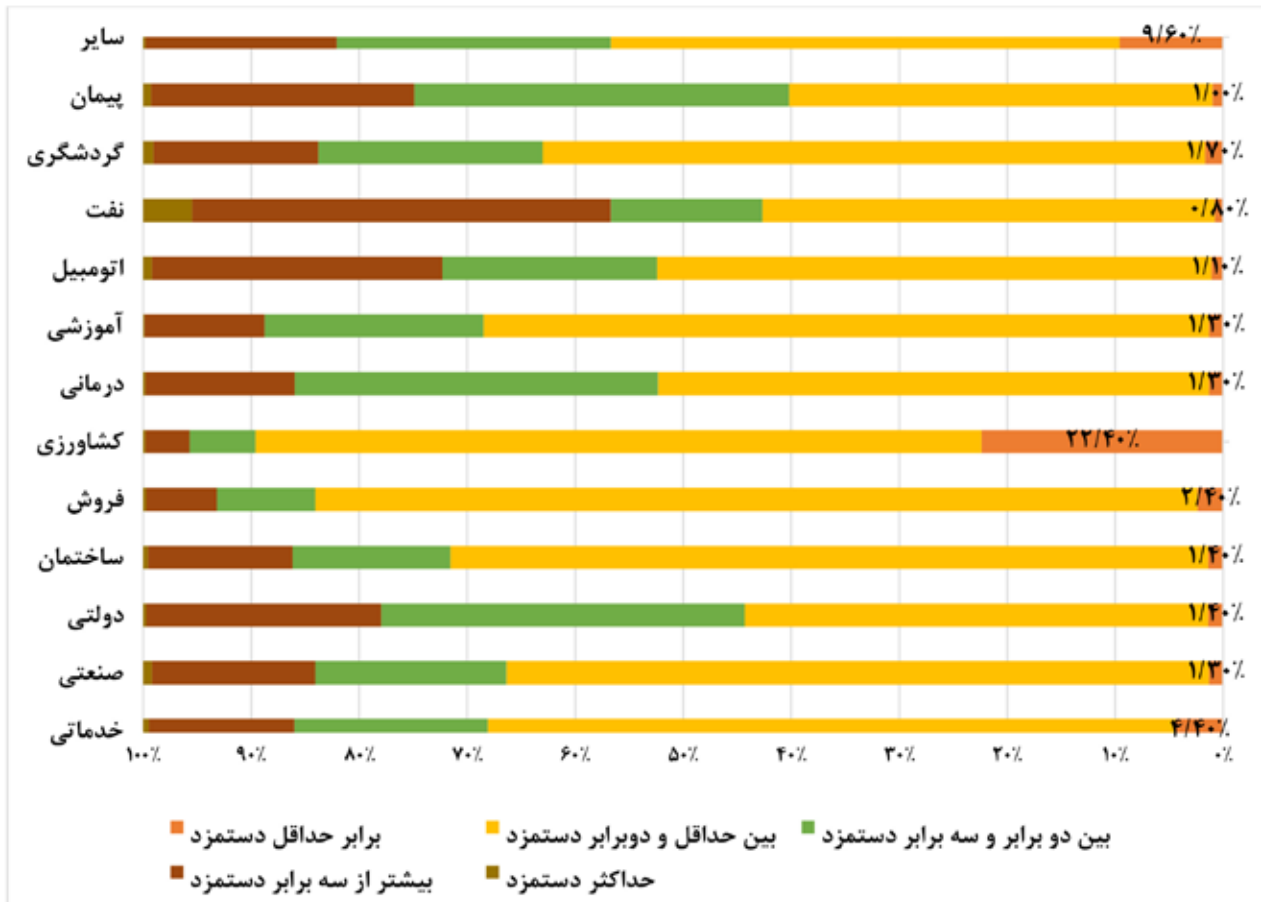
| رده نقراتی کارگاه | تعداد کارگاه | تعداد بیمه شده | نسبت بیمه شده به کارگاه |
|-------------------|--------------|----------------|-------------------------|
| زیر ۵ نفر | ۹۸۱,۷۴۲ | ۱,۸۸۶,۶۶۲ | ۱.۹۲ |
| ۵-۱۰ نفر | ۱۰۶,۷۲۲ | ۷۹۴,۵۰۰ | ۷.۴۴ |
| ۱۱-۵۰ نفر | ۱۰۰,۰۷۴ | ۲,۱۰۰,۶۰۴ | ۲۰.۹۹ |
| ۵۱-۱۰۰ نفر | ۱۳,۴۲۷ | ۹۳۷,۸۱۰ | ۶۹.۸۵ |
| ۱۰۱-۵۰۰ نفر | ۱۲,۵۲۹ | ۲,۶۲۴,۲۵۲ | ۲۰۹.۳۵ |
| بالای ۵۰۰ نفر | ۲,۲۲۹ | ۲,۵۷۷,۳۷۸ | ۱۱۴۲.۸۸ |
| جمع | ۱,۲۱۶,۷۲۳ | ۱۰,۸۹۱,۳۸۶ | ۸.۹۵ |

ماده (۴۱) قانون کار و نامشخص بودن مفهوم صنایع ناکافی بودن معیارهای ماده (۴۱) قانون کار برای تعیین حداقل دستمزد بر اساس صنایع فقدان اتحادیه و تشکل‌های قوی در سطح بخش

زیان‌آور و تعریف احکامی در خصوص مدت زمان کار مرخصی بیمه و بازنشستگی اما حکم مشخصی در خصوص نحوه محاسبه حداقل دستمزد این مشاغل دیده نمی‌شود و این یک خلأ قانونی به حساب می‌آید. همچنین محاسبات نشان می‌دهد با توجه به ساعت کاری کمتر (شش ساعت در روز) مشاغل سخت و زیان‌آور کارگران این مشاغل در مقایسه با کارگران عادی حداقل دستمزد بیشتری می‌گیرند و کارگران مشاغل سخت و زیان‌آور در حال حاضر حداقل دستمزد متفاوتی دریافت می‌کنند. البته این بدین معناییست که این میزان حداقل دستمزد برای این مشاغل کافی است و این انتقاد وجود دارد که در شرایط فعلی حداقل دستمزد کارگران برای تامین معیشت آنان کافی نیست و لازم است حکم مشخصی برای تعیین دستمزد این مشاغل ارائه شود. در خصوص افزایش حداقل دستمزد به منظور حمایت از کارگران شاغل در مشاغل کم درآمد نیز با توجه به ساختار آسیب‌پذیر تولید در این بخش‌ها امکان اجرای موفق افزایش حداقل دستمزد و انتفاع کارگران از این سیاست بسیار کم است کما اینکه به دلیل سهم بالای اشتغال غیررسمی اجرای این سیاست ضمانت اجرایی قابل قبولی نخواهد داشت. بنابراین تعریف حداقل دستمزد صنایع برای کارگران این مشاغل هم موضوعیت ندارد.

موانع تقنینی

الزامات اجرایی پیش‌نیازهای لازم برای اجرا نشان می‌دهد اما بررسی مسیر اجرا و چالش‌ها و موانع پیش‌روی آن هم مهم است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که موانع و چالش‌های تقنینی و ساختاری متعددی پیش‌روی اجرای حداقل دستمزد صنایع وجود دارد که برخی از این چالش‌ها کلی بوده و برای هر گروه هدفی وارد است از جمله ضرورت اصلاح ماده (۱۶۷) قانون کار و ساختار چانه‌زنی فعلی، ضرورت تقویت نقش حمایتی دولت در خصوص بهبود تامین مالی، دسترسی به بازار مشوق‌های مالیاتی یارانه دستمزد، افزایش بهره‌وری و تامین معیشت کارگران و پیش‌بینی منابع مالی لازم در قوانین بودجه سنواتی ابهام در



وجود دارد اما هنوز زود است که برای اجرا یا عدم اجرای آن تصمیم گیری شود. به این منظور در بخش دیگر مطالعه توزیع پراکندگی اجرای این سیاست در بین شاغلان احصا شده است تا تعداد شاغلان ذی نفع از اجرای این سیاست به دست آید این در حالی است که بررسی ها نشان می دهد با وجود سهم بالای اشتغال غیر رسمی که خود ضمانت اجرای این سیاست را پایین می آورد تعداد شاغلان حداقل بگیر دارای اشتغال رسمی و ذی نفع از اجرای این سیاست هم بسیار کم است و در غالب رسته فعالیت ها تمرکز در یافتی شاغلان در حدود دو یا سه برابر حداقل دستمزد است. به عنوان مثال، به جز بخش کشاورزی که حدود ۲۲ درصد از شاغلان آن حداقل بگیر هستند در سایر بخش ها کمتر از یک درصد از شاغلان حداقل دستمزد را می گیرند و حتی سهم شاغلان حداقل بگیر در بین رسته های مختلف به جز بخش کشاورزی کمتر از ۱۰ درصد و در بنگاه های خرد و کوچک در حدود ۱۴ درصد است بنابراین تعداد شاغلان ذی نفع در اجرای این سیاست هم بسیار کم است.

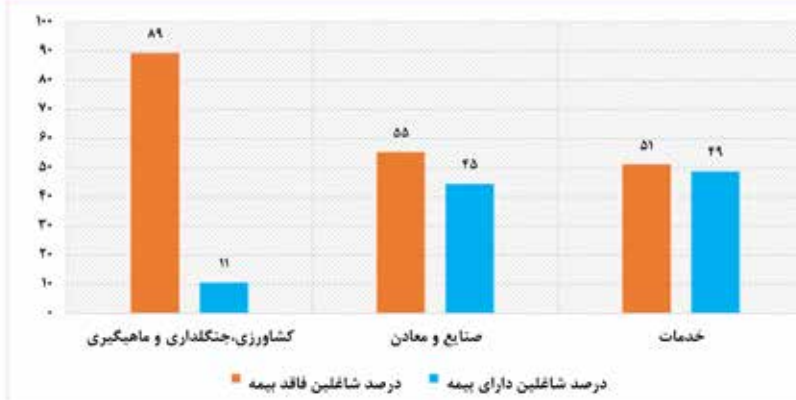
ناکارآمدی حداقل دستمزد

انتخاب رویکرد حداقل دستمزد می تواند بسیار ساده یا پیچیده باشد. در برخی کشورها فقط یک نرخ ثابت برای کل کشور تعیین می شود، در حالی که دیگر کشورها نرخ هایی را بر اساس نوع شغل، بخش فعالیت، منطقه جغرافیایی یا اندازه شرکت مشخص می کنند. هر کدام از این روش ها بر اساس اهداف خاص سیاستگذاران طراحی شده اند. در کشورهایی که تشکل های کارگری قوی دارند، دستمزد از طریق مذاکره در هر بخش مشخص می شود. برای مثال در آلمان، برای بخش ساختمان وزیر مجموعه های آن شامل نقاشی، تاسیسات، سقف بندی و ... دستمزدهای متفاوتی تعیین می شود. در حالی که در کشورهایی که تشکل های کارگری قوی ندارند، دولت حداقل دستمزد را تعیین می کند. بر اساس گزارش مرکز پژوهش های مجلس، سیاست حداقل دستمزد صنایع معمولاً با دو

و زیربخش های اقتصادی، فقدان نظام آمار و اطلاعات جامع و کامل از بخش تقاضای بازار کار، فقدان نهادهای نظارتی قوی در دولت برای ارزیابی عملکرد اجرای آن. همچنین به طور خاص در اجرای سیاست حداقل دستمزد بر اساس رسته فعالیت های این موانع وجود دارد: فقدان اطلاعات بیمه ای، پیچیدگی های مربوط به محاسبات بیمه، چالش های تفکیک رسته ها در هلدینگ ها و بنگاه های بزرگ و احتمال افزایش جابه جایی بین رسته ای نیروی کار در یک بخش، عدم ابزارهای نهادی و سازمانی برای تقویت نظارت در اجرای حداقل دستمزد بر اساس اندازه بنگاه هم موانعی نظیر احتمال اقماری شدن شرکت های بزرگ، عدم انگیزه در استخدام و توسعه بنگاه تشخیص نادرست گروه هدف به دلیل توجه صرف به اندازه بنگاه و عدم توجه به سایر مولفه ها، مثل میزان سوددهی و ... وجود دارد.

این مطالب نشان می دهد به رغم فراهم نبودن الزامات اجرایی این سیاست موانع و چالش های متعددی هم پیش روی اجرای آن

شکل ۵. نمودار سهم اشتغال رسمی و غیررسمی در بخش‌های مختلف اقتصادی در سال ۱۴۰۱



منبع: محاسبه‌های محقق بر اساس داده‌های خام طرح آمارگیری نیروی کار.

بدون داشتن استراتژی توسعه صنعتی نمی‌توان به تحقق آن امیدوار بود. از طرف دیگر این سیاست باید مدت اجرای مشخصی داشته باشد و در کنار سایر سیاست‌های حمایتی مثل بهبود تامین مالی، دسترسی به بازار، مشوق‌های مالیاتی، افزایش بهره‌وری و پرداخت یارانه دستمزد اجرا شود که در حال حاضر، چنین بسته سیاستی در کشور وجود ندارد.

هدف حداقل دستمزد صنایع

بر اساس گزارش بازوی پژوهشی مجلس، منطق تعیین حداقل دستمزد بر اساس نوع صنعت، حمایت از کارگران با درآمد پایین و بنگاه‌های خرد و کوچک با توان پرداخت محدود است. با این حال در ایران تاکنون این سیاست نه تنها اجرا نشده، بلکه حتی مورد آزمایش نیز قرار نگرفته است و هر ساله یک دستمزد سراسری و یکسان برای تمام بخش‌ها تعیین می‌شود.

از طرفی بررسی‌ها نشان می‌دهد کاهش حداقل دستمزد در بخش‌ها یا فعالیت‌های خاص می‌تواند به عنوان ابزاری حمایتی برای کاهش هزینه تولید و رونق آن بخش‌ها در نظر گرفته شود اما موفقیت این سیاست در گروی وجود یک نقشه راه یا استراتژی توسعه صنعتی مشخص است که در آن ضرورت حمایت از این رشته یا فعالیت در مسیر توسعه صنعتی مورد تاکید قرار گرفته و هزینه تولید به عنوان یکی از موانع رشد و رونق مشخص شده باشد.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در حال حاضر نبود چنین نقشه راهی در ایران، شناسایی دقیق گروه‌های هدف برای سیاست تعیین حداقل دستمزد بر اساس صنایع رادشوار کرده است. بنابراین اگر سیاست کاهش حداقل دستمزد برای حمایت از یک فعالیت خاص، با هدف افزایش رشد و رونق اقتصادی انجام می‌شود،

جدول ۲. درصد شاغلان دارای بیمه بر اساس سایز بنگاه در سال ۱۴۰۱

| عنوان | درصد شاغلان دارای بیمه | درصد شاغلان فاقد بیمه |
|----------------|------------------------|-----------------------|
| زیر ۵ نفر | ۴۱ | ۷۹ |
| زیر ۱۰ نفر | ۵۰ | ۵۰ |
| بین ۱۰-۵۰ نفر | ۷۷ | ۲۳ |
| ۵۰ نفر و بیشتر | ۹۲ | ۸ |

منبع: محاسبه‌های محقق بر اساس داده‌های خام طرح آمارگیری نیروی کار.

دستمزد دوهزین تولید

یکی دیگر از گروه‌های هدف سیاست تعیین دستمزد بر اساس صنایع، کارگرانی هستند که در مشاغل با درآمد پایین فعالیت می‌کنند. افزایش دستمزد این گروه‌ها می‌تواند هزینه تولید را بالا ببرد و به دلیل سودآوری پایین این مشاغل، منجر به تعدیل یا اخراج نیرو شود. از سوی دیگر، چون بسیاری از این فعالیت‌ها در بخش غیررسمی هستند، اجرای این سیاست نیز ضمانت کافی ندارد. این شرایط نشان می‌دهد تعیین دستمزد بر اساس صنایع برای این گروه مشاغل، به‌ویژه بار و بیکرد افزایش حداقل دستمزد کارآمد نیست.

ساختار ضعیف و شکننده این مشاغل و سطح بالای اشتغال غیررسمی، مانع از بهره‌مندی کارگران این بخش‌ها از چنین سیاست‌هایی می‌شود.

به جای آن، تقویت نقش حمایتی دولت، تدوین بسته‌های حمایتی هدفمند و فراهم کردن آموزش، افزایش مهارت و بهره‌وری می‌تواند راه حل موثرتری باشد. ذی‌نفعان اصلی سیاست حداقل دستمزد صنایع، شاغلان حداقل بگیر هستند زیرا هدف این سیاست پرداخت قطعی حداقل دستمزد به این شاغلان است. با این حال با توجه به این موضوع که در هر یک از بخش‌های اقتصادی کشور ۵۰ درصد از شاغلان فاقد بیمه هستند باید گفت ضمانت اجرایی برای سیاست تعیین حداقل دستمزد صنایع پایین است.

از طرفی بر اساس داده‌های سازمان تامین اجتماعی، حدود ۲۱/۷ درصد از کل بیمه‌شدگان معادل حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند و بیشترین تراکم درآمدی در بین بیمه‌شدگان، در بازه یک تا دو برابر حداقل دستمزد قرار دارد. به عبارت دیگر بخش زیادی از شاغلان جزو ذی‌نفعان سیاست تعیین حداقل دستمزد قرار نمی‌گیرند، چراکه اصلاً یا جزو بیمه‌شدگان تامین اجتماعی قرار ندارند یا در محدوده حقوق‌های بالا قرار دارند.

MEGA PROJECT

ابر

پروژه‌های بزرگ در حال رشد هستند این سرمایه‌گذار خلیج فارس متمرکز



پروژه جاه طلبانه شهر نئوم مجموعه‌ای از شهرهای آینده‌نگر است که در شمال غربی عربستان سعودی ساخته می‌شود. شهر The Line، به دلیل برنامه‌ریزی به عنوان یک شهر کاملاً محصور و خطی، بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. پیش‌بینی می‌شود این پروژه به طول ۲۰۴ کیلومتر و عرض ۲۰۰ متر (ارتفاع ۵۰۰ متر) تا سال ۲۰۳۰ حدود ۳۰۰ هزار نفر را در خود جای دهد.

شهر سلیک در شمال کویت بلندترین برج آینده جهان را خواهد داشت.



میلیار



شهر ملک

۱۲۳
میلیار دلار



شهر ابریشم کویت

۲۳۰
میلیار دلار



ایستگاه فضایی بین‌المللی

۲۵۰
میلیار دلار



خط راه آهن خلیج

۵۰۰
میلیار دلار



شهر نئوم عربستان

۶۰۰
میلیار دلار



شبکه راه آهن اروپا



شبکه حمل و نقل بین اروپایی اتحادیه اروپا شامل ساخت خطوط راه آهن، جاده‌ها، مسیرهای کشتیرانی و سازه‌های مرتبط در کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای بهبود حمل و نقل از راه دور است. برای ارتقای زیرساخت در این پروژه بزرگ ۶۰۰ میلیارد دلار هزینه تخمین زده می‌شود.





California

قطارهای راه آهن سریع کالیفرنیا قرار است با سرعت ۲۲۰ مایل بر ساعت (حدود ۳۵۴ کیلومتر بر ساعت) در سرتاسر ساحل غربی آمریکا جابه جا شوند.

پروژه‌ها

از مجموع ۹ پروژه بزرگ در حال انجام که با هزینه ۱۰۰ میلیارد دلار یا بیشتر شناسایی شده است، چهار پروژه در کشورهای عربی خلیج فارس ساخته شده است.

در سطح جهانی هستند. بسیاری از آنها در منطقه کز شده‌اند.

برخی از پروژه‌ها نیز یا متوقف شده یا با شکست مواجه شده‌اند. مانند پروژه ۲۰۰۰ کیلومتری ۲۵۰ میلیارد دلاری اتصال راه آهن کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس. این پروژه در ابتدا قرار بود تا سال ۲۰۱۸ تکمیل شود، ولی فعلاً متوقف مانده است.

یک پروژه بزرگ در منطقه که به نظر می‌آید لغو شده، مجتمع تفریحی و گردشگری دوبیلند است. در ابتدا برای پروژه دوبیلند ۶۴ میلیارد دلار هزینه برآورد شده بود.



Dubailand



شهر اقتصادی ملک عبدالله در سواحل دریای سرخ با ۱۷۳ کیلومتر مربع مساحت در سال ۲۰۰۵ میلادی شروع به ساخت کرد.



Silk



Malaysia

شهر جنگلی مالزی یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های عمرانی مالزی است که در شهر جوهور بهرو واقع شده است.



۱۰۰ میلیارد دلار



مرکز داده‌های هوش مصنوعی مایکروسافت

۱۰۰ میلیارد دلار



شهر جنگلی مالزی

۱۰۰ میلیارد دلار



راه آهن سریع کالیفرنیا

۱۰۰ میلیارد دلار



کریدور صنعتی دهلی-بمبئی هندوستان

۱۰۰ میلیارد دلار



اقتصادی عبدالله

هوش مصنوعی و تحول تجارت جهانی فرصت‌ها و چالش‌ها

سازمان تجارت جهانی در گزارشی با عنوان «تجارت هوشمند» به بررسی نقش هوش مصنوعی در کاهش هزینه‌های تجاری، گسترش خدمات دیجیتال، و بازتعریف مزیت‌های اقتصادی پرداخته است. این گزارش ضمن تحلیل فرصت‌ها، چالش‌هایی مانند پراکندگی مقررات و نابرابری در دسترسی به این فناوری را بررسی کرده و تأثیر هوش مصنوعی بر آینده تجارت بین‌المللی را پیش‌بینی می‌کند.

ارائه شده‌اند.

این گزارش استدلال می‌کند که هوش مصنوعی می‌تواند با ساده‌سازی فرآیندهای لجستیکی و گمرکی، مدیریت زنجیره تامین و الزامات تطابق با مقررات، هزینه‌های تجارت را کاهش دهد. همچنین این فناوری می‌تواند فرصت‌هایی را برای اقتصادهای در حال توسعه و کسب و کارهای کوچک فراهم کند تا بر موانع تجاری غلبه کرده و در بازارهای جهانی رقابت کنند.

در سناریوی خوش‌بینانه پذیرش جهانی هوش مصنوعی و رشد بهره‌وری بالاتر تا سال ۲۰۴۰، این گزارش پیش‌بینی می‌کند که تجارت جهانی می‌تواند رشدی معادل ۱۴ درصد داشته باشد. در مقابل، در سناریوی محتاطانه، با پذیرش نابرابر هوش مصنوعی و رشد کم بهره‌وری، رشد تجارت جهانی تنها به ۷ درصد محدود می‌شود.

این گزارش همچنین به اهمیت هوش مصنوعی در تغییر الگوهای تجارت خدمات، به ویژه خدمات دیجیتال اشاره کرده و پیش‌بینی می‌کند که این خدمات در سناریوی خوش‌بینانه می‌توانند رشد تجمعی نزدیک به ۱۸ درصد را تجربه کنند.

علاوه بر فرصت‌ها، گزارش به چالش‌های مهمی مانند شکاف میان کشورهای در استفاده از هوش مصنوعی، مسائل حاکمیت داده‌ها و نیاز به اعتمادپذیری هوش مصنوعی نیز پرداخته است. همچنین خطرات ناشی از پراکندگی مقررات و تأثیر آن بر هماهنگی جهانی در استفاده از هوش مصنوعی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

این گزارش نقش سازمان تجارت جهانی را به عنوان بستری برای مذاکره و قانون‌گذاری در کاهش این چالش‌ها برجسته کرده و پیشنهاداتی را برای ایجاد چارچوبی چندجانبه و هماهنگ ارائه داده است. در این چارچوب، استفاده از هوش مصنوعی به طور موثر مدیریت و همزمان، مزایای آن به صورت عادلانه میان کشورهای بخش‌های مختلف اقتصادی توزیع می‌شود.

در گزارش بانک جهانی که مرکز پژوهش‌های اتاق ایران آن را ترجمه کرده است، به این پرسش پاسخ داده شده که هوش مصنوعی چگونه تجارت بین‌المللی را شکل می‌دهد؟

تأثیر هوش مصنوعی بر تجارت بین‌المللی: فرصت‌ها و چالش‌ها

هوش مصنوعی از چندین جنبه کلیدی با سایر فناوری‌های دیجیتال متمایز است و می‌تواند تأثیری عمیق بر تجارت بین‌المللی داشته باشد. این فناوری به عنوان یک فناوری چندمنظوره با

هوش مصنوعی (AI) به عنوان پیشرفته‌ترین فناوری، در حال تغییر چهره تجارت بین‌المللی است. در همین راستا اخیراً سازمان تجارت جهانی گزارشی تحت عنوان «تجارت هوشمند: چگونه هوش مصنوعی تجارت بین‌المللی را شکل می‌دهد و توسط آن شکل می‌گیرد» را با هدف بررسی نقش هوش مصنوعی در کاهش هزینه‌های تجاری، افزایش تجارت خدمات، رشد کالاها و خدمات مرتبط با هوش مصنوعی و بازتعریف مزیت‌های نسبی اقتصادی کشورها تدوین کرده است. این گزارش همچنین به چالش‌های ناشی از پراکندگی مقررات در حوزه هوش مصنوعی پرداخته و تأثیرات آن بر فرصت‌های تجاری، به ویژه برای کسب و کارهای خرد، کوچک و متوسط را بررسی می‌کند.

مدیرکل سازمان تجارت جهانی، نگوزی اوکونجو ایوالا، در مقدمه این گزارش دو سوال کلیدی را مطرح می‌کند: «چگونه می‌توان از گسترش عادلانه مزایای هوش مصنوعی اطمینان حاصل کرد و چگونه می‌توان چالش‌های ناشی از این فناوری را به صورت جهانی و هماهنگ مدیریت کرد؟» این پرسش‌ها زمینه‌ساز تحلیل‌های جامعی هستند که در این گزارش

انعطاف پذیری و کارایی بی سابقه‌ای قابلیت انطباق با وظایف و دامنه‌های مختلف را دارد. هوش مصنوعی وابسته به مجموعه داده‌های بزرگ برای یادگیری و بهبود عملکرد خود است، کارکردها و توانمندی‌های آن به سرعت تکامل یافته و باعث ایجاد تغییرات پویا در قابلیت‌ها و میزان خود مختاری این فناوری می‌شود.

پیچیدگی ذاتی و عدم شفافیت هوش مصنوعی همراه با احتمال بروز خطاها و تعصبات، نگرانی‌هایی جدی درباره تصمیمات و توصیه‌های مبتنی بر این فناوری اخلاقیات و پیامدهای اجتماعی گسترده‌تر ایجاد کرده است. هوش مصنوعی توانایی کاهش هزینه‌های مرتبط با لجستیک تجاری، مدیریت زنجیره تامین و رعایت مقررات را دارد. این فناوری می‌تواند فرآیندهای گمرکی و کنترل مرزی را خودکار و ساده کرده، مقررات پیچیده تجاری را مدیریت و ریسک‌ها را پیش‌بینی کند. ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی با تحلیل داده‌ها در زمان واقعی و ارائه بینش‌های پیش‌بینی‌کننده، زنجیره تامین را بهبود می‌بخشند. این پیشرفت‌ها نه تنها هزینه‌های تجاری را کاهش می‌دهند بلکه ورود کسب و کارهای کوچک و کشورهای در حال توسعه به بازارهای جهانی را تسهیل می‌کنند.

هوش مصنوعی می‌تواند الگوهای تجارت خدمات به ویژه خدمات دیجیتالی را دگرگون کند. این فناوری بهره‌وری را به ویژه در بخش‌هایی که به فرآیندهای دستی وابسته‌اند افزایش داده و خدمات نوآورانه‌ای ایجاد می‌کند که تقاضا برای آنها را بالا می‌برد. در مقابل ممکن است تقاضا برای خدمات سنتی کاهش یافته و نیاز به برون‌سپاری برخی خدمات کمتر شود. علاوه بر این هوش مصنوعی تقاضا و تجارت محصولات مرتبط با فناوری را افزایش می‌دهد. این فناوری نیاز به زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و تجهیزات فناوری اطلاعات (IT) را تقویت کرده و به توسعه این حوزه‌ها شتاب بخشیده است.

هوش مصنوعی با افزایش بهره‌وری در تمامی بخش‌های اقتصادی مزیت‌های نسبی اقتصادها را بازتعریف می‌کند. این فناوری



با تاثیرگذاری بر ترکیب نهاده‌های تولید، سرمایه‌گذاری در حوزه سرمایه را بر نیروی کار ترجیح می‌دهد با این حال توسعه و کنترل فناوری هوش مصنوعی به احتمال زیاد در اقتصادها و شرکت‌های بزرگ متمرکز باقی خواهد ماند که این امر می‌تواند به تمرکز صنعتی منجر شود. در مجموع هوش مصنوعی پتانسیل ایجاد منافع قابل توجه برای تمامی اقتصادها را دارد اما پیامدهای سیاست‌گذاری و تنظیم این فناوری نیازمند همکاری جهانی و مدیریت دقیق است تا از توزیع عادلانه مزایا و کاهش ریسک‌ها اطمینان حاصل شود.

پذیرش هوش مصنوعی و تاثیرات آن بر تجارت جهانی

پذیرش هوش مصنوعی با افزایش بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصادی و کاهش هزینه‌های تجاری دستاوردهای قابل توجهی در تجارت جهانی و تولید ناخالص داخلی به همراه خواهد داشت. بر اساس شبیه‌سازی‌های انجام شده توسط مدل تجارت جهانی سازمان تجارت جهانی در سناریوی خوشبینانه‌ای که پذیرش جهانی هوش مصنوعی و رشد بالای بهره‌وری را شامل می‌شود، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۴۰ رشد واقعی تجارت جهانی تا ۱۴ افزایش باید در مقابل در سناریوی محتاطانه با پذیرش نابرابر هوش مصنوعی و رشد پایین بهره‌وری این میزان به کمتر از ۷ درصد محدود خواهد شد.

شبیه‌سازی‌ها همچنین نشان می‌دهند که اقتصادهای با درآمد بالا بیشترین دستاوردهای بهره‌وری را تجربه می‌کنند در حالی که اقتصادهای با درآمد پایین ظرفیت بیشتری برای کاهش هزینه‌های تجاری دارند. تاثیر هوش مصنوعی بر تجارت و تولید ناخالص داخلی به ویژه در اقتصادهای با درآمد پایین در صورت پذیرش گسترده و ایجاد بسترهای مناسب می‌تواند بسیار چشمگیر باشد، به طوری که رشد تجارت این اقتصادها در سناریوی خوشبینانه به ۱۸۱ درصد می‌رسد، در حالی که در سناریوی پذیرش نابرابر این رقم به ۶۵ درصد کاهش می‌یابد.

خدمات دیجیتال نیروی محرک در تحول تجارت جهانی

شبیه‌سازی‌ها نشان می‌دهند که خدمات دیجیتالی بیشترین سهم را در رشد تجارت جهانی تحت تاثیر هوش مصنوعی خواهند داشت. پیش‌بینی می‌شود در سناریوی پذیرش گسترده هوش مصنوعی، تجارت خدمات دیجیتال تجمعاً رشدی نزدیک به ۱۸ درصد نسبت به سناریوی پایه داشته باشد. این افزایش بزرگ‌ترین رشد در میان تمامی بخش‌ها و ناشی از کاهش هزینه‌های تجاری و افزایش کارایی در ارائه خدمات است. از جمله خدماتی که انتظار می‌رود بیشترین تاثیر را از این رشد بپذیرند می‌توان به آموزش مراقبت‌های بهداشتی خدمات تفریحی مالی و نیز تولید مواد غذایی فرآوری شده اشاره کرد. در مقابل، بخش‌هایی مانند استخراج

منابع طبیعی و صنایع نساجی احتمالاً رشد محدودی را تجربه خواهند کرد.

چالش‌ها و پیامدها

پذیرش هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی: پذیرش و بهره‌برداری از هوش مصنوعی در تجارت بین‌المللی با وجود ارائه فرصت‌های بی‌نظیر چالش‌های عمده‌ای نیز به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها گسترش شکاف‌ها میان کشورها و شرکت‌ها در بهره‌گیری از این فناوری پیشرفته است. در حال حاضر ظرفیت توسعه هوش مصنوعی به طور عمده در چند اقتصاد بزرگ به ویژه ایالات متحده و چین متمرکز شده است. این تمرکز می‌تواند شکاف‌های موجود میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را عمق بخشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه را با محدودیت‌هایی مواجه کند.

یارانه‌های دولتی برای پیشبرد هوش مصنوعی و تمرکز صنعت در دستان تعداد محدودی از شرکت‌های بزرگ می‌تواند این شکاف‌ها را تشدید کند. افزون بر این عدم شفافیت الگوریتم‌های هوش مصنوعی و احتمال تبانی غیرمستقیم میان شرکت‌های بزرگ برای حفظ قیمت‌های بالاتر چالش‌های پیچیده‌ای را برای نهادهای نظارتی ایجاد می‌کند، علاوه بر این ناهماهنگی در تنظیم مقررات مرتبط با هوش مصنوعی می‌تواند به پراکندگی قوانین و موانعی در مسیر تجارت جهانی منجر شود، بنابراین بهره‌برداری کامل از فرصت‌های هوش مصنوعی و کاهش ریسک‌های ناشی از آن مستلزم همکاری جهانی و تنظیم دقیق و هماهنگ سیاست‌های مرتبط با این فناوری است. برای این منظور اقتصادهای در حال توسعه می‌توانند با تقویت زیرساخت‌های دیجیتال، ارتقای مهارت‌های نیروی کار، افزایش نوآوری و بهبود ظرفیت‌های نظارتی، آمادگی بیشتری برای پذیرش و بهره‌برداری از هوش مصنوعی به دست آورند.

ظهور هوش مصنوعی همچنین مسائل مهمی را در زمینه حاکمیت داده‌ها ایجاد کرده است که نیازمند توجه ویژه‌ای هستند تا از

ایجاد موانع اضافی در تجارت دیجیتال جلوگیری شود. جریان‌های داده‌های فرامرزی برای هوش مصنوعی امری حیاتی هستند زیرا این فناوری برای آموزش مدل‌ها و کاهش تعصبات احتمالی به حجم وسیعی از داده‌ها نیاز دارد بنابراین اعمال محدودیت بر جریان داده‌ها می‌تواند نوآوری و توسعه هوش مصنوعی را کند کرده و هزینه‌های شرکت‌ها را افزایش دهد که این امر در نهایت بر تجارت محصولات مجهز به هوش مصنوعی تأثیر منفی خواهد گذاشت.

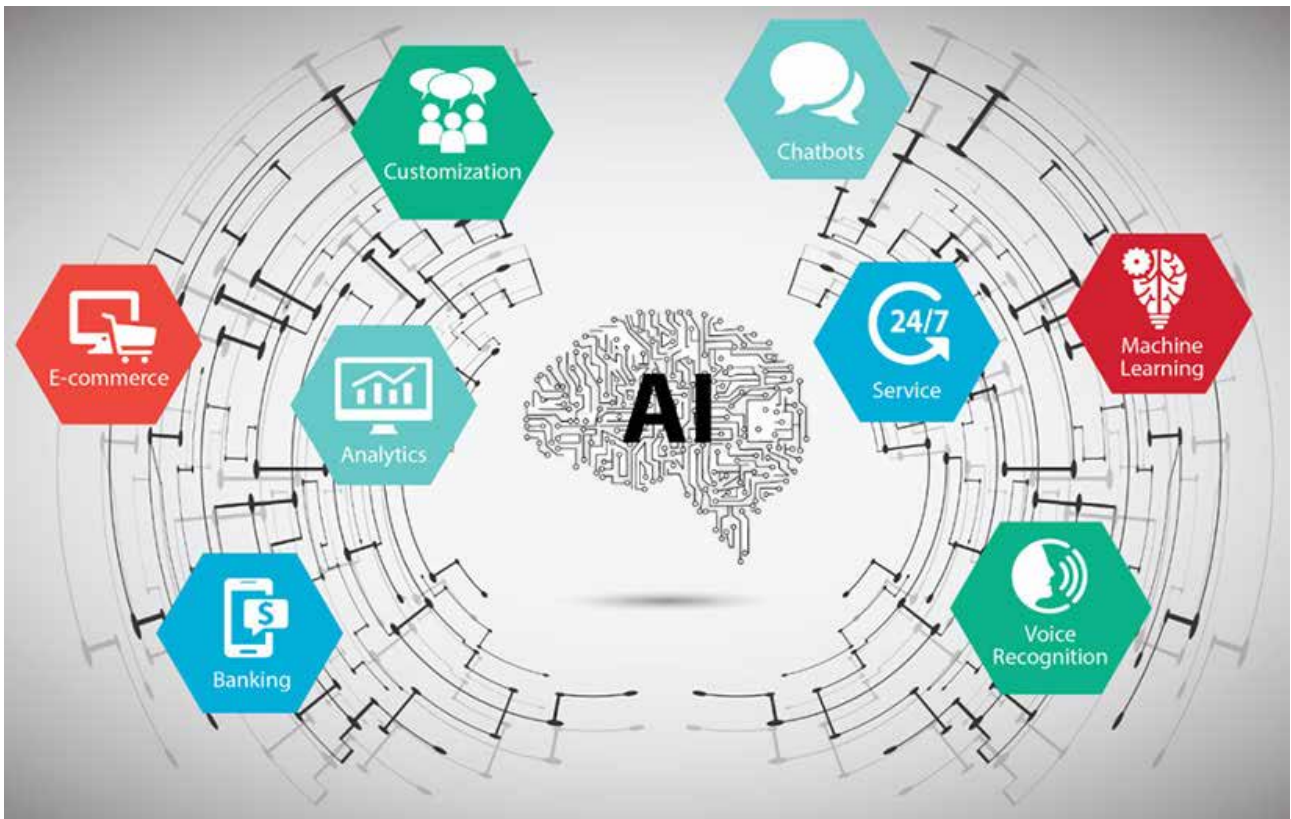
مطالعه‌ای از سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که اگر تمامی اقتصادها جریان داده‌ها را به طور کامل محدود کنند، ممکن است تولید ناخالص داخلی جهانی ۵ درصد کاهش یابد و صادرات جهانی نیز تا ۱۰ درصد افت کند. این در حالی است که نیاز به مجموعه داده‌های بزرگ برای توسعه مدل‌های هوش مصنوعی نگرانی‌های جدی در خصوص حریم خصوصی افراد به همراه دارد. از این رو ضروری است که تعادلی معقول میان دسترسی به داده‌های بزرگ برای آموزش مدل‌های هوش مصنوعی و حفاظت از حریم خصوصی برقرار شود.

تضمین قابل اعتماد بودن هوش مصنوعی بدون ایجاد اختلال در جریان تجارت چالشی پیچیده و چندبعدی است. قابل اعتماد بودن هوش مصنوعی به این معناست که سیستم‌های هوش مصنوعی باید از نظر قابلیت اطمینان، امنیت حریم خصوصی، ایمنی مسوولیت‌پذیری و کیفیت، انتظارات را به طور قابل راستی آزمایی برآورده کنند، با این حال با توجه به رفتار غیرشفاف سیستم‌های هوش مصنوعی و همچنین کاربرد دوگانه برخی محصولات این فناوری کاربردهای نظامی و غیرنظامی، دستیابی به تعادل میان اطمینان از عملکرد قابل اعتماد هوش مصنوعی و تسهیل جریان تجارت می‌تواند به ویژه در سطح بین‌المللی چالش برانگیز باشد.

ماهیت تکاملی هوش مصنوعی به معنای آن است که تنظیم مقررات برای این فناوری همواره هدفی متحرک و در حال تغییر است. مقررات سنتی که عمدتاً بر الزامات ملموس و قابل مشاهده محصولات تمرکز دارند ممکن است نتوانند به طور کامل به انواع خطرات بالقوه از جمله مسائل اخلاقی و اجتماعی ناشی از یکپارچه‌سازی هوش مصنوعی در کالاها و خدمات پاسخ دهند. تنظیم مقررات برای مسائل مربوط به اخلاق عمومی کرامت انسانی و حقوق بنیادین دیگر همچون تبعیض یا عدالت نه تنها امری پیچیده است، بلکه می‌تواند منجر به پراکندگی قوانین شود چراکه معنا و اهمیت این ارزش‌ها در جوامع مختلف ممکن است تفاوت‌های زیادی داشته باشد.

حقوق مالکیت معنوی در عصر هوش مصنوعی: هوش مصنوعی چالش‌های مفهومی جدیدی را برای رویکرد سنتی «انسان‌محور» در حقوق مالکیت معنوی ایجاد کرده است. از جمله مسائلی که نیازمند بررسی دقیق هستند می‌توان به حفاظت از الگوریتم‌های





است، درحالی که این رقم در سال ۲۰۱۶ تنها یک مورد بود. اتحادیه اروپا نیز از سال ۲۰۱۷ تاکنون نزدیک به ۱۳۰ اقدام نظارتی در این زمینه به تصویب رسانده است. با این حال بیشتر سیاستگذاری‌های مرتبط با هوش مصنوعی توسط اقتصادهای توسعه یافته اجرامی شوند که این موضوع می‌تواند شکاف موجود بین اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه را عمیق‌تر سازد. در حالی که حدود ۳۰ درصد از اقتصادهای در حال توسعه اقدام به تدوین سیاست‌های هوش مصنوعی کرده‌اند تنها یک کشور کمتر توسعه یافته (اوگاندا) چنین سیاست‌هایی را اجرا کرده است.

دسترسی به داده‌ها از طریق ابتکارات داده‌باز و اشتراک‌گذاری داده‌ها

دولت‌ها در تلاش هستند تا از طریق ابتکارات داده‌باز و سیاست‌های اشتراک‌گذاری داده‌ها نوآوری داخلی رقابت اقتصادی حفاظت از حریم خصوصی و کنترل جریان داده‌ها در مرزها را تقویت کنند با این حال چشم‌انداز کنونی نشان‌دهنده اقدامات پراکنده و ابتکارات داخلی متنوعی است که به‌طور بالقوه می‌تواند منجر به پراکندگی نظارتی شود. این پراکندگی فراتر از مقررات خاص هوش مصنوعی به قوانین بخش محور مانند مقررات مالکیت معنوی و مدیریت داده‌ها نیز گسترش می‌یابد و بر کاربردهای هوش مصنوعی تأثیرگذار است. پیامدهای اقتصادی این نوع پراکندگی به‌ویژه برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نیاز به کاهش ناهمگونی‌های نظارتی را برجسته می‌کند. طبق گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۲۴ پراکندگی رژیم‌های نظارتی جریان داده در بلوک‌های جغرافیایی اقتصادی ممکن است به بیش از یک درصد کاهش در تولید ناخالص داخلی واقعی منجر شود.

افزایش ابتکارات همکاری در حاکمیت هوش مصنوعی

تعداد ابتکارات همکاری دوجانبه و منطقه‌ای در زمینه حاکمیت هوش مصنوعی رو به افزایش است. این همکاری‌ها با تمرکز بر اولویت‌های متنوع خطر ایجاد رویکردهای پراکنده متعدد را افزایش می‌دهند. به عنوان مثال در حالی که برخی این همکاری‌ها بر هماهنگی

هوش مصنوعی و داده‌های دارای حق کپی‌رایت که برای آموزش این فناوری به کار می‌روند و همچنین تعیین حقوق مالکیت و حفاظت از خروجی‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی اشاره کرد. این موضوعات ممکن است بازنگری در چارچوب‌های قانونی موجود در حقوق مالکیت معنوی را ضروری سازند. پتانسیل گسترده هوش مصنوعی باعث شده است که دولت‌ها در سراسر جهان به‌طور فعال برای توسعه و بهره‌برداری از این فناوری تلاش کنند، درحالی که به‌طور هم‌زمان به مدیریت و کاهش ریسک‌های بالقوه آن می‌پردازند. در سطح داخلی تعداد بیشتری از حوزه‌های قضایی در حال تدوین استراتژی‌ها و سیاست‌هایی برای تقویت ظرفیت‌های هوش مصنوعی خود هستند. به عنوان مثال تعداد اقتصادهایی که استراتژی‌های هوش مصنوعی را اجرایی کرده‌اند از سه کشور در سال ۲۰۱۷ به ۷۵ کشور در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است. طبق گزارش شاخص هوش مصنوعی دانشگاه استنفورد در سال ۲۰۲۳، ایالات متحده در سال ۲۰۲۳ تعداد ۲۵ اقدام نظارتی مرتبط با هوش مصنوعی تصویب کرده

اصطلاحات طبقه‌بندی‌های مرتبط با هوش مصنوعی و نظارت بر ریسک‌ها متمرکز هستند، برخی دیگر بر ترویج هم‌ترازی کلی یا تقویت ایمنی و حاکمیت هوش مصنوعی تاکید دارند. توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای (RTAs) و توافقنامه‌های اقتصاد دیجیتال به عنوان ابزارهای کلیدی برای تنظیم و ترویج استفاده مسوولانه از هوش مصنوعی شناخته می‌شوند. مقررات خاص هوش مصنوعی به تدریج در این توافقنامه‌ها ادغام شده‌اند اما اغلب به صورت «نرم» (غیرالزام‌آور) و با تاکید بر همکاری بین‌المللی هستند. از اوایل دهه ۲۰۰۰، تعداد توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای با مقررات تجارت دیجیتال به طور پیوسته افزایش یافته و تا پایان سال ۲۰۲۲، ۱۱۶ توافقنامه شامل چنین مقرراتی بوده‌اند با این حال عمق این مقررات در توافقنامه‌ها به شدت متفاوت است که نشان‌دهنده رویکردهای ناهمگون است. همچنین تعداد کمی از اقتصادهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه یافته تاکنون توانسته‌اند مقررات تجارت دیجیتال را مذاکره و اجرایی کنند.

هماهنگی و تکامل در سطح بین‌المللی

سال‌های اخیر شاهد موجی از ابتکارات بین‌المللی مرتبط با هوش مصنوعی بوده‌ایم، اگرچه برخی از این ابتکارات از نظر اصول کلیدی مکمل یکدیگر هستند اما هر کدام بر جنبه‌های متفاوتی از حاکمیت هوش مصنوعی تاکید دارند. این ابتکارات عناصر مشترکی مانند اهمیت اجتناب از پراکندگی نظارتی، نقش مقررات و استانداردها، حفاظت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی حاکمیت داده‌ها و حقوق مالکیت معنوی را در بر می‌گیرند. علاوه بر این اهمیت همکاری و هماهنگی بین‌المللی در قالب گفت‌وگوهای سازنده میان دولت‌ها برجسته شده است. برخی ابتکارات حتی به پیامدهای زیست‌محیطی هوش مصنوعی نیز پرداخته‌اند که نشان‌دهنده افزایش توجه به پایداری در توسعه این فناوری است. با این حال همچنان هیچ هم‌راستایی جهانی در خصوص اصطلاحات مرتبط با هوش مصنوعی شکل نگرفته است.

اولویت‌های متنوع همپوشانی میان ابتکارات مختلف و نبود توافق بر سر اصطلاحات کلیدی می‌تواند چالش‌هایی جدی در مرحله اجرا ایجاد کند و تلاش‌ها برای جلوگیری از پراکندگی نظارتی و ایجاد یک چارچوب حکمرانی جهانی منسجم برای هوش مصنوعی را محدود سازد.

فراتر از تلاش‌ها برای حکمرانی بر هوش مصنوعی، تعداد روزافزونی از سازمان‌های بین‌المللی از جمله اتحادیه بین‌المللی مخابرات، سازمان آموزشی علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO) و بانک جهانی به توسعه دوره‌های آموزشی در زمینه هوش مصنوعی و ادغام این فناوری در فعالیت‌های کمک فنی خود پرداخته‌اند. برخی از این برنامه‌ها دارای مولفه‌هایی مرتبط با تجارت بین‌المللی هستند و به ترویج استفاده مسوولانه و موثر از هوش مصنوعی کمک می‌کنند.

نقش سازمان تجارت جهانی در حکمرانی هوش مصنوعی

سازمان تجارت جهانی به عنوان تنها نهاد جهانی مبتنی بر قوانین که سیاست‌های تجاری را مدیریت می‌کند، می‌تواند نقشی کلیدی در بهره‌گیری از مزایای هوش مصنوعی و کاهش ریسک‌های بالقوه آن ایفا کند. این سازمان ظرفیت آن را دارد که با محدود کردن پراکندگی مقررات ترویج توسعه هوش مصنوعی قابل اعتماد و تسهیل تجارت کالاها و خدمات مرتبط با این فناوری به رشد پایدار و نوآوری در این حوزه کمک کند. از جمله دیگر اقدامات مهم حمایت از حقوق مالکیت معنوی به عنوان محرکی برای نوآوری و توسعه فناوری‌های پیشرفته است. قوانین و فرآیندهای WTO همچنین به تقویت همگرایی جهانی کمک می‌کند. این سازمان بستری فراهم می‌سازد برای ارتقای شفافیت، عدم تبعیض، بحث و تبادل نظر، اشتراک بهترین شیوه‌ها، هماهنگی مقررات و ارائه راهنمایی‌های سیاست‌گذاری غیرالزام‌آور. علاوه بر این، سازمان تجارت جهانی با مذاکره در مورد قوانین تجاری الزام‌آور جدید هم‌راستایی جهانی را تسهیل کرده و مسیر را برای تنظیم و بهره‌برداری موثر از هوش مصنوعی در سطح بین‌المللی هموار می‌کند.

احکام شفافیت در توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی

این احکام به اعضا، فعالان اقتصادی و مصرف‌کنندگان این امکان را می‌دهد که از آخرین تحولات مقرراتی مطلع شوند. برای مثال احکام شفافیت تقویت شده در توافقنامه موانع فنی تجارت طراحی شده‌اند تا اطلاع‌رسانی زودهنگام در خصوص اقدامات مقرراتی و فراهم کردن امکان ارائه نظرات در مرحله پیش‌نویس این اقدامات را الزامی کنند. این ویژگی کلیدی علاوه بر کمک به کاهش موانع تجاری به ترویج و تسریع همگرایی جهانی در قوانین و مقررات نیز منجر می‌شود. اعضای WTO به طور روزافزون مقررات مرتبط با فناوری‌های دیجیتال را به کمیته TBT اطلاع می‌دهند. برای نمونه بیش از ۱۶۰ اطلاعیه در زمینه مقررات مربوط به امنیت سایبری اینترنت اشیا و رباتیک که به طور مستقیم با فناوری هوش مصنوعی مرتبط هستند، ثبت شده است. اخیراً کمیته TBT شروع به دریافت اطلاعیه‌هایی درباره مقررات خاص مرتبط با هوش مصنوعی کرده است.

مکانیسم بازبینی سیاست تجاری در سازمان تجارت

این مکانیسم یکی دیگر از ابزارهای کلیدی برای تقویت شفافیت سیاست‌های تجاری اعضا است. از سوی دیگر مسائل مرتبط با قوانین جدید که تحت ابتکار بیانیه مشترک درباره تجارت الکترونیک مذاکره شده و اکنون شامل ۹۱ عضو WTO است می‌توانند برای هوش مصنوعی اهمیت زیادی داشته باشند. WTO همچنین به عنوان بستری جهانی برای گفت‌وگوی سازنده و تبادل بهترین شیوه‌ها عمل می‌کند. این بستر امکان بحث میان اعضا را برای طراحی و تدوین راه‌حل‌های مقرراتی دقیق انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق فراهم می‌کند تا به صورت هماهنگ به جنبه‌های مرتبط با کالاها، خدمات و حقوق مالکیت معنوی در حوزه هوش مصنوعی پرداخته

شود.



تسهیل تجارت در حوزه هوش مصنوعی

در برخی حوزه‌های WTO از طریق تشویق استفاده از استانداردهای بین‌المللی، شناسایی متقابل، معادل‌سازی و ابزارهای «قانون نرم» مانند دستورالعمل‌های داوطلبانه کمیته‌ها به ترویج هماهنگی و انسجام مقررات کمک می‌کند. سازمان تجارت جهانی سنگ بنای تلاش‌های جهانی برای تسهیل تجارت در کالاها و خدمات مرتبط با هوش مصنوعی است، قوانین و مکانیسم‌های مختلف این سازمان به توسعه و دسترسی گسترده‌تر به هوش مصنوعی کمک می‌کنند. به عنوان نمونه توافقنامه عمومی تجارت خدمات نقش محوری در شکل‌دهی محیط سیاست‌گذاری ایفا کرده که توسعه و پذیرش هوش مصنوعی را تسهیل می‌کند. با بهره‌گیری از این چارچوب‌ها WTO می‌تواند به عنوان عاملی کلیدی در مدیریت چالش‌های هوش مصنوعی و ارتقای استفاده مسوولانه و موثر از این فناوری عمل کند.

نقش سازمان تجارت جهانی در توسعه تجارت هوش مصنوعی

توافقنامه فناوری اطلاعات با حذف تعرفه‌های محصولات فناوری اطلاعات و ارتباطات تحت پوشش خود، دسترسی جهانی به کالاهای پیشرفته ضروری برای توسعه و پیاده‌سازی هوش مصنوعی را تسهیل می‌کند. این اقدام نه تنها هزینه‌های مرتبط با فناوری‌های پیشرفته را کاهش می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز تسریع نوآوری و پذیرش گسترده‌تر هوش مصنوعی در مقیاس جهانی است.

توافقنامه موانع فنی تجارت به دولت‌ها کمک می‌کند اطمینان حاصل کنند که استانداردها و مقررات مرتبط با هوش مصنوعی مانعی برای تجارت ایجاد نمی‌کنند و در عین حال دستیابی به اهداف سیاست‌گذاری مانند ایمنی امنیت و رقابت‌پذیری تضمین می‌شود. اطلاع‌رسانی زودهنگام و فراهم آوردن امکان مشارکت ذی‌نفعان در تدوین مقررات از ویژگی‌های کلیدی این توافقنامه به‌شمار می‌روند.

توافقنامه جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی ایجاد سیستمی متعادل در زمینه حقوق مالکیت معنوی را هدف قرار داده است که ضمن تشویق نوآوری انتشار و دسترسی به فناوری را نیز تسهیل کند. این توافقنامه نقشی اساسی در توسعه پایدار فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی ایفا کرده و از منافع تولیدکنندگان و کاربران دانش فنی حفاظت می‌کند. توافقنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی بر دو جنبه حیاتی توسعه هوش مصنوعی تمرکز دارد: ارتقای نوآوری‌های فناورانه از طریق یارانه‌های موثر و محدود کردن آثار منفی سیاست‌های مالی دولت‌ها بر تجارت بین‌المللی، این توافقنامه با ایجاد چارچوبی برای ارزیابی و مدیریت یارانه‌ها به کاهش تحریفات تجاری ناشی از حمایت‌های غیر منصفانه کمک می‌کند. سازمان تجارت جهانی از طریق اصولی مانند عدم تبعیض و توافقنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت به کاهش محدودیت‌ها و تبعیض علیه محصولات خارجی کمک کرده و اطمینان می‌دهد که سیاست‌های سرمایه‌گذاری کشورها با قواعد تجارت آزاد جهانی همسو باشد. این اقدامات در نهایت به توسعه و پیشرفت فناوری هوش مصنوعی کمک می‌کنند. سازمان تجارت جهانی با ارائه بستری برای مطرح کردن نگرانی‌های خاص تجاری (STCS) در کمیته‌های مختلف امکان کاهش تنش‌های تجاری مرتبط با هوش مصنوعی را به شکلی تعامل محور و غیرقضایی فراهم می‌کند. کمیته موانع فنی تجارت نمونه‌ای از این سازوکار است که تاکنون به بررسی موضوعاتی نظیر امنیت سایبری، اینترنت اشیا، وسایل نقلیه خودران رباتیک و اخیراً هوش مصنوعی پرداخته است.

علاوه بر این سازمان تجارت جهانی بستری برای حل اختلافات مرتبط با جنبه‌های اقتصاد دیجیتال فراهم کرده و از طریق برنامه‌های ویژه‌ای مانند کمک برای تجارت و چارچوب یکپارچه پیشرفته اقتصادهای در حال توسعه را برای مشارکت موثرتر در تجارت بین‌المللی و بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته توانمند ساخته است. با سرعت گرفتن توسعه هوش مصنوعی و افزایش اهمیت آن در تجارت بین‌المللی ایجاد چارچوبی چندوجهی برای حکمرانی این داور ضروری و همیشه به نظر می‌رسد. سازمان تجارت جهانی با تکیه بر تجربه و چارچوب‌های چندجانبه خود می‌تواند در توسعه نظام حکمرانی موثری برای هوش مصنوعی نقش آفرینی کند. این نظام نه تنها از نوآوری حمایت می‌کند بلکه از آثار منفی احتمالی این فناوری بر تجارت بین‌المللی نیز جلوگیری خواهد کرد. با توجه به این تحولات گفت‌وگوهای مستمر میان دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی درباره پیامدهای هوش مصنوعی برای قوانین تجارت جهانی و راهبردهای تطبیقی آن از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد.

تأثیر هوش مصنوعی بر بازار سرمایه

رتبه بندی ۲۰ شرکت بزرگ فناوری بر اساس ارزش بازار

انوپدیا به دلیل فعالیت‌های گسترده و پیشرفت در زمینه هوش مصنوعی ارزش سهام خود را افزایش داد و سقف بازار خود را نزدیک به ابل و مایکروسافت رساند و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد در آینده نزدیک این سقف را خواهد شکست.

آمریکایی

۲
Microsoft
۳/۳
تریلیون دلار

۱
Apple
۳/۳
تریلیون دلار

۱۴
NETFLIX
۲۸۱ میلیارد

۵
amazon
۱/۹
تریلیون دلار

۲۰
۲۰۶ میلیارد

۴
Alphabet
۲/۲
تریلیون دلار

۳
NVIDIA
۳/۲
تریلیون دلار

۸
BROADCOM
۷۷۸
میلیارد دلار

۹
۵۸۲
میلیارد دلار

۶
Meta
۱/۳
تریلیون دلار

۱۲
ORACLE
۳۲۴
میلیارد دلار

تایوان
۷
tsmc
۸۹۷
میلیارد دلار

۱۵
AMD
۲۵۸
میلیارد دلار

۱۸
salesforce
۲۲۲
میلیارد

۱۶
Qualcomm
۲۴۳
میلیارد

چین
۱۰
Tencent 腾讯
۴۵۳
میلیارد

آلمان
۱۷
SAP
۲۲۵
میلیارد

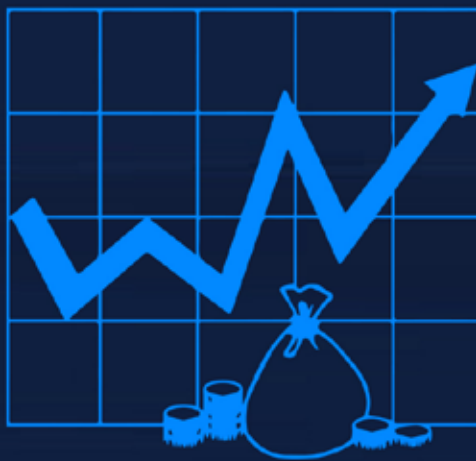
هلند
ASML
۴۱۵
میلیارد

۱۹
۲۱۲
میلیارد

کره جنوبی
۱۳
SAMSUNG
۳۷۹
میلیارد

در اینجا بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری جهان به تفکیک کشور و ارزش بازار آنها در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۲۴ دسته‌بندی شده‌اند.

۱۸٪



بازار این شرکت‌های بزرگ فناوری جهان در مجموع بیش از ۲۰ تریلیون دلار ارزش دارند؛ یعنی چیزی در حدود ۱۸ درصد از ارزش بازار سهام جهانی.

MARKET CAP

بازار نشان می‌دهد پیشرفت در حوزه هوش مصنوعی می‌تواند به اعتماد سرمایه‌گذاران و افزایش ارزش سهام کمک کند.

ارزش بازار (بازار سرمایه) یک شرکت را با در نظر گرفتن قیمت فعلی سهم و ضرب آن در تعداد سهام موجود، اندازه می‌گیرد.



انویدیا با داشتن رتبه سوم در ارزش بازار، با افزایش بیش از هشت برابری در مقایسه با ارزش خود در ابتدای سال ۲۰۲۳، رقیبان خود را پشت سر گذاشته است. این شرکت اخیراً سود خیلی بالایی داشته و گزارش کرده است که تراشه گرافیکی نسل بعدی خود را در اواخر سال جاری معرفی خواهد کرد.



مایکروسافت نیز تا حد زیادی در بخش هوش مصنوعی خود سرمایه‌گذاری و پیشرفت داشته و این موضوع باعث درآمدهایی و افزایش سود شرکت شده است. گزارش‌های منتشرشده از این شرکت نشان از افزایش ۲۰ درصدی درآمد خالص مایکروسافت برای سه‌ماهه منتهی به ۳۱ مارس ۲۰۲۴، در مقایسه با سه‌ماهه مشابه سال گذشته دارد.



آپل بزرگ‌ترین شرکت فناوری در حال حاضر است که برای سال‌های متمادی با مایکروسافت برای صدرنشینی رقابت کرده است. این شرکت پس از رونمایی از هوش مصنوعی خود، شاهد افزایش ارزش بازار خود بود. تحلیلگران بر این باورند که مردم دستگاه‌های خود را در چند سال آینده به نسخه‌های جدیدتر ارتقا خواهند داد، زیرا ویژگی‌های جدید هوش مصنوعی فقط در آیفون ۱۵ پرو و جدیدتر موجود خواهد بود.

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران تنش‌های منطقه منا و اقتصاد جهانی را بررسی کرد

فرصت‌های رشد منطقه منا

رشد اقتصادی در خاورمیانه و شمال آفریقا در مقایسه با سایر مناطق جهان روندی کند داشته است. گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران با بررسی تاثیر جنگ غزه بر اقتصاد «منا»، بر ضرورت ایجاد صلح، پایان دادن به تبعیض جنسیتی در اشتغال و تسهیل انتقال فناوری برای دستیابی به رشد پایدار تاکید می‌کند.

رشد عمدتاً ناشی از عملکرد اقتصادی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است که افزایش رشدی از ۰/۵ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۱/۹ درصد در سال ۲۰۲۴ را تجربه کرده‌اند.

در مقابل، رشد کشورهای در حال توسعه که واردکننده نفت هستند، رشد از ۳/۲ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۲/۱ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت زیرا پیامدهای درگیری‌های جاری مستقیماً بر برخی کشورهای تاثیر می‌گذارد و آسیب‌پذیری‌های موجود در کشورهای دیگر را تشدید می‌کند. رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت منطقه نیز از ۳/۲ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۲/۷ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت.

اقتصاد کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (ما) در حال نزدیک شدن به سایر کشورها در جهان نیست. متوسط درآمد سرانه این منطقه در ۵۰ سال گذشته تنها ۶۲ درصد افزایش یافته است. در مقایسه طی همین دوره، افزایش درآمد اقتصادهای

اگرچه ادامه جنگ در غزه تاثیر بدی بر رشد اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا می‌گذارد اما منطقه منامی تواند با تخصیص بهتر استعدادهای بازار کار، بهره‌برداری از موقعیت استراتژیک خود و ترویج نوآوری، رشد را افزایش دهد.

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران گزارشی با عنوان «جنگ غزه و رشد اقتصادی در خاورمیانه و شمال آفریقا» منتشر کرد. در این گزارش آمده است: متوسط درآمد سرانه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) در ۵۰ سال گذشته تنها ۶۲ درصد افزایش یافته است. در مقایسه، طی همین دوره، افزایش درآمد اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه چهار برابر اقتصادهای پیشرفته دو برابر بوده است. تنها تعداد کمی از اقتصادهای خاورمیانه و شمال آفریقا به استانداردهای زندگی کشورهای ثروتمند نزدیک شده‌اند.

این گزارش به بررسی اقتصاد منطقه (منا) و موضوع رشد اقتصادی از هر دو دیدگاه کوتاه‌مدت و بلندمدت تمرکز دارد. در این گزارش خلاصه‌ای از روندهای اقتصادی اخیر منطقه ارائه شده؛ از جمله به‌روزرسانی تاثیر جنگ غزه بر منطقه و اقتصاد جهانی.

این گزارش در ادامه به تحلیل عواملی می‌پردازد که پتانسیل رشد بلندمدت منا را شکل می‌دهد و تاکید ویژه‌ای بر اثرات پایدار درگیری دارد. نتایج روشن است: صلح پیش‌نیاز توسعه اقتصادی است زیرا درگیری می‌تواند توسعه را دهه‌ها معکوس کند و برای چندین نسل به تاخیر اندازد.

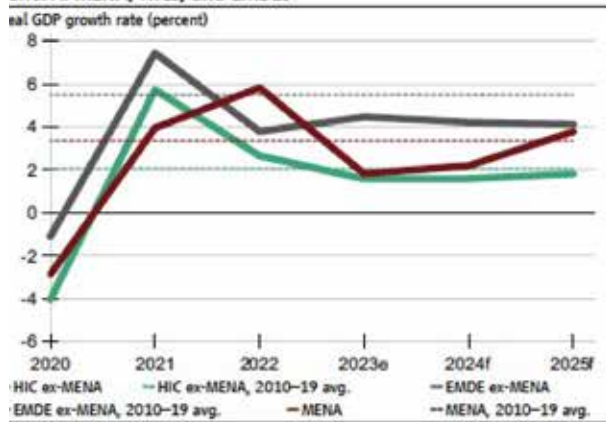
خبر خوب این است که منطقه می‌تواند با تخصیص بهتر استعدادهای بازار کار، بهره‌برداری از موقعیت استراتژیک خود و ترویج نوآوری، به طرز چشمگیری رشد را افزایش دهد. پایان دادن شکاف جنسیتی اشتغال، بازنگری در نقش و جایگاه بخش دولتی (عمومی) و تسهیل در انتقال فناوری از طریق تجارت و شفافیت می‌تواند به منطقه کمک کند تا رشد پیرشتایی را تجربه کند. فرصت‌های رشد همچنان پیش روی منا گشوده است.

پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۲۰۲۴، رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در منطقه منا به ۲/۲ درصد برسد که افزایش ملایمی از ۱/۸ درصد در سال ۲۰۲۳ خواهد داشت. این

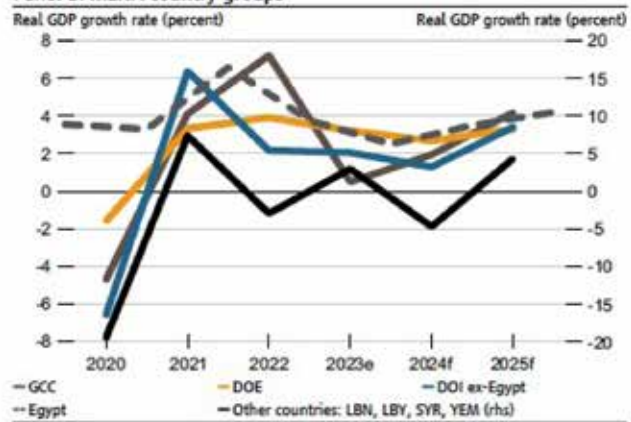
نمودار ۱- آثار همه‌گیری کووید بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد بالا، کشورهای در حال توسعه، بازارهای

نوظهور و منطقه منا، ۲۰۲۰-۲۰۲۵

Panel A. MENA, HICs, and EMDEs



Panel B. MENA country groups



پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۲۰۲۴ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در منطقه منا به ۲/۲ درصد برسد که افزایش ملایمی از ۱۸ درصد در سال ۲۰۲۳ خواهد داشت. این رشد عمدتاً ناشی از عملکرد اقتصادی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است که افزایش رشدی از ۰/۵ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۱/۹ درصد در سال ۲۰۲۴ را تجربه کرده‌اند در مقابل رشد کشورهای در حال توسعه که واردکننده نفت هستند، رشد از ۳/۲ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۲/۱ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت زیر پیامد درگیری‌های جاری مستقیم برخی کشورهای تاثیر می‌گذارد و آسیب‌پذیری‌های موجود در کشورهای دیگر را تشدید می‌کند. رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت منطقه نیز از ۳/۲ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۲/۷ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت.

در سال گذشته پیش‌بینی‌های رشد تولید ناخالص داخلی واقعی منطقه ما برای سال ۲۰۲۴ به مقدار قابل توجهی کاهش یافته است به ویژه در شرایط آسیب‌پذیر و تاثیرپذیر از درگیری‌های درون منطقه این کاهش‌ها بخشی از تمديد کاهش تولید نفت اوپک به علاوه افزایش عدم اطمینان ناشی از درگیری متمرکز در غزه را منعکس می‌کنند. از سپتامبر ۲۰۲۴ عدم اطمینان به ثبات اقتصادی در کشورهایی با درآمد بالا در منطقه منای تقریباً دو برابر بیشتر از سایر کشورهای در حال توسعه است.

عواقب اقتصادی جنگ غزه

در شرایطی که بحران انسانی عمیق‌تر می‌شود اقتصاد غزه تقریباً به طور کامل متوقف شده است و در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۴ افت ۸۶ درصدی را تجربه کرده است. در کرانه باختری اقتصاد نیز در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۴ به میزان ۲۳ درصد کاهش یافته که عمدتاً به دلیل اعمال محدودیت‌های شدید دولت اسرائیل بر انجام معاملات تجاری این منطقه با بیرون است. بحران شدید مالی در این دو منطقه مشهود است. یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل افت شرایط اقتصادی افزایش محدودیت‌هایی است که اسرائیل بر انتقال درآمدهای مالیاتی و وجه نقد به داخل مناطق فلسطینی ایجاد کرده است. تشکیلات خودگردان فلسطین با شکاف تامین مالی پیش‌بینی نشده‌ای به میزان ۱۸۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ روبرو است که به گفته منابع رسمی این سازمان بیش از دو برابر سال ۲۰۲۳ است.

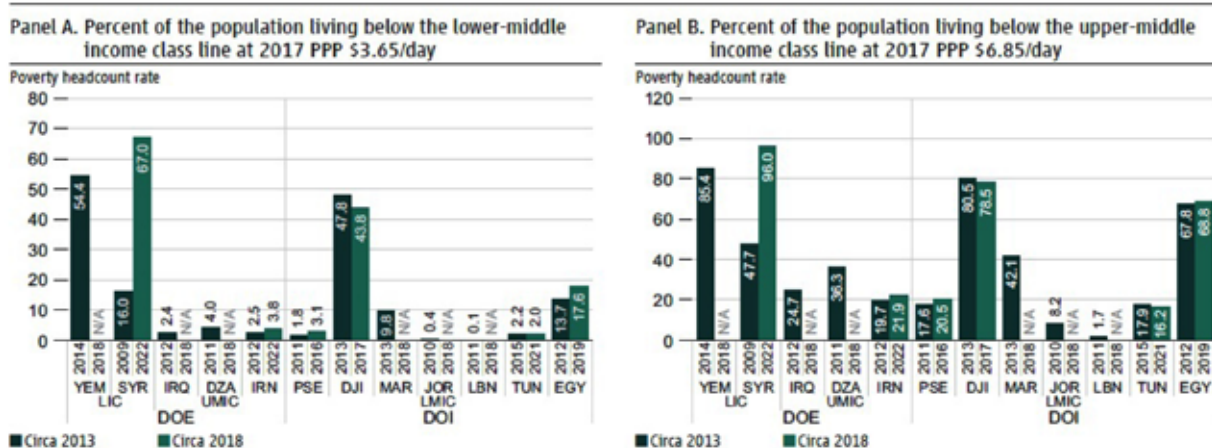
درگیری در منطقه خاورمیانه فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای همسایه را نیز متاثر کرده است. به عنوان مثال کاهش ۶۶ درصدی ورود گردشگران به اردن تا ۲۰۲۴ یا کاهش ۶۲ درصدی درآمدهای مصر از کانال سوئز نسبت به نیمه دوم سال ۲۰۲۲ از سوی دیگر تشدید درگیری در لبنان باعث افزایش تلفات انسانی و اقتصادی شده است. میزان کامل تاثیر این

نوظهور و در حال توسعه چهار برابر و اقتصادهای پیشرفته دو برابر بوده است. تنها تعداد کمی از اقتصادهای خاورمیانه و شمال آفریقا به استاندارد زندگی کشورهای ثروتمند نزدیک شده‌اند.

این گزارش به بررسی اقتصاد منطقه (منا) و موضوع رشد اقتصادی از هر دو دیدگاه کوتاه‌مدت و بلندمدت تمرکز دارد. اول خلاصه‌ای از روندهای اقتصادی اخیر منطقه ارائه می‌دهد از جمله به‌روزرسانی تاثیر جنگ غزه بر منطقه و اقتصاد جهانی سپس گزارش به تحلیل عواملی می‌پردازد که پتانسیل رشد بلندمدت منارا شکل می‌دهد و تاکید ویژه‌ای بر اثرات پایدار درگیری دارد. نتایج روشن است صلح پیش‌نیاز توسعه اقتصادی است زیرا درگیری می‌تواند توسعه را دهه‌ها معکوس کند و برای چندین نسل به تاخیر اندازد. خبر خوب این است که منطقه می‌تواند با تخصیص بهتر استعدادها در بازار کار بهره‌برداری از موقعیت استراتژیک خود و ترویج نوآوری به طرز چشمگیری رشد را افزایش دهد. پایان دادن شکاف جنسیتی اشتغال بازنگاری در نقش و جایگاه بخش دولتی (عمومی) و تسهیل در انتقال فناوری از طریق تجارت و شفافیت می‌تواند به منطقه کمک کند تا رشد پرشتابی را تجربه کند. فرصت‌های رشد همچنان پیش روی منا گشوده است.

رشد اقتصادی آسیب‌پذیر

نمودار ۲- درصد افراد زیر خط فقر در سال ۲۰۱۷



است. تحلیل مبتنی بر روش استفاده از هوش مصنوعی در این گزارش نشان می‌دهد که درآمد سرانه در کشورهای درگیر در منطقه منامی تواند به طور متوسط منفی ۴۵ درصد بیشتر از حالت بدون درگیری بوده باشد. این خسارت ناشی از جنگ معادل از بین رفتن پیشرفت ۳۵ ساله در منطقه است.

چشم‌انداز منطقه‌ای مرفه‌تر

با وجود چالش‌های کنونی در منطقه پتانسیل قابل توجهی در خاورمیانه و شمال آفریقا وجود دارد که هنوز به طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. کشورهای می‌توانند استعداد های خود را در بازار کار به نحو بهتری تخصیص دهند و از موقعیت استراتژیک خود برای افزایش نوآوری و حفظ رشد استفاده کنند. تخصیص نادرست ظرفیت‌های نیروی کار هم در داخل و هم خارج و بین بخش‌های عمومی و خصوصی به استانداردهای زندگی در این منطقه آسیب رسانده است. در ۵۰ سال گذشته آموزش به ویژه برای زنان در خاورمیانه و شمال آفریقا به سرعت افزایش یافته است اما نرخ مشارکت زنان در نیروی کار ثابت مانده است. کاهش شکاف‌های جنسیتی اشتغال در منامی تواند منجر به افزایش ۵۱ درصدی درآمد سرانه در کشورهای این منطقه شود. علاوه بر این اشتغال در بخش عمومی منطقه منای باعث کاهش اشتغال در بخش خصوصی می‌شود، به ویژه برای زنان زمانی که در بازار کار شرکت می‌کنند احتمال بیشتری دارد که در بخش عمومی اشتغال داشته باشند. سهم اشتغال زنان در بخش عمومی منطقه ما با ۳۷ درصد و تقریباً برابر اروپا و آسیای مرکزی است.

علاوه بر این ممکن است بخش عمومی استعدادهای زیادی را از بخش خصوصی جذب کند، بدون اینکه به بهبود کالاها و خدمات عمومی منجر شود انتقال استعدادهای به سمت بخش خصوصی می‌تواند منجر به افزایش قابل توجهی در بهره‌وری کل شود که این افزایش از ۵ تا ۹ درصد در ایران، تونس، مصر و اردن است. دستاوردهای ناشی از اصلاحات اقتصادی می‌تواند به سرعت محقق شود، به عنوان مثال از سال ۲۰۱۶ عربستان سعودی مشکلاتی که مانع از شرکت زنان در تمام مشاغل رانندگی و دسترسی به مرخصی زایمان بود را حذف کرد. این تغییرات توسط برنامه‌هایی که فرصت‌های شغلی زنان را افزایش می‌دادند، مانند خدمات شغلی آموزش و مراقبت از کودکان حمایت شد. آنها همچنین یک محیط تنظیمی مناسب برای ورود زنان به بازار کار ایجاد کردند. این اصلاحات احتمالاً به افزایش مشارکت زنان در نیروی کار کمک کرده است که از ۲۲ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۳۵ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است.

در نهایت برای ترویج افزایش بهره‌وری بیشتر منطقه منامی تواند از موقعیت جغرافیایی خود برای دسترسی به دانش و فناوری پیشرفته از طریق افزایش تجارت بین‌المللی استفاده کند. دانش تولید شده در این منطقه در حال حاضر از نظر تاثیر و نوآوری عقب است. تجارت

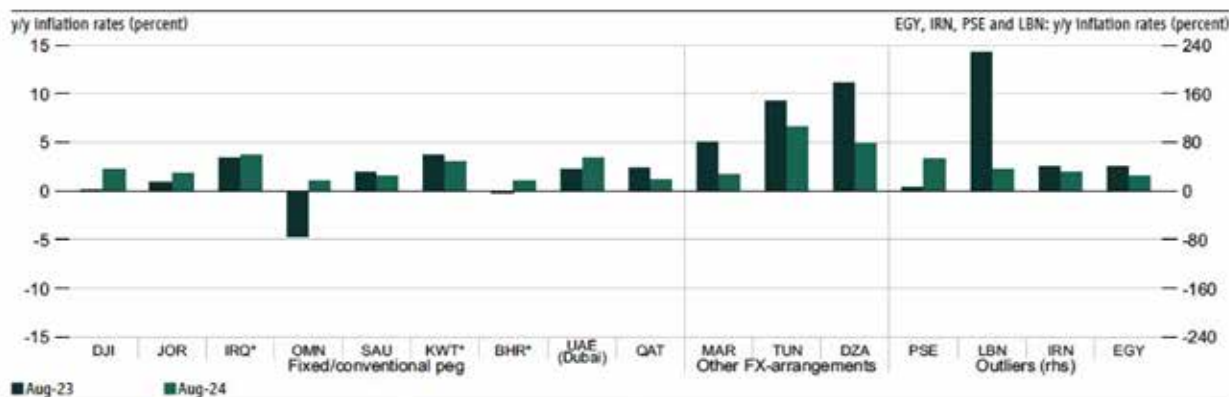
منازعات بر لبنان و منطقه به مسیر آینده درگیری بستگی خواهد داشت.

در سطح جهانی بازارهای انرژی و مالی تاکنون انعطاف‌پذیری نشان داده‌اند. با وجود برخی نوسانات زودهنگام و کوتاه‌مدت قیمت‌های نفت به صورت نقد و پرداخت آتی از اکتبر ۲۰۲۳ به طور قابل توجهی کاهش یافت. این در حالی است که عرضه آن و نگرانی‌ها درباره تقاضای نفت همچنان وجود دارد. اختلالات در حمل و نقل دریایی به ویژه از طریق کانال سوئز زمان و هزینه حمل و نقل را افزایش داده است به نحوی که نرخ‌های حمل و نقل در اگوست ۲۰۲۴ نسبت به نوامبر ۲۰۲۳ چهار تا پنج برابر افزایش یافته است.

سایه طولانی جنگ غزه بر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

جنگ غزه روند گسترده تری از افزایش خشونت در منطقه را بر جسته می‌کند. از سال ۱۹۹۰ درگیری‌ها بیش از دو برابر افزایش یافته و سهم منطقه منای از تلفات جهانی شش برابر شده است. هزینه‌های درگیری فراتر از چیزهایی است که شاخص‌های اقتصادی رایج بتوانند اندازه‌گیری کنند با این حال درگیری‌ها قطعاً منجر به خسارات اقتصادی فوری می‌شوند و می‌توانند تاثیرات منفی بلندمدت بر توسعه منطقه داشته باشند. این پیامدها ناشی از اتلاف سرمایه انسانی جابه‌جایی اجباری تخریب زیرساخت‌های فیزیکی و اشکال مختلف هرج و مرج اقتصادی از جمله اختلالات زنجیره تامین

نمودار ۳- تورم در منطقه منا و بر اساس میزان تبادل ارز خارجی با پول ملی - ۲۰۲۳-۲۰۲۴



Sources: World Bank staff calculations based on Haver Analytics and National Statistics Offices.
 Note: DJI = Djibouti, JOR = Jordan, IRQ = Iraq, OMN = Oman, SAU = Saudi Arabia, KWT = Kuwait, BHR = Bahrain, UAE = the United Arab Emirates, QAT = Qatar, MAR = Morocco, TUN = Tunisia, DZA = Algeria, PSE = The West Bank and Gaza, LBN = Lebanon, IRN = The Islamic Republic of Iran, EGY = The Arab Republic of Egypt. National Statistics Offices Consumer Price Indices (CPI) releases, as of October 2, 2024. The figure shows year-on-year headline inflation in August 2023 and August 2024 for countries with available data. Countries highlighted with an asterisk have the latest datapoint as of July 2024 and are compared to July 2023. Within each currency system category, countries are ordered in ascending 2023 GDP per capita (2021 constant PPP). The Arab Republic of Egypt, the Islamic Republic of Iran, Lebanon, and the West Bank and Gaza are presented on the secondary Y-axis. Dubai is used as a proxy for the United Arab Emirates because of a lack of monthly CPI data for the entire United Arab Emirates in recent months.

۲۰۲۵ دارند.

در سال ۲۰۲۲ منطقه منارشد فوق العاده سریعی را تجربه کرد. در پی افزایش قیمت های نفت که پس از حمله روسیه به اوکراین رخ داد رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت منطقه افزایش یافت. این در حالی است که رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت (جیبوتی، مصر، اردن، لبنان، مراکش و کرانه باختری و غزه) کاهش پیدا کرد.

در سال ۲۰۲۳ کاهش های مکرر تولید نفت توسط کشورهای اوپک شامل سه دور کاهش در آوریل ژوئن و نوامبر همراه با سطوح نسبتاً پایین قیمت نفت را شاهد بودیم. با وجود تلاش های اوپک برای تثبیت قیمت ها متوسط قیمت نفت از ۱۰۰ دلار در هر بشکه در ۲۰۲۲ به ۸۳ دلار در هر بشکه در ۲۰۲۳ کاهش یافت که این امر درآمد صادرکنندگان نفت را پایین آورد. تقاضای جهانی ضعیف تر ناشی از رشد کندتر در چین فشار نزولی بر قیمت های نفت وارد کرده و احتمالاً ادامه خواهد داشت که ممکن است تاثیر کاهش تولید اوپک را بی اثر کند. رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از ۷/۲ درصد در ۲۰۲۲ به ۰/۵ درصد در ۲۰۲۳ کاهش یافت. میزان رشد در واردکنندگان نفت در حال توسعه، به جز مصر تقریباً بدون تغییر از ۲۲ درصد در ۲۰۲۲ به ۲۰ درصد در ۲۰۲۳ باقی ماند، در حالی که رشد در صادرکنندگان نفت در حال توسعه از ۳/۹ درصد در ۲۰۲۲ به ۳/۲ درصد در ۲۰۲۳ کاهش یافت.

از آغاز جنگ غزه در اواسط اکتبر ۲۰۲۳ تنش های ژئوپلیتیکی و عدم اطمینان در منطقه منا افزایش یافته و بر چشم انداز رشد منطقه تاثیر گذاشته است. منا به رشدی بی رمق شبیه به دهه منتهی به همه گیری کووید و دیگر شوک هایی که از سال ۲۰۲۰ آغاز شد بازگشته است. چشم انداز تا پایان سال ۲۰۲۴ همچنان ضعیف است و تفاوت های مهمی در داخل منطقه وجود دارد. تا پایان سال ۲۰۲۴ انتظار می رود که رشد اقتصادی در منا به جز لیبی، لبنان، سوریه و یمن به طور مختصر به ۲/۲ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش یابد (پس از اینکه در سال ۲۰۲۳ به ۱۸ درصد کاهش یافته بود)، با این حال رشد در منا در سال ۲۰۲۴ یک درصد کمتر از میانگین پیش از همه گیری کووید بین سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ باقی می ماند.

رشد منطقه منادر سال ۲۰۲۴ عمدتاً ناشی از رشد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بوده که پیش بینی می شود در سال ۲۰۲۴ به ۱/۹ درصد نسبت به ۰/۵ درصد در سال ۲۰۲۳ برسد. با این حال رشد در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به دلیل ادامه کاهش تولید نفت کندتر از آنچه قبلاً پیش بینی شده بوده است. انتظار می رود رشد در صادرکنندگان نفت در حال توسعه از ۳/۲ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۲/۷ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یابد و در واردکنندگان نفت در حال توسعه (به جز کشور مصر) از ۲۰ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۱/۳ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یابد. پیامدهای درگیری های جاری به طور مستقیم بر برخی

بین المللی و انتقال فناوری و دانش همراه آن می تواند به عنوان اهمی برای افزایش بهره وری کل عمل کند. بهبود کیفیت داده ها و شفافیت در این منطقه می تواند به حذف موانع در برابر گسترش فناوری کمک کرده و گردش ایده ها را بیشتر و بهتر تسهیل کند. منطقه مناراه زیادی در پیش دارد اما همچنین پنجره های بزرگی از فرصت ها پیش روی آن گشوده است.

پیش بینی های رشد و روندهای کلان اقتصادی در منطقه منا

مانند سایر نقاط جهان منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از سال ۲۰۲۰ با مجموعه ای از شوک های شدید مواجه شده است. همه گیری کووید حمله روسیه به اوکراین جنگ در غزه و نوار باختری و مناقشه در لبنان، تورم بالا و شرایط مالی سخت تر و بلایای طبیعی نیز در این منطقه همچنان ادامه یافته است.

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۲۱ نسبت به کشورهای با درآمد بالا و بازارهای نوظهور به ویژه کشورهای صادرکننده نفت در منطقه خاورمیانه بهبود اقتصادی کمتری را تجربه کرد. هم کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با درآمد بالا (بحرین، کویت، عمان، قطر عربستان سعودی و امارات متحده عربی و هم کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (الجزایر، ایران و عراق وضعیت بهتری را نسبت به سایر کشورهای منطقه تا سال

نمودار ۴- روند تورم و پیش بینی آن در منطقه منا از سال ۲۰۲۲-۲۰۲۵

| | Inflation percent | | | |
|---------------------------------|-------------------|------------|------------|------------|
| | 2022 | 2023e | 2024f | 2025f |
| MENA | 5.0 | 3.6 | 2.2 | 2.7 |
| Gulf Cooperation Council | 3.8 | 2.0 | 1.7 | 2.0 |
| Qatar | 5.0 | 3.1 | 1.3 | 1.9 |
| United Arab Emirates | 4.8 | 1.6 | 2.2 | 2.1 |
| Bahrain | 3.6 | 0.1 | 1.3 | 1.5 |
| Kuwait | 4.0 | 3.6 | 3.1 | 2.7 |
| Saudi Arabia | 2.5 | 2.3 | 2.1 | 2.3 |
| Oman | 2.5 | 0.9 | 1.0 | 1.4 |
| Developing Oil Exporters | 9.3 | 9.3 | 4.0 | 4.9 |
| Islamic Republic of Iran | 46.5 | 52.3 | 31.9 | 30.0 |
| Algeria | 9.3 | 9.3 | 4.0 | 4.9 |
| Iraq | 5.0 | 4.4 | 3.7 | 3.3 |
| Developing Oil Importers | 5.9 | 6.0 | 5.0 | 2.6 |
| Arab Republic of Egypt | 8.5 | 24.1 | 33.6 | 17.2 |
| Tunisia | 8.3 | 9.3 | 7.0 | 6.0 |
| Jordan | 4.2 | 2.1 | 2.0 | 2.2 |
| Morocco | 6.6 | 6.1 | 1.5 | 2.7 |
| Djibouti | 5.1 | 1.4 | 3.0 | 1.8 |
| West Bank and Gaza | 3.7 | 5.9 | 35.8 | 2.5 |
| Other Countries | | | | |
| Libya | 4.6 | 2.3 | 2.5 | 2.4 |
| Lebanon | 171.2 | 221.3 | 45.7 | NP |
| Syrian Arab Republic | 63.7 | 92.5 | 37.7 | 11.3 |
| Republic of Yemen | 29.5 | 0.9 | 16.3 | 20.7 |

Source: World Bank, Macro Forecasts Outlook, October 2024.
 Note: e = estimate, f = forecast, NP = not presented. Regional and subregional figures are based on the median of the countries in each group. Data are rounded to a single decimal place. Data for the Arab Republic of Egypt are for fiscal years (beginning on July 1 and ending June 30). In the table, countries within each group are ranked in descending order by 2023 GDP per capita (constant 2021 PPPs). Numbers are updated as of October 2, 2024.

افزایش نگران کننده فقر در منطقه منا

رشد اقتصادی باید فراگیر باشد تا استانداردهای زندگی را برای همه از جمله فقیران و آسیب پذیران بهبود بخشد. این امر نیازمند آن است که فقیرترین اقشار جامعه به حداقل مایحتاج خود دسترسی داشته باشند. از سال ۱۹۹۰ بانک جهانی فقر را با استفاده از یک خط فقر بین المللی که در حال حاضر ۲/۱۵ دلار به ازای هر نفر در روز با قدرت خرید سال ۲۰۱۷ تعریف شده است پایش می کند. علاوه بر خط فقر بین المللی بانک جهانی از دو خط فقر بالاتر برای اندازه گیری و نظارت بر فقر در کشورهای با درآمد بالاتر که شیوع فقر شدید کمتری دارند، استفاده می کند خط ۳۶۵ دلار در روز برای کشورهای با درآمد متوسط - پایین و خط ۶۸۵ دلار در روز بر اساس قدرت خرید (۲۰۱۷) برای کشورهای با درآمد متوسط - بالا برای تخمین فقر در سطح منطقه ای و جهانی برآوردهای نظر سنجی باید به یک سال مرجع تنظیم و جمع شوند.

یکی از قوانین مهم برای نمایش تخمین های منطقه ای برای یک سال مرجع خاص این است که داده ها باید ۵۰ درصد از جمعیت منطقه را پوشش دهند. بانک جهانی در حال حاضر نرخ های فقر را برای سال مرجع ۲۰۲۲ گزارش می کند. آخرین تخمین ها برای منطقه منا تنها برای سال ۲۰۱۹ در دسترس است. به دلیل پوشش ناکافی جمعیت در سال های اخیر با وجود چالش ها در داده ها و ناهماهنگی ها در قابلیت مقایسه نظر سنجی ها در طول زمان روندهای اخیر نشان دهنده افزایش نگران کننده فقر در سراسر منطقه منا حتی قبل از همه گیری کووید است. منا تنها منطقه ای بوده که فقر در هر دو آستانه درآمد پایین متوسط و بالای متوسط آن افزایش یافته است. فقر در خط ۳۶۵ دلار (بر اساس قدرت خرید ۲۰۱۷) از ۱۲ درصد به ۱۴ درصد بین سال های مرجع ۲۰۱۳ و ۲۰۱۹ افزایش یافت، در حالی که فقر در خط ۶۸۵ دلار در روز (بر اساس قدرت خرید ۲۰۱۷) از ۴/۳ درصد به ۴/۵ درصد افزایش یافت.

در آن دسته از کشورهای منطقه منا که داده های نظر سنجی شان در سال ۲۰۱۹ در دسترس بود (جیبوتی، مصر، ایران، سوریه، تونس، کرانه باختری و غزه) همه به جز تونس و جیبوتی که کاهش های کمی در هر دو آستانه فقر داشتند، افزایش در برآوردهای فقر در هر دو آستانه درآمد متوسط - پایین و متوسط - بالا را تجربه کردند. در مصر فقر در خط درآمد متوسط - پایین از ۱۳/۷ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۱۷/۶ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت که بخشی از آن ناشی از کاهش ارزش پوند مصر، افزایش تورم و کاهش درآمدهای واقعی بود. در

کشورها تاثیر می گذارد و نقاط ضعف پیشین در دیگر کشورها را تشدید می کند.

در میان واردکنندگان نفت در کشورهای در حال توسعه انتظار می رود رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در همه کشورها به جز تونس کاهش یابد جایی که پیش بینی می شود رشد آن از صفر درصد در سال ۲۰۲۳ به ۱/۲ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش یابد. این افزایش نشان دهنده بهبود ملایم در بخش کشاورزی تونس است که همچنان از تاثیرات ماندگار شرایط خشکسالی پس از چهار سال بارش کمتر از میانگین رنج می برد. از سوی دیگر مراکش قرار است شاهد کاهش رشد واقعی تولید ناخالص داخلی از ۳/۴ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۲/۹ درصد در سال ۲۰۲۴ باشد که به دلیل کاهش تولید در بخش کشاورزی در پی خشکسالی فزاینده است. همچنین پیش بینی می شود رشد در مصر نیز از ۳۸ درصد در سال مالی ۲۰۲۳ به ۲۵ درصد در اواخر سال مالی ۲۰۲۴ کاهش یابد که ناشی از فعالیت ضعیف صنعتی محدودیت های وارداتی کاهش در عملیات استخراج گاز و کاهش حمل و نقل از طریق کانال سوئز است. چشم انداز لیبی، لبنان، سوریه و یمن که تحت تاثیر درگیری قرار دارند همچنان بسیار نامشخص است، اگرچه انتظار می رود که این کشورها در سال ۲۰۲۴ دچار کاهش اقتصادی بیشتری شوند. پیش بینی می شود در سال ۲۰۲۵ منطقه منا به رشد ۳۸ درصدی دست یابد. انتظار می رود رشد در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از ۱/۹ درصد در سال ۲۰۲۴ به ۴/۲ درصد در سال ۲۰۲۵ برسد که به دلیل حذف تدریجی کاهش داوطلبانه تولید نفت از دسامبر ۲۰۲۴ است. پیش بینی می شود رشد در صادرکنندگان نفت در حال توسعه از ۲/۷ درصد در سال ۲۰۲۴ به ۳/۳ درصد در سال ۲۰۲۵ افزایش یابد. در عین حال انتظار می رود رشد در واردکنندگان نفت در حال توسعه به جز مصر از ۱/۳ درصد در سال ۲۰۲۴ به ۲/۴ درصد در سال ۲۰۲۵ بهبود یابد. رشد مصر از ۲۵ درصد در سال مالی ۲۰۲۴ به ۳/۵ درصد در سال مالی ۲۰۲۵ می رسد.



سوریه جنگ داخلی ۲۰۱۱ منجر به افزایش شدید فقر در آستانه درآمد متوسط-پایین، از ۱۶ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۶۷ درصد در سال ۲۰۲۲ شد. در کرانه باختری و غزه حتی قبل از درگیری‌های کنونی فقر در آستانه درآمد متوسط-پایین از ۱۸ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۳۱ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش یافت، در حالی که در آستانه درآمد متوسط-بالا، از ۱۷۶ درصد به ۲۰/۵ درصد در همین دوره افزایش پیدا کرد. فقر در ایران نیز در هر دو آستانه درآمد افزایش یافت به طوری که فقر در آستانه درآمد متوسط-بالا از ۱۹/۷ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۲۱/۹ درصد در سال ۲۰۲۲ رسید.

تورم در منطقه منا

تورم در کشورهای منطقه به طور کلی در حال کاهش است اما برای برخی کشورها به صورت فزاینده‌ای همچنان وجود دارد. در سال ۲۰۲۳ تورم در این منطقه به ۳۶ درصد کاهش یافته است (نسبت به ۵ درصد در سال ۲۰۲۲) و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۴ به ۲/۲ درصد کاهش یابد با این حال در این زمینه تفاوت‌های مهمی در داخل منا وجود دارد. تورم در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که نرخ ارزهای خود را ثابت نگه داشته‌اند به خوبی کنترل شده است. در حالی که تورم در سایر کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت به ویژه ایران و در برخی کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت به ویژه مصر، لبنان و کرانه باختری و غزه افزایش پیدا کرده است.

پیش‌بینی می‌شود در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نرخ تورم در انتهای سال ۲۰۲۴ به ۱/۷ درصد کاهش یابد. در حالی که در سال ۲۰۲۳ این نرخ ۲/۰ درصد و در سال ۲۰۲۲ برابر با ۳۸ درصد بود. در سال ۲۰۲۳ فشارهای تورمی در شورای همکاری خلیج فارس به طور موثری از طریق سیاست‌های پولی پیشگیرانه مطابق با انقباض پولی فدرال رزرو ایالات متحده مدیریت شد. در سال ۲۰۲۴ تورم در کویت به ۳/۱ درصد کاهش یافت که ناشی از تعدیل سیاست پولی بود. در قطر تورم نیز کاهش یافته و از حمایت یارانه‌های دولتی و کاهش

قیمت کالاها برخوردار بوده است. برعکس در امارات متحده عربی، تورم در سال ۲۰۲۴ به ۲/۲ درصد افزایش یافته که ناشی از افزایش هزینه‌های مسکن و خدمات عمومی است. در سپتامبر ۲۰۲۴ پس از تصمیم فدرال رزرو ایالات متحده برای کاهش نرخ بهره پایه خود تورم در تمامی کشورهای صادرکننده نفت در حال توسعه کاهش یافت اما در ایران همچنان بالا باقی ماند، جایی که در سال مالی ۲۰۲۴ به ۳۱/۹ درصد رسید.

برای کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت نیز، تورم از متوسط ۶ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۵ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یافته است مانند کشور مصر که تورم در حال کاهش است تا اوت ۲۰۲۴، تورم در مصر ۲۵/۶ درصد بود. در حالی که متوسط آن در سال مالی ۲۰۲۴ برابر با ۳۳/۶ درصد و در سال مالی ۲۰۲۳ برابر با ۲۴/۱ درصد بود. این کاهش در تورم پس از تصمیم بانک مرکزی مصر در مارس ۲۰۲۴ برای اجازه کاهش ارزش پول ملی در برابر دلار یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش نرخ‌های کلیدی به میزان ۶۰۰ واحد پایه به منظور تثبیت انتظارات تورمی صورت گرفت. در تونس تورم از ۹/۳ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۷/۰ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یافت؛ با این حال تورم قیمت مواد غذایی در تونس همچنان بالاست که بخشی از آن به دلیل کاهش تولید کشاورزی ناشی از خشکسالی و کاهش واردات است. در مراکش تورم از ۶/۱ درصد در سال ۲۰۲۳ به ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یافت. در کرانه باختری و غزه تورم در اوت ۲۰۲۴ به ۵۳/۲ درصد (از ۴/۹ درصد در اوت ۲۰۲۳) افزایش یافته است. در غزه شوک اقتصادی عمدتاً یک اختلال در عرضه است که ناشی از محدودیت‌های شدید در حرکت کالاها و دسترسی به نوار غزه است.

این عدم تعادل بین عرضه و تقاضا منجر به افزایش شدید تورم شد که در اوت ۲۰۲۴ نزدیک به ۲۵۰ درصد رسید. برعکس در کرانه باختری شوک عمدتاً ناشی از تقاضاست. مکانیزم اصلی انتقال از دست دادن قابل توجه در آمد در هر دو بخش عمومی به دلیل بحران مالی و بخش خصوصی به دلیل افزایش محدودیت‌ها در تحرک و دسترسی به بازار کار اسرائیل برای کارگران فلسطینی بوده است؛ در نتیجه تورم در کرانه باختری تا اواسط سال ۲۰۲۴ نسبتاً پایدار باقی ماند. تورم لبنان اگرچه هنوز بالاست ولی در اوت ۲۰۲۴ به ۳۵ درصد (از ۲۲۹/۸ درصد در اوت ۲۰۲۳) کاهش یافت. تورم در آوریل ۲۰۲۳ به اوج خود رسید که پس از تصمیم بانک مرکزی برای کاهش ارزش رسمی نرخ ارز برای اولین بار از سال ۱۹۹۷ که آن را به ۱۵۰۰۰ لیره لبنان به ازای هر دلار آمریکا تعیین کرد، اتفاق افتاد.

کدام صنایع در دنیای آینده بیشترین بازدهی را خواهند داشت؟

دورنمای صنایع پیشتاز جهان

زهرا طهماسبی / تحلیلگر مسائل اقتصادی

قادر به ارائه تصویری دقیق از وضعیت واقعی یک صنعت نیستند. در عوض، آنچه که به عنوان یک شاخص کلیدی در تصمیم گیری های استراتژیک مورد توجه قرار می گیرد، مفاهیمی چون سودآوری بلندمدت، پایداری رشد و حاشیه سود بالاست. در واقع، انتخاب یک صنعت برای سرمایه گذاری یا توسعه نباید تنها بر اساس حجم بازار آن، بلکه باید بر اساس توان آن صنعت برای خلق ارزش پایدار و ارتقای ظرفیت های خود در درازمدت صورت پذیرد. در این راستا، تحلیل های آماری که بر اساس داده های معتبر جهانی انجام شده، نشان می دهند که صنایع مذکور دارای پتانسیل بسیار بالایی برای رشد و سودآوری در آینده هستند.

هوش مصنوعی؛ تحولی بزرگ در اقتصاد جهانی

هوش مصنوعی یکی از اصلی ترین و تحول آفرین ترین صنایع در حال رشد است که به دلیل کاربردهای گسترده اش در تمام زمینه ها از تجارت و تولید تا بهداشت و درمان، در حال تغییر بنیادین در نحوه عملکرد بسیاری از بخش های اقتصادی است. این فناوری با توانایی های خاص خود در بهینه سازی فرآیندها، کاهش هزینه ها و افزایش بهره وری به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از ارکان اصلی اقتصاد جهانی است. طبق پیش بینی ها، بازار جهانی هوش مصنوعی از درآمد ۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ به حدود ۴۰۶/۶۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید و این نشان دهنده رشد چشمگیر این صنعت است. نرخ رشد سالانه مرکب آن نیز در حدود ۱۷ تا ۲۵ درصد پیش بینی می شود که ناشی از گسترش روزافزون کاربردهای این فناوری در صنایع مختلف است.

هوش مصنوعی می تواند به کسب و کارها این امکان را بدهد که فرآیندهای پیچیده خود را به صورت خودکار انجام دهند. از این رو می تواند هزینه های عملیاتی را کاهش داده و به تولید و بهره وری بیشتری دست یابند. در حوزه های مختلف مانند بهداشت، هوش مصنوعی می تواند به تشخیص دقیق تر و سریع تر بیماری ها کمک کند، در حالی که در صنعت حمل و نقل، به توسعه خودروهای خودران و بهبود کارایی سیستم های حمل و نقل منجر خواهد شد. به علاوه، در بخش های مالی و بانکی، هوش مصنوعی در پیش بینی روندهای بازار، مدیریت ریسک و تحلیل داده ها کاربرد فراوانی دارد. این رشد شگفت انگیز، همراه با قابلیت های گسترده هوش مصنوعی، موجب افزایش سودآوری این صنعت خواهد شد. پیش بینی می شود که سود این صنعت به طور میانگین بین ۲۳۰ تا ۹۲۰ میلیارد دلار باشد و حاشیه سود آن نیز بین ۱۵ تا ۲۰ درصد است. این حاشیه سود بالا به دلیل کاهش هزینه ها، بهینه سازی فرآیندها و تصمیم گیری های هوشمندانه ای است که هوش مصنوعی به کسب و کارها ارائه می دهد. به عنوان مثال، الگوریتم های هوش مصنوعی قادرند تا با تحلیل داده های پیچیده، تصمیمات بهینه تری را برای بهبود عملکرد سازمان ها اتخاذ کنند و از این رو در هزینه ها صرفه جویی

در دنیای امروز، تصمیم گیری های اقتصادی و سرمایه گذاری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این اهمیت زمانی دوچندان می شود که به تغییرات سریع و تحولات پیوسته در عرصه های فناوری و اقتصادی دقت کنیم. همزمان با گذر زمان، صنایعی که در ابتدا به نظر نوپا و مهم می آمدند، اکنون به ستون های اصلی اقتصاد جهانی تبدیل شده اند. چالش بزرگ امروز پیش بینی دقیق صنایعی است که می توانند در آینده ای نه چندان دور به اصلی ترین ارکان اقتصادی تبدیل شوند. برای دستیابی به این هدف، ابزارهای مختلفی وجود دارد اما استفاده از داده های علمی و تحلیل های مبتنی بر شواهد می تواند به عنوان یک راه حل جامع و معتبر به کار گرفته شود.

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی موسسه مکنزی از حدود ۲۰ صنعت کلی در جهان، پنج صنعت به طور ویژه ای در کانون توجه قرار دارند: هوش مصنوعی، تبلیغات دیجیتال، خدمات ابری، نیمه هادی ها و خودروهای برقی. این صنایع نه تنها از نظر رشد درآمدی بلکه از منظر سودآوری و حاشیه سود نیز در حال تبدیل شدن به فرصت هایی مهم برای سرمایه گذاران و کارآفرینان در سطح جهانی هستند.

تغییر معیارهای موفقیت در صنایع

در دنیای اقتصاد مدرن، معیارهای سنتی برای ارزیابی موفقیت یک صنعت مانند «درآمد» و «حجم فروش» دیگر به تنهایی



شود. سرمایه‌گذاری در صنعت هوش مصنوعی به دلیل رشد سریع و پتانسیل‌های چشمگیر آن می‌تواند بازدهی بسیار بالایی داشته باشد. شرکت‌های فعال در زمینه توسعه الگوریتم‌ها، نرم‌افزارها و سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و همچنین آنهایی که به دنبال بهبود زیرساخت‌های پردازشی برای پشتیبانی از این تکنولوژی هستند، فرصت‌های قابل توجهی برای رشد و سودآوری خواهند داشت.

تبلیغات دیجیتال؛ فرصتی بزرگ در دنیای آنلاین

ابزار تبلیغات دیجیتال در سال‌های اخیر با رشدی چشمگیر همراه بوده و به یکی از ارکان اصلی اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است. این رشد به دلیل تغییرات قابل توجه در رفتار مصرف‌کنندگان و افزایش حضور آنها در فضای آنلاین رخ داده است. با توجه به روندرو به رشد استفاده از اینترنت، تبلیغات دیجیتال توانسته است به عنوان یکی از ابزارهای اصلی برندها برای رسیدن به مخاطبان خود شناخته شود و در این راستا، شرکت‌های پیشرو در این حوزه از حاشیه سود بالایی برخوردار بوده‌اند.

درآمد صنعت تبلیغات دیجیتال در سال ۲۰۲۲ حدود ۵۲۰ میلیون دلار بود و پیش‌بینی می‌شود که این درآمد تا سال ۲۰۴۰ به ۲۱۰۰ تا ۲۹۰۰ میلیون دلار برسد. نرخ رشد مرکب سالانه این بازار بین ۸ تا ۱۰ درصد تخمین زده شده است که نشان‌دهنده پایداری و استحکام آن در بلندمدت است. همچنین، حاشیه سود این صنعت بین ۱۵ تا ۲۰ درصد بوده و سودآوری آن در حدود ۳۲۰ تا ۵۸۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود. این ارقام بیانگر جذابیت اقتصادی و پتانسیل بالای بازار تبلیغات دیجیتال است.

یکی از عوامل اصلی رشد این صنعت، تغییرات رفتاری مصرف‌کنندگان است که به طور فزاینده‌ای به فضای آنلاین روی آورده‌اند. این تغییرات باعث شده برندها و کسب‌وکارها بتوانند تبلیغات خود را به صورت هدفمندتر و با استفاده از داده‌های دقیق‌تری به مخاطبان خود ارائه دهند. در این راستا، پیشرفت‌های تکنولوژیکی نیز نقش

بزرگی ایفا کرده‌اند. با توجه به این تحولات، چشم‌انداز صنعت تبلیغات دیجیتال در آینده بسیار روشن به نظر می‌رسد. از یک سو، فناوری‌های نوینی مانند هوش مصنوعی و تحلیل داده‌ها به شرکت‌ها این امکان را می‌دهند که تبلیغات خود را به صورت بسیار شخصی‌سازی شده ارائه دهند و اثربخشی آنها را به حداکثر برسانند. از سوی دیگر، این فناوری‌ها می‌توانند هزینه‌های تبلیغاتی را کاهش داده و به برندها کمک کنند تا با استفاده بهینه از منابع خود، بیشترین بهره‌را از تبلیغات آنلاین ببرند.

به طور کلی، بازار تبلیغات دیجیتال به دلیل رشد پایدار، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تغییرات در رفتار مصرف‌کنندگان به یکی از مهم‌ترین و سودآورترین بخش‌های اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است. این روند در سال‌های آینده با توجه به پیشرفت‌های بیشتر در تکنولوژی‌های جدید و گسترش اینترنت، سرعت بیشتری خواهد گرفت و فرصت‌های بیشتری را برای کسب‌وکارها و برندها به همراه خواهد داشت.

خدمات ابری؛ زیرساختی برای آینده دیجیتال

صنعت خدمات ابری به سرعت به یکی از ارکان اصلی زیرساخت‌های فناوری اطلاعات تبدیل شده است و چشم‌انداز آن برای آینده دیجیتال بسیار روشن است. این صنعت با رشد تقاضا برای ذخیره‌سازی و پردازش داده‌های کلان و نیاز به منابع مقیاس‌پذیر، پتانسیل بالایی برای توسعه و سودآوری دارد. در حال حاضر، خدمات ابری به کسب‌وکارها و سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که به طور بهینه‌تری از منابع خود استفاده کنند و بدون نیاز به سرمایه‌گذاری در





زیرساخت‌های سخت‌افزاری گران‌قیمت، خدمات خود را گسترش دهند.

درآمد این صنعت در سال ۲۰۲۲ حدود ۲۲۰ میلیون دلار بوده و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۴۰ به ۱۶۰۰ تا ۳۴۰۰ میلیون دلار برسد. علاوه بر آن، نرخ رشد مرکب سالانه آن بین ۱۲ تا ۱۷ درصد تخمین زده می‌شود که نشان‌دهنده نیاز فزاینده به خدمات ابری و پتانسیل بالای برای توسعه در آینده است. این رشد به ویژه در حوزه‌های مختلفی مانند ذخیره‌سازی داده‌ها، خدمات نرم‌افزاری و نیز زیرساخت‌ها مشاهده می‌شود.

حاشیه سود این صنعت نیز در حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد پیش‌بینی شده است که نشان‌دهنده سودآوری بالای این بخش از بازار است. این سود بالا به دلیل مقیاس‌پذیری خدمات ابری، هزینه‌های نسبتاً پایین تولید و افزایش تقاضا برای این خدمات در سطح جهانی است. با توجه به این عوامل، شرکت‌های فعال در این حوزه می‌توانند به بازیگران اصلی اقتصاد دیجیتال در آینده تبدیل شوند. در نهایت، صنعت خدمات ابری نه تنها به کسب و کارها و سازمان‌ها کمک می‌کند تا منابع خود را به طور بهینه‌تری مدیریت کنند، بلکه به عنوان یک عامل کلیدی در تسریع فرآیندهای دیجیتال و نوآوری در بخش‌های مختلف اقتصادی شناخته می‌شود. این صنعت به سرعت در حال تحول است و در سال‌های آینده نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به آینده دیجیتال و اقتصاد جهانی ایفا خواهد کرد.

صنعت نیمه‌هادی‌ها؛ قلب تحولات فناوری

صنعت نیمه‌هادی‌ها به عنوان قلب تحولات فناوری، نقش حیاتی در پیشبرد نوآوری‌های تکنولوژیک ایفا می‌کند. با توجه به تقاضای روزافزون برای تراشه‌های پیشرفته و گسترش فناوری‌هایی مانند اینترنت و هوش مصنوعی این صنعت به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از قطب‌های اصلی اقتصادی در جهان است.

در حال حاضر، درآمد این صنعت در سال ۲۰۲۲ حدود ۶۳۰ میلیون دلار بوده و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۴۰ به ۱۷۰۰ تا ۲۴۰۰ میلیون دلار برسد. این رشد نشان‌دهنده

روند پایداری است که با نرخ رشد مرکب سالانه‌ای بین ۶ تا ۸ درصد همراه خواهد بود. در این میان، صنعت نیمه‌هادی‌ها از نظر سودآوری نیز موقعیت برجسته‌ای دارد؛ سود آن بین ۳۴۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود و حاشیه سود آن در حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد قرار دارد.

این حاشیه سود بالا به دلیل پیچیدگی‌های تولید و اهمیت استراتژیک تراشه‌ها در فناوری‌های پیشرفته است. به طور کلی، صنعت نیمه‌هادی‌ها نه تنها در روند تحولات صنعتی تاثیر گذار است، بلکه به عنوان یک موتور محرک برای رشد اقتصادی در آینده شناخته می‌شود و به عنوان یکی از ارکان اساسی در تحول دیجیتال و صنعتی خواهد بود.

خودروهای برقی؛ حمل و نقل آینده

صنعت خودروهای برقی در پاسخ به نگرانی‌های زیست‌محیطی و تغییرات در تقاضای مصرف‌کنندگان به سرعت در حال گسترش است و پیش‌بینی می‌شود در آینده‌ای نه چندان دور به یکی از ارکان اصلی حمل و نقل شهری تبدیل شود. این رشد چشمگیر به دلیل عواملی چون افزایش آگاهی زیست‌محیطی، مقررات سختگیرانه کاهش آلاینده‌ها، و پیشرفت‌های فناوری در زمینه باتری‌ها و زیرساخت‌های شارژ است. طبق پیش‌بینی‌ها، بازار جهانی خودروهای برقی از درآمد ۴۵۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۲ به بیش از ۳۰۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید و نرخ رشد مرکب سالانه این صنعت بین ۱۰ تا ۱۲ درصد تخمین زده می‌شود. این رشد نشان‌دهنده تقاضای روزافزون برای خودروهای برقی است. افزایش فروش این خودروها به دلیل کاهش هزینه‌های نگهداری، کارکرد بهینه‌تر باتری‌ها و مشوق‌های دولتی برای مصرف‌کنندگان است. علاوه بر این، سودآوری این صنعت نیز در حدود ۱۰۰ تا ۳۲۰ میلیون دلار پیش‌بینی می‌شود و حاشیه سود آن بین چهار تا ۱۰ درصد خواهد بود. این ارقام نشان می‌دهند که صنعت خودروهای برقی در حال تبدیل شدن به یک بخش سودآور و استراتژیک در اقتصاد جهانی است.

هر چند چالش‌هایی مانند محدودیت‌های زیرساختی شارژ و هزینه‌های بالای خودروهای برقی وجود دارد اما این مشکلات به فرصتی برای نوآوری تبدیل شده است. با توسعه شبکه‌های شارژ و کاهش هزینه‌های تولید، این موانع به تدریج قابل حل خواهند بود. به این ترتیب، صنعت خودروهای برقی نه تنها از منظر زیست‌محیطی، بلکه از نظر اقتصادی نیز به یکی از بخش‌های حیاتی حمل و نقل جهانی تبدیل خواهد شد.

در نهایت، با توجه به تحولات سریع فناوری و نیازهای جدید اجتماعی و اقتصادی، صنایع هوش مصنوعی، تبلیغات دیجیتال، خدمات ابری، نیمه‌هادی‌ها و خودروهای برقی به عنوان صنایع سودآور و پرتر میان‌انبوه صنایع در آینده شناخته می‌شوند. هر یک از این صنایع به دلیل پتانسیل بالای نوآوری، تقاضای روزافزون و نقشی که در ارتقای کیفیت زندگی و پایداری محیط‌زیست دارند، جایگاه ویژه‌ای خواهند داشت. بنابراین، توجه به این صنایع و سرمایه‌گذاری هوشمندانه در آنها نه تنها می‌تواند منجر به سودآوری مالی شود، بلکه فرصتی برای مشارکت در تحولات اقتصادی پایدار و مسوولانه در سطح جهانی است. /جهان صنعت

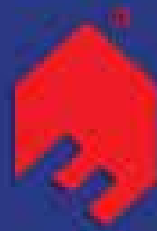
DASANI

Trademark Regd.

آب آشامیدنی حاوی مواد معدنی
برای طعمی تازه و گوارا



شرکت تولیدی و صنعتی سامد



تولید کننده:

فرمالین

رزین اوره فرمالدئید (UF)

رزین ملامین فرمالدئید (MF)

فرم اوره (UFC)

چسب های پایه حلالی

چسب های پایه آبی

مشهد - بلوار ممر ۲۷ بزرگراه قزوین
استادوار پستی: ۹۳۳۵-۴۵۶۶
تلفن: ۰۵۱۳۳۹۹۱۰۵۴۲۵
فکس: ۰۵۱۳۳۹۹۲۲۱۸
دفتر تهران: تلفن: ۰۲۱۸۸۷۷۴۲۵
۸۸۹۹-۴۴۹-۸۸۹۹-۴۸-
فاکس: ۰۲۱۸۸۷۹۳۲۵



www.samad.ir - samed@samad.ir

چسب دتشهد
اتصال ناگسستنی در صنایع ایران